





— خانه نشر هنر و ادبیات چراغ —

پژوهش معاصر ایرانی



نگاهی به

سازمان مجاهدین خلق ایران

و تکامل تاریخی و تاثیر این سازمان  
در رابطه با بحث های مربوط به اپوزیسیون ایران

همایون علیزاده

نویسنده:

حبیب ت. ریاحی

ترجمه:

پویان مقدسی

دبیر مجموعه:

رضا زواری

مدیر هنری و طراح گرافیک:

اول

چاپ:

۲۰۲۳

آوریل

وین

— Das Licht Verlagshaus —

WWW.DASLICHT.AT

 @nashrcheraagh

# نگاهی به سازمان مجاهدین خلق ایران

و تکامل تاریخی و تاثیر این سازمان  
در رابطه با بحث های مربوط به اپوزیسیون ایران

---

همایون علیزاده  
ترجمه: حبیب.ت. ریاحی

---

وین؛ آوریل ۲۰۲۳



ف  
ه  
دست

۱۱	پیشگفتار
۱۳	خلاصه

## ۱. وقایع خرداد ۱۳۴۲ و مبدأ مبارزه مسلحانه علیه نظام شاهنشاهی

۱۷	تاسیس سازمان مجاهدین خلق ایران
۱۹	سال‌های شکل‌گیری سازمان مجاهدین خلق
۲۰	آیت‌الله خمینی و مجاهدین خلق
۲۱	انشعاب و ترور در درون سازمان مجاهدین خلق

## ۲. نقش مجاهدین خلق در انقلاب ایران

۲۵	مجاهدین خلق پس از انقلاب ۱۹۷۹
۲۶	دوره‌ی سیاست‌مدارا
	انتخابات مجلس مؤسسان (مجلس خبرگان)
۲۸	برای تنظیم قانون اساسی

۲۹	اشغال سفارت امریکا در تهران
۳۰	دوره‌ی رویارویی با زمامداران جدید
۳۲	قانون اساسی جدید اسلامی
۳۲	انتخابات ریاست جمهوری و پارلمان در سال ۱۹۸۰
۳۴	برکناری بنی‌صدر از مقام ریاست جمهوری
۳۶	حاکمیت ترور و نابودی اپوزیسیون

### ۳. عزیمت مجاهدین خلق به خارج و عملکرد سازمان بعد از ۱۹۸۱

۴۱	۱.۳. تبعید در پاریس
۴۱	تشکیل «شورای ملی مقاومت» در پاریس

### ۲.۳. عراق بازوی جدید مجاهدین خلق

۴۵	پیمان با صدام حسین
۴۸	حکم اعدام علیه علی زرکش
۴۸	عملیات «فروغ جاویدان»

### ۳.۳. مجاهدین خلق و کردها

	مشارکت مجاهدین خلق در سرکوب
۵۱	شیعیان و کردهای شمال عراق در سال ۱۹۹۱
۵۲	بحران کردها در سال ۱۹۹۱
۵۳	کمک‌های دولت اتریش به کردها

۵۳	دو ماموریت به ترکیه و پذیرش پناهجویان کرد در اتریش
۵۴	دو مورد در اردوگاه پناهندگی در مرز ترکیه و عراق
۵۵	حکم بازداشت مسعود و مریم رجوی و ۳۹ عضو دیگر مجاهدین خلق از سوی حکومت عراق

### ۴.۳. پایگاه‌های اشرف در عراق و آلبانی

۵۷	فعالیت مجاهدین خلق برای جذب نیروی تازه در «پایگاه اشرف»
۵۹	خلع سلاح و رفتار نظامیان ایالات متحده امریکا با مجاهدین خلق در سال ۲۰۰۳
۶۲	حمله پلیس فرانسه به مقر مجاهدین خلق در پاریس در ژوئن ۲۰۰۳
۶۲	«پایگاه اشرف» به مثابه زندان
۶۴	حملات نظامی جمهوری اسلامی به پایگاه اشرف

---

تغییر مکان مجاهدین خلق از پایگاه اشرف  
به اردوگاه لیبرتی (پایگاه اشرف ۲)  
۶۵

---

ایجاد پایگاه «اشرف ۳» در کشور آلبانی  
۶۷

---

### ۵.۳. تلاش مجاهدین خلق برای کسب اعتبار

رده بندی مجاهدین خلق  
به عنوان یک سازمان تروریستی  
۷۱

---

حذف مجاهدین خلق  
از لیست سازمان‌های تروریستی  
۷۳

---

شنود نظر مریم رجوی  
در کنگره‌ی امریکا درباره‌ی حکومت اسلامی (داعش)  
۷۷

---

سیاست اطلاع رسانی مجاهدین خلق  
۷۸

---

وجه و اعتبار مجاهدین خلق در مطبوعات بین‌المللی  
۷۹

---

کوشش مجاهدین خلق  
برای کسب مشروعیت از طریق سیاستمداران  
ایالات متحده امریکا  
۸۰

---

مجاهدین خلق و سیاست تدارک مالی آن‌ها  
۸۲

---

کمک‌های مالی مجاهدین خلق  
به حزب راست افراطی وکس (Vox) در اسپانیا  
۸۷

---



۸۸	پاداش و رشوه به سیاستمداران خارجی
۹۵	همکاری با سرویس های اطلاعاتی بیگانه
۹۶	فعالیت های جمهوری اسلامی ایران علیه مجاهدین خلق در خارج
<b>۴. مجاهدین خلق و آینده</b>	
۱۰۱	مجاهدین خلق به مثابه ساختاری فرقه ای
۱۰۳	مجاهدین خلق امروزی
۱۰۵	چشم انداز های آتی

---

از آن جایی که این نوشته هیچ ادعایی به کامل بودن متن و محتوا ندارد، از خوانندگان گرامی خواهشمندم تا انتقادات و یا نظرات خود را برای تکمیل این نوشته به آدرس ایمیل زیر ارسال نمایند:

homa1300@gmail.com

پیشاپیش بسیار سپاس گزارم.

---

---

## پیش‌گفتار

زمانی‌که از سال ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۷ مسئولیت «کمیته دفاع از حقوق بشر در ایران» در اتریش را به عهده داشتم، تجربیاتی از برخورد با هواداران و اعضای سازمان مجاهدین خلق را کسب کردم. در این سال‌ها با کمک «کمیته دفاع از حقوق بشر در ایران» و همچنین بخش پناهندگی وزارت کشور فدرال اتریش (۱۹۷۸ تا ۱۹۹۵) افرادی از این سازمان توانستند از ترکیه و پاکستان به اتریش آمده و بعداً به فرانسه، امریکا، کانادا و استرالیا مهاجرت کنند. این تجارب مرا بر آن داشت تا فصلی از کتابم (اتوبیوگرافی) را به این سازمان اختصاص دهم. از آنجا که بخش عمده‌ی کتاب بر اساس تحقیقات علمی پیرامون موضوعات خاصی نوشته شده است، پرداختن به تاریخچه و بررسی سازمان مجاهدین خلق، تاثیر و کارکرد آن در انقلاب ایران، استراتژی‌ها و فعالیت‌های آن از ابتدای تاسیس به بعد به زمان بیشتری نیاز داشت تا بتوان بررسی همه جانبه‌ی در مورد این سازمان انجام داد. بنابراین، کار حاضر که شامل بیش از ۳۸۰ پانویست است را باید از این منظر نگریست. این نوشته مربوط به مجاهدین خلق ایران در شماره‌ی مخصوص اینترنشنال اتریش در ماه ژوئن ۲۰۲۱ منتشر شد.

از دوست و همراه دیرینه‌ام حبیب تاج میر ریاحی، که زحمت ترجمه‌ی این

اثر را از زبان آلمانی به فارسی به عهده گرفت، بسیار ممنون و سپاسگزارم. از دوست عزیز و مهربانم گرجی مرزبان، نیز بسیار متشکرم که متن ترجمه شده را مرور کرده است. امید که این اثر را جوانان ایرانی بخوانند تا بدانند چگونه نسل ما در تحقق بخشیدن به دموکراسی، احترام به حقوق بشر و پلورالیسم در ایران ناکام ماند. نسل جوان باید از اشتباهات فاحش نسل گذشته درس گرفته و راه را برای یک نظم اجتماعی کثرت‌گرا و دمکراتیک در ایران هموار نماید.

وین؛ آوریل ۲۰۲۳

## خلاصه

نوشته‌ی حاضر در راستای بررسی تاریخ معاصر ایران، به تکامل تاریخی سازمان مجاهدین خلق و عملکرد آن از آغاز فعالیت در دهه شصت تا به امروز پرداخته است.<sup>۱</sup> این نوشته در برگرنده‌ی وقایعی است که سیاست و کارکردهای سازمان مجاهدین خلق<sup>۲</sup> در شصت سال گذشته، تاثیر آن بر تاریخ اخیر ایران و نقش آن در اپوزیسیون ایران را بررسی می‌کند. هم‌چنین به جریان شکل‌گیری و انشعاب در این سازمان در دهه‌ی هفتاد می‌پردازد؛ انشعابی که به ایجاد دو جناح در آن سازمان منتهی شد: جناح مارکسیست — لنینیست و جناح اسلامی. از آن گذشته دوره‌ی سکون و دوره‌ی رویارویی مجاهدین خلق با زمامداران جدید و روابط بین آیت‌الله خمینی و مجاهدین خلق پس از انقلاب، مخصوصاً در جریان انتخابات مجلس مؤسسان، قانون اساسی جدید، ریاست جمهوری، انتخابات پارلمانی سال ۱۹۸۰ و برکناری بنی‌صدر از ریاست جمهوری و در پی آن حاکمیت ترور و نابودی اپوزیسیون، موضوعات دیگری است که به آن پرداخته شده است. حوادث دوران حیات سازمان مجاهدین خلق در تبعید، تشکیل «شورای ملی مقاومت» در پاریس، پیمان با صدام حسین و شرکت در سرکوب کردها و شیعیان شمال عراق در سال ۱۹۹۱، حکم بازداشت مسعود و مریم رجوی و ۳۹ تن دیگر از اعضای

۱- مقایسه کنید با :

https://www.britannica.com/place/Iran/The-Islamic-republic#ref315925 و رده:اعضای سازمان مجاهدین

خلق ایران / <https://fa.wikipedia.org/wiki/>

۲- مجاهدین خلق ایران شیعه مذهب‌اند و شبیه مجاهدین افغانستان نیستند که سنی‌اند و هم به لحاظ تاریخی و هم ایدئولوژیک دارای سازمان‌های کاملاً متفاوتند. تا کنون هیچ همکاری‌ای بین این دو سازمان وجود نداشته است.

سازمان مجاهدین خلق از سوی حکومت عراق به اتهام جنایت علیه بشریت، همه مشخص می‌کنند که سازمان مجاهدین خلق چگونه بر خلاف آرمان‌ها و تصورات بنیان‌گذارانش عمل کرده است.

در این رابطه و در خصوص بحران سال ۱۹۹۱ کردها و کمک دولت اتریش به آن‌ها، در دو ماموریت به ترکیه و در جریان مصاحبه‌هایی که با پناهندگان کرد در اردوگاه پناهندگی در مرز بین ترکیه و عراق در ماه سپتامبر سال ۱۹۹۱ داشتیم، مشارکت مجاهدین خلق در سرکوب شیعیان و کردهای شمال عراق در سال ۱۹۹۱ مورد تایید قرار گرفت. شیوه‌های مجاهدین خلق در نحوه عضوگیری نیروی جدید در پایگاه اشرف در عراق، سبک کار آن‌ها در بسیج هواداران و اعضای جدید را نشان می‌دهد. استفاده از اردوگاه اشرف به عنوان زندان، عملیات «فروغ جاویدان» که در آن مجاهدین شکست سختی متحمل شدند، خلع سلاح مجاهدین خلق از سوی نظامیان ایالات متحده و برخورد آن‌ها با این سازمان در سال ۲۰۰۳، انتقال مجاهدین خلق به اردوگاه لیبرتی، «اردوگاه اشرف ۲»، حملات ج.ا. به دو اردوگاه اشرف و همین‌طور ایجاد «اردوگاه اشرف ۳» در آلبانی از جمله فصل‌هایی از تاریخ مجاهدین خلق است. حمله پلیس فرانسه به مرکز فرماندهی مجاهدین خلق در پاریس در سال ۲۰۰۳ که طی آن مریم رجوی و ۱۶۰ عضو دیگر این سازمان زندانی شدند، قرار دادن این سازمان در فهرست سازمان‌های تروریستی و سپس حذف آن از فهرست این سازمان‌ها، پرسش و پاسخ از مریم رجوی در کنگره آمریکا در باره دولت اسلامی داعش، مجاهدین خلق و سیاست آن‌ها در جمع آوری کمک مالی، کمک مالی آن‌ها به حزب راست افراطی وکس (VOX) در اسپانیا و دادن رشوه به سیاستمداران آمریکایی و اروپایی (برای شرکت آن‌ها در کارزارهای مجاهدین)، فعالیت‌های اقتصادی مجاهدین خلق که امروز یک شرکت بزرگ تجاری محسوب می‌شود را مشخص می‌سازد.

سیاست اطلاعاتی مجاهدین خلق و تلاش این سازمان جهت کسب وجه نشان دهنده تلاش آن‌ها در از میان بردن وجهی منفی خود در عرصه مطبوعات بین‌المللی است. این اتهام که مجاهدین خلق با سازمان‌های امنیتی خارجی همکاری می‌کنند و همین‌طور فعالیت‌های جمهوری اسلامی علیه مجاهدین خلق در خارج، روند فعالیت‌های این سازمان در بیست سال اخیر را نشان می‌دهد. شرح حال مجاهدین خلق به مثابه یک فرقه مذهبی، مجاهدین امروزی و چشم‌اندازهای آتی این سازمان آخرین فصل‌های این

نوشته است که با مراجعه به بیش از سیصد و هشتاد منبع تکمیل شده است، منابعی مبتنی بر کتاب‌ها، مقالات و تالیفات متعددی که مربوط به سازمان مجاهدین خلق ایران است.





# ۱. وقایع خرداد ۱۳۴۲ و مبدأ مبارزه مسلحانه علیه نظام شاهنشاهی

## تاسیس سازمان مجاهدین خلق ایران

بنیان‌گذاران نخستین سازمان مجاهدین خلق هواداران «نهضت آزادی ایران» بودند. سازمانی که مهندس مهدی بازرگان و سیاستمداران ایرانی دیگری<sup>۱</sup> در سال ۱۹۶۱ به عنوان جنبشی ملی — مذهبی منشعب از جبهه‌ی ملی (دکتر محمد مصدق) بنیان نهادند.<sup>۲</sup> شکل‌گیری این سازمان به آغاز رادیکالیزه شدن جنبش دانشجویی در اوایل دهه‌ی شصت بر می‌گردد، زمانی که مردم در ماه ژوئن سال ۱۹۶۳ تظاهراتی سراسری علیه رژیم شاه سازمان دادند.<sup>۳</sup> در پی این تظاهرات که روز پنجم ژوئن ۱۹۶۳ از سوی نیروهای ارتش به خاک و خون کشیده شد، از سوی، جنبشی مذهبی تحت رهبری آیت‌الله خمینی<sup>۴</sup>

۱- علاوه بر مهدی بازرگان، محمود طالقانی، یدالله سبحانی، مصطفی چمران، و صادق قطب زاده بنیان‌گذاران «نهضت آزادی ایران» بوده‌اند.

۲- پس از درگذشت مهدی بازرگان در ژانویه سال ۱۹۹۵، ابراهیم یزدی، یکی از هم‌زمان آیت‌الله خمینی و کسی که در دوران انتقالی در سال ۱۹۷۹ مدت کوتاهی وزیر خارجه‌ی ایران بود وظائف دبیر کلی نهضت آزادی ایران را به عهده گرفت.

۳- روز سوم ژوئن سال ۱۹۶۳ مصادف با روز عاشورا، آیت‌الله خمینی در سخنرانی‌ای شاه را شدیداً مورد انتقاد قرار داد. نگاه کنید به «شیعه» نوشته: Heinz Halm: Die Schia, Darmstadt, ۱۹۸۸، صفحه ۱۵۷

۴- آیت‌الله خمینی پس از سخنرانی علیه شاه در روز سوم ژوئن سال ۱۹۶۳ در حبس خانگی محکوم شد. او در روز ۲۸ اکتبر سال ۱۹۶۴ علیه استفاده از «موافقت‌نامه‌ی وین» در باره روابط دیپلماتیک مربوط به مستشاران امریکایی سخنرانی تندی کرد و از همه‌ی رهبران کشورهای اسلامی خواست تا به کمک مسلمانان ایران بشتابند. پس از این سخنرانی آیت‌الله خمینی زندانی و در ماه نوامبر همان سال از کشور اخراج و به تبعید در بورسا؛ ترکیه فرستاده شد. پس از آن او از شاه خواست که به او اجازه دهد به نجف در عراق سفر کند تا بتواند تکالیف دینی خود را انجام دهد.

که همواره مخالف اقدامات اقتصادی شاه (انقلاب سفید) بود شکل گرفت و از دیگر سو، نسل جدیدی به میدان آمده بود که مبارزه‌ی مسلحانه را به مثابه پاسخی مناسب علیه رژیم سرکوبگر شاه تبلیغ می‌کرد. نسل جوان شاه را نوکر «امپریالیسم امریکا» میدانست که تنها به زور اسلحه می‌شد نابودش کرد. چگوارا به نماد ایستادگی و سمبل ایدئولوژیک این نسل تبدیل شد.<sup>۱</sup> انقلاب در الجزایر و کوبا و پیروزی مردم ویتنام علیه «امپریالیسم امریکا» زمینه راه و روش جنبش چریکی در ایران را به وجود آورد.<sup>۲</sup> همین‌طور هم انقلاب مردم چین در سال ۱۹۴۹ و جنبش دانشجویی در اروپا در سال ۱۹۶۸، مخصوصاً در فرانسه، ره‌توشه‌ی سیاسی نسل جوان ایران شد.<sup>۳</sup> مجاهدین خلق خود را جنبشی با سمت و سوی مذهبی می‌دانستند و مذهب شیعه را اسلام واقعی توصیف می‌کردند و جانشینان محمد، کسانی چون عمر، عثمان و ابوبکر موسسان مذهب سنی را مرتد می‌دانستند. بنیان‌گذاران مجاهدین خلق<sup>۴</sup> بعدها به ماتریالیسم تاریخی و مارکسیسم گرایش پیدا کردند و بر این نظر بودند که اسلام واقعی می‌بایست به مفهوم «مبارزه‌ی طبقاتی» نیز پردازده<sup>۵</sup> تا با فئودالیسم، سرمایه داری و امپریالیسم مبارزه کند و آن‌ها را از بین ببرد. از این رو بود که شاه در آن زمان مجاهدین خلق را مارکسیست‌های اسلامی می‌نامید.<sup>۶</sup>

با این‌که بنیان‌گذاران سازمان مجاهدین خلق، که عمدتاً از فارغ‌التحصیلان دانشگاه فنی تهران بودند، مدعی بودند که جامعه شناسی مارکسیستی را قبول دارند، اما فلسفه‌ی مارکسیستی را بی چون و چرا رد می‌کردند. آن‌ها برای انسان بُعدی معنوی قائل بودند

۱- نگاه کنید به کتاب: «مجاهدین ایران» نوشته: ارواند آبراهامیان. این کتاب را فرهاد مهدوی تحت عنوان: «اسلام رادیکال، مجاهدین ایرانی» به زبان فارسی ترجمه کرده است، نشر «انجمن فرهنگی در خاور میانه مدرن»، انتشارات نیما، اسن؛ آلمان؛ ژوئیه سال ۲۰۰۷. صفحه ۱۰۵ پانویشت‌ها  
۲- همان اثر، ص. ۸۰۱.

۳- «نامه به یک دوست» نوشته‌ی یحیی خالد. به زبان فارسی. ص ۴، سال ۲۰۱۵

۴- محمد حنیف‌زاد (مهندس ماشین)، سعید محسن (مهندس ساختمان) و علی اصغر بدیع‌زادگان (مهندس شیمی) بنیان‌گذاران مجاهدین خلق در ایران بودند. از سال‌های ۳۶۹۱ تا ۷۶۹۱ شمار دیگری از دانشجویان جوان و فارغ‌التحصیل دانشگاه فنی تهران به این سازمان پیوستند: محمود اصغری زاده (در رشته علوم بازرگانی)، عبدالرسول مشکین فام (رشته کشاورزی)، علی میهن دوست (مهندس ساختمان)، احمد رضایی (دبیر دبیرستان)، ناصر صادق (مهندس ماشین)، علی باکری (استاد شیمی در دانشگاه فنی آریامهر تهران)، بهمن بازرگانی (مهندس ساختمان)، محمود بازرگانی (حسابدار)، حسین روحانی (رشته کشاورزی، جناح مارکسیست)، تراب حق شناس (علوم دینی را در قم آموخت، جناح مارکسیست)، و مسعود رجوی (علوم سیاسی) و همین‌طور مقایسه کنید با:

سازمان مجاهدین خلق ایران [https://fa.wikipedia.org/wiki/سازمان\\_مجاهدین\\_خلق\\_ایران](https://fa.wikipedia.org/wiki/سازمان_مجاهدین_خلق_ایران)

۵- همان جا. یحیی خالد، صفحه ۶: علی شریعتی: «تفسیر قرآن نیازی به روحانیون ندارد.»، «یک مسلمان واقعی در عین حال انقلابی هم هست یا مسلمان واقعی نیست»

۶- جناح مارکسیست-لنینیست مجاهدین خلق اولین بار در نوامبر ۱۹۷۸ (آذر ۱۳۵۷) جزوه ای تحت عنوان «سازمان پیکار» منتشر کرد و بدین وسیله تأسیس سازمان خود را به اسم «پیکار در راه آزادی طبقه کارگر» اعلام نمود. اولین کنگره سازمان پیکار پس از انقلاب در اسفند ۱۳۵۷ برگزار شد. رجوع شود به تراب حق شناس، «از فیزیقه تا پیکار»، اندیشه و پیکار، اسفند ۱۳۹۹، ص ۵۷۶ و ۵۸۰.

وبه زندگی پس از مرگ باور داشتند. آن‌ها بر این عقیده بودند که نیاز به خدا صفت ذاتی بشر است، اما با فلسفه مارکسیستی خوانایی ندارد. آن‌ها دیالکتیک را قبول داشتند، اما متافیزیک خدا ناباورانه را رد می‌کردند.<sup>۱</sup>

## سال‌های شکل‌گیری سازمان مجاهدین خلق

اعضای سازمان مجاهدین خلق به لبنان، سوریه و اردن سفر می‌کردند تا از رزمندگان فلسطینی (PLO) نه تنها آشنایی با اسلحه و مواد منفجره را بیاموزند بلکه با تاکتیک‌های جنگ چریکی هم آشنا شوند.<sup>۲</sup> تز اصلی مجاهدین این بود که از طریق مبارزه مسلحانه کارگران و توده‌های ایرانی را برای سرنگونی رژیم شاه بسیج کنند.

پیش از مراسم جشن‌های ۲۵۰۰ ساله‌ی شاهنشاهی در ماه اوت سال ۱۹۷۱، نقشه‌ی مجاهدین که در تدارک گذاشتن بمب در تاسیسات اصلی برق تهران بودند از سوی یکی از اعضای پیشین خود که با ساواک همکاری می‌کرد، لو رفت و در پی آن ۳۵ عضو سازمان مجاهدین دستگیر شدند، یک سال بعد در سال ۱۹۷۲ شصت و نه عضو دیگر این سازمان زندانی و محاکمه شدند.<sup>۳</sup> با دستگیری و محکومیت بنیان‌گذاران و اعضای این سازمان، مجاهدین نخستین شکست سخت در شش سال نخست شکل‌گیری خود (۱۹۶۶-۱۹۷۲)<sup>۴</sup> را تجربه کردند، اما توانستند پس از سال ۱۹۷۲ خود را دوباره سازماندهی کنند. بین سال‌های ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۵ سازمان مجاهدین خلق گروه‌های دو تا سه نفره را سازمان داد که مستقل از یکدیگر اما به دستور کمیته مرکزی عملیاتی را در سراسر کشور انجام می‌دادند. طی این مدت آن‌ها نه فقط به عملیات تروریستی علیه دستگاه‌های دولتی چون کلانتری‌ها و پایگاه‌های نظامی دست زدند بلکه شرکت‌های خارجی نیز هدف حملات تروریستی آن‌ها قرار گرفتند.<sup>۵</sup> مجاهدین خلق عملیات مسلحانه‌ی خود

۱- «مجاهدین ایرانی» اثر: ارواند آبراهامیان؛ سال ۱۹۸۹، ص. ۱۰۰.

Yale University Press, New Haven and London

۲- بین سال‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۷۹ بیش از صد ها عضو مجاهدین خلق به عنوان چریک رزمنده تعلیم داده شدند. نگاه کنید به همان اثر یاد شده از ارواند آبراهامیان ص. ۷۲۱.

۳- این اتهام شامل فعالیت‌های تروریستی جهت سرنگونی سلطنت مشروطه، هوایما ربایی، حمل سلاح، استفاده از کتب ضاله (کتاب مارکس، مانو، لینین)، عبور غیر مجاز از مرزها و جعل اسناد می‌شد.

۴- یازده عضو مجاهدین خلق محکوم به اعدام و به دار آویخته شدند، شانزده عضو به حبس ابد و یازده عضو دیگر به زندان‌های از ده تا پانزده سال محکوم شدند.

۵- طی این سال‌ها مجاهدین خلق بمب‌های خود را دیر هنگام شب و پس از اخطار تلفنی بمنظور محدود نگهداشتن تلفات شهروندان منفجر می‌کردند. آن‌ها روز ۳۰ و ۳۱ ماه مه سال ۱۹۷۲ و بمناسبت دیدار رسمی نیکسون، رئیس جمهور امریکا، از ایران بمب‌های ساعتی در انجمن ایران و امریکا، اداره اطلاعات ایالات متحده، هتل اینترنشنال، دفاتر پستی کلا، جنرال موتورز و شرکت نفت مارین منفجر کردند. این بمب‌ها ۴۵ دقیقه پیش از ورود برنامه‌ریزی شده نیکسون منفجر شد. مجاهدین خلق هم‌چنین تلاش کردند ژنرال هارولد پرایس؛ رئیس هیئت نظامی ایالات متحده

را در سال‌های ۱۹۷۳ و ۱۹۷۵ گسترش دادند. آن‌ها بمواظت ضرباتی که بر تاسیسات امریکایی در ایران وارد کردند<sup>۱</sup> بین سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۶ در مجموع شش مستشار نظامی امریکایی را ترور کردند.<sup>۲</sup>

تاکتیک اصلی مجاهدین خلق در خصوص ترور مستشاران نظامی امریکایی که در آن زمان مطبوعات بین‌المللی اخبار آن‌را منتشر می‌کردند، عبارت از این بود که توجه مردم ایران را به حضور سی و پنج هزار مستشار نظامی در ایران جلب کنند. این نوع تاکتیک چریکی بیشتر از پخش اعلامیه جلب توجه می‌کرد.<sup>۳</sup>

## آیت‌الله خمینی و مجاهدین خلق

حسین روحانی و تراب حق‌شناس<sup>۴</sup>، هر دو کادر آن دوره مجاهدین خلق، توانستند با پادرمیانی شخصیت‌های مذهبی‌ای چون آیت‌الله طالقانی، آیت‌الله مطهری و آیت‌الله منتظری با آیت‌الله خمینی که در تبعید در نجف زندگی می‌کرد، ملاقات کنند. هدف آن‌ها جلب حمایت خمینی از سازمان‌شان بود. زیرا آن‌ها بر این باور بودند که خمینی بر خلاف دیگر روحانیونی که از رژیم شاه حمایت می‌کردند، دعای خیری بدرقه‌ی راه سازمان‌شان

در ایران، را بکشند. اگرچه این تلاش ناکام ماند، این حمله و سوزاندن اتومبیل او در یکی از گذرگاه‌های اصلی تهران توجه بسیاری را جلب کرد. پس از دیدار نیکسون از ایران، مجاهدین خلق حملات خود را ادامه دادند. روز سوم ماه اوت سال ۱۹۷۲ مجاهدین خلق بمبی را در سفارت اردن در اعتراض به سفر رسمی ملک حسین به ایران منفجر کردند. آن‌ها ژنرال طاهری، رئیس پلیس تهران و رئیس آن زمان زندان مخوف کمیته را به قتل رساندند. نگاه کنید به همان کتاب *اُروند آبراهامیان*، ص. ۱۴۰.

۱- از جمله خطوط هوایی پین امریکن، کمپانی نفتی شل و سینمای رادیو سی تی.  
۲- تلاش مجاهدین خلق در سال ۱۹۷۰ برای ربودن دگلاس مک آرتور دوم؛ سفیر ایالات متحده در ایران، بی نتیجه بود. همین‌طور هم تلاش آن‌ها برای کشتن هارولد پرایس؛ ژنرال تیپ ارتش ایالات متحده امریکا بی نتیجه ماند. روز ۹ اوت سال ۱۹۷۲ مجاهدین خلق مواد منفجره در «فروشگاه کورش» در تهران کار گذاشتند. دو روز بعد بمبی در ساختمان نی‌یوک منفجر کردند. در سال ۱۹۷۳ مجاهدین خلق موفق شدند سرهنگ دوم ارتش و معاون رئیس ماموریت نظامی ایالات متحده، لوئیسیس هاکنیس را به قتل برسانند. در سال ۱۹۷۵ مجاهدین خلق سرهنگ دوم نیروی هوایی ایالات متحده امریکا، جک ترنر و سرهنگ ارتشی؛ پال شافر؛ را کشتند. روز ۲۸ اوت سال ۱۹۷۶ سه کارمند شرکت راکول اینترنشنال؛ ویلیام سی. کوتزل؛ دونالد جی. سمیت و رابرت ار. کرونگارد کشته شدند. مقایسه کنید با همان کتاب *اُروند آبراهامیان* ص. ۱۴۱؛ مجله «اندیشه و پیکار» ص. ۲۲ و

<https://de.wikipedia.org/wiki/Volksmudschahedin>;

۳- همان‌جا، اندیشه و پیکار.

۴- تراب حق‌شناس یک روشنفکر بود. او پس از پایان دوره دبستان، برای تحصیل علوم دینی اسلامی به قم رفت. بعد ها به صورت نماینده مجاهدین خلق در خارج بود و بیشتر اوقات را در بیروت و دیگر کشورهای عربی بسر می‌برد تا به عنوان رابط بین مجاهدین خلق و دیگر سازمان‌های رهایی بخش عمل کند. نخستین بیانیه رسمی مربوط به تاسیس و حیات سازمان مجاهدین خلق را تراب حق‌شناس، حسین روحانی و محمود شمخی در بیروت در لبنان روز نهم فوریه سال ۱۹۷۲ منتشر کردند. مقایسه کنید با «اندیشه و پیکار» همان‌جا، ص. ۲۵ و

<https://redflag.org.au/node/5122>

کند، بخصوص این‌که آن‌ها در مبارزه علیه رژیم شاه شمار زیادی از اعضای خود را از دست داده بودند که آن‌ها را «شهید» می‌دانستند. گفتگوی آن‌ها با خمینی بین سال‌های ۱۹۷۲ و ۱۹۷۴ که در مجموع ۱۵ ساعت به طول انجامید، که هیچ موفقیتی برایشان در بر نداشت، چراکه این دو نماینده‌ی مجاهدین خلق در جواب به دو پرسش خمینی در باره‌ی مذهب و ظهور امام دوازدهم پاسخ مناسبی نداشتند. خمینی هم چنین دفاعیات چند مجاهد خلق و همبستگی آن‌ها با کمونیسم بین‌المللی در دادگاه نظامی را شدیداً مورد انتقاد قرار داد و در آخر نیز بر این نظر بود که سرنگونی رژیم شاه را نه از طریق مبارزه‌ی مسلحانه بلکه با پیوستن کل قشر روحانیت به اپوزیسیون می‌توان به ثمر رساند. خمینی به استدلال نمایندگان مجاهدین خلق مبنی بر این‌که مبارزه مسلحانه در دیگر نقاط جهان، مخصوصاً در ویتنام موفق بوده است، پاسخ داد: ویتنام یک «شوخی» بود چون ابر قدرت‌ها اسلحه‌های مازاد خود را آنجا فرو ریخته بودند.<sup>۱</sup> افزون بر این، خمینی پذیرفت که نمی‌تواند از مجاهدین حمایت زیادی کند چراکه «دست تنه‌است» و بسیاری از علمای هم‌ردیف او همچنان حاضر به مبارزه با رژیم سلطنتی نیستند.<sup>۲</sup>

روحانی و حق‌شناس نجف را بدون جلب حمایت قابل‌ذکری از سوی خمینی ترک کردند. خمینی حد اکثر حاضر بود نامه‌ی خصوصی به هواخواهانش در ایران بنویسد و از آن‌ها بخواهد که به خانواده‌های اعدام‌شده‌گان رژیم شاه کمک کنند. در این نامه‌ها با دقت سعی شده بود نامی از مجاهدین خلق برده نشود. روحانی و حق‌شناس پس از گفتگوی خود با خمینی در نجف، شکوه‌نامه مفصلی در رابطه با او منتشر کردند، از جمله این‌که خمینی مارکسیسم را «توطئه‌ی یهودیت» می‌داند، بین یهودیت و صهیونیسم تفاوتی قابل نیست. همین‌طور هم این‌که خمینی در کتاب خود «ولایت فقیه، حکومت اسلامی» مالکیت خصوصی را مقدس دانسته بود، از سوی اعضای مجاهدین خلق آن زمان قاطعانه رد شد و بدین ترتیب، خمینی نیز از نظر آن‌ها به عنوان نماینده‌ی خرده بورژوازی سنتی مردود شمرده شد.<sup>۳</sup> هم‌چنین پس از انقلاب رابطه‌ی بین خمینی به عنوان رهبر انقلاب و مجاهدین خلق بهتر نشد.

## انشعاب و ترور در سازمان مجاهدین خلق

در بین ناظران صحنه سیاسی آن زمان که با گروه‌های اپوزیسیون رژیم شاه درگیری سیاسی داشتند، بحث شدیدی در گرفته بود بدین صورت که مجاهدین اولیه دقیقاً زمانی به مارکسیسم<sup>۴</sup> گرایش پیدا کرده بودند که روحانیت در دهه‌ی شصت از سوی در مبارزه

۱- آبراهامیان؛ همان‌جا، ص. ۱۵۰.

۲- همان‌جا.

۳- همان‌جا.

۴- مدارک بسیاری دائر بر شکل‌گیری و تحولات سازمان از آغاز تا به امروز موجود است. مقایسه کنید با:

علیه رژیم شاه اهمیتی هرچه بیشتر پیدا کرده و از دیگر سو، اسلام پیروزی کامل خود بر مارکسیسم را تحکیم کرده بود.<sup>۱</sup>

در حالی که پاره‌ای از کادرهای مجاهدین خلق به تبلیغ ملغمه‌ای از مارکسیسم و اسلام، به اصطلاح سوسیالیسم اسلامی، روی آورده بودند، اکثریت کادرهای رهبری آن زمان مجاهدین خلق خط فکری مارکسیستی را نمایندگی می‌کردند. اعضای وفادار به اسلام سعی می‌کردند ارتباط بین مذهب شیعه و مارکسیسم - لنینیسم را توضیح دهند. احمد رضایی، کادر آن زمان سازمان، با استناد به قرآن چنین نتیجه گیری کرد که جامعه‌ی اولیه زمان محمد (پیغمبر) جامعه‌ای صلح جو و بی‌طبقه بوده است. با برآمد مالکیت خصوصی بود که طبقات و ملل بوجود آمدند. قرآن همه‌ی مسلمانان را فرا می‌خواند تا برای بنیان‌گذاری جامعه‌ی بی‌طبقه مبارزه کنند. از این رو، الگو امام حسین است. جامعه‌ی بی‌طبقه قرآن همانند همان جامعه‌ای است که مهدی، امام زمان غایب، پس از ظهورش می‌خواهد بوجود آورد. در این جامعه دیگر استثمار وجود نخواهد داشت و هرکس سهم خود را طبق توانایی‌هایش ادا و آنچه برای زندگی لازم دارد را دریافت می‌کند. در این جامعه همه‌ی تضادهای اجتماعی، اقتصادی و قومی از میان برداشته می‌شود. برای بنای این جامعه نخست باید ظلم و استثمار، مخصوصاً، ظالمان و استثمارگران ایالات متحده نابود شوند.<sup>۲</sup>

در خصوص چرایی انشعاب در سازمانی که در اصل جهت‌گیری مذهبی داشت سه دلیل را می‌توان ارائه داد. نخست این‌که مجاهدین خلق گمان می‌کردند که آیت‌الله خمینی از آن‌ها در مبارزه علیه شاه حمایت خواهد کرد، که چنین نبود. این امر بسیاری از اعضای سازمان را نا امید کرد زیرا آن‌ها در آغاز گمان می‌کردند آیت‌الله خمینی می‌تواند پدر مذهبی آن‌ها باشد و از مبارزه آن‌ها علیه بی‌عدالتی پشتیبانی کند، مخصوصاً این‌که، صدها عضو مجاهدین خلق در راه مبارزه علیه شاه به شهادت رسیده بودند. دلیل دیگر بازشناسی این‌که مجاهدین خلق نتوانستند طبقه متوسط ایران را به طرفداری از خود جلب کنند، طبقه‌ای که اکثر دارای اندیشه‌ای مدرن و ضد مذهب یا سکولار بود. دلیل سوم این‌که بسیاری از اعضای مجاهدین خلق در پی سال‌ها تبادل نظر با روشنفکران چپ، هم‌بند بودن با فدائیان خلق، ارتباط با سازمان‌های دانشجویی در تبعید و گروه‌های انقلابی دنیای عرب با تفکر مذهبی اسلامی فاصله گرفته و به تئوری‌های مارکسیست - لنینیستی گرویده بودند.<sup>۳</sup>

انشعاب نهایی در سال ۱۹۷۵ اتفاق افتاد. جناح مارکسیست - لنینیست اعلام کرد

<http://www.peykarandees.org/peykarIndex.html>

(انتشارات اندیشه و پیکار)

۱- ابراهامیان؛ همان جا ص. ۱۴۹.

۲- «زندگی و دوران شاه» نوشته: غلامرضا افخمی. مطبوعات دانشگاه کالیفرنیا، برکلی، لس آنجلس، لندن، سال ۲۰۰۹. e-book, ISBN:978-0-520-25328-5 ای بوک صفحه ۳۹۸ -

۳- ابراهامیان؛ همان جا. ص. ۱۴۹.

که به طور منظم ماتریالیسم دیالکتیک را مطالعه کرده، مخصوصاً آثار مارکس، لنین و مائوتستونگ را و بدین طریق خطاهای اسلام برایشان روشن شده است.<sup>۱</sup> این بخش از مجاهدین در نخستین اعلام موجودیت خود در ماه اوت ۱۹۷۵ توضیح داد که اسلام نوعی «افیون توده‌هاست».<sup>۲</sup> در مقابل، استدلال جناح اسلامی مجاهدین این بود که «فرصت‌طلبان چپ دروغین» در پوشش اسلام با دقت در سازمان رخنه کرده و به تدریج موقعیت‌های برتر سازمان را بدست آورده، اعضای جدید را به انحراف کشانده و بدین ترتیب به شیوه‌ای ماکیاولیستی در سازمان کودتا کرده‌اند.<sup>۳</sup>

در ماه نوامبر سال ۱۹۷۴ نوشته‌ای صد صفحه‌ای زیر عنوان «پرچم مبارزه‌ی ایدئولوژیک را برافراشته‌تر سازیم»<sup>۴</sup> منتشر شد و بدین ترتیب انشعاب نهایی در سازمان مجاهدین خلق شکل گرفت.<sup>۵</sup> در این نوشته مارکسیسم — لنینیسم به عنوان علم و فلسفه‌ای حقیقی برای طبقه‌ی کارگر و نجات‌دهنده‌ی بشریت اعلام شد و برعلیه جریانات آن زمان در درون سازمان مجاهدین خلق یعنی «جناح اپورتونیسیم چپ مسلط»، «متعصبین مذهبی» و «نیهیلیست‌های بی‌اراده» موضع گرفت. افزون بر این، شوروی آن زمان «سوسیال امپریالیسم» نامیده شد و دیالکتیک بدون ماتریالیسم را به جسم بدون سر تشبیه کردند. واژه‌ای چون «برادر» هم جای خود را به کلمه رادیکال تری چون «رفیق» داد.<sup>۶</sup>

از آنجا که در بین اعضای مجاهدین خلق درکی از دمکراسی و تکتک عقاید وجود نداشت و همین‌طور هم به دلیل ساختارهای سختگیرانه درون تشکیلاتی سازمان (ساختار عمودی) و بالاخره بخاطر نبود هیچ‌گونه مقررات دمکراتیک درون تشکیلاتی که بتوان آن را به

۱- پس از انقلاب سال ۱۳۵۷ گروه‌ی از زندانیان سیاسی سابق شامل کادرهای قدیمی سازمان فداییان خلق مجاهدین مارکسیست، ستاره سرخ و گروه فلسطین که هم با مشی چریکی جدا از توده‌ها و هم با شوروی، مائوئیسم و حزب توده‌ی ایران مرزبندی داشتند و تولد فاشیسم اسلامی را واقعیتی عینی می‌دانستند سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) را در چهارم تیرماه سال ۱۳۵۸ بنیان نهادند.

۲- ابراهامیان؛ ص. ۱۴۵.

۳- همان‌جا ص. ۱۴۶.

۴- «از فضیه تا پیکار...» اثر تراب حق شناس؛ خاطرات و نوشته‌ها؛ فصل فرایند تغییر ایدئولوژی؛ از انتشارات اندیشه و پیکار؛ مارس ۲۰۲۰ = اسفند ماه ۱۳۹۸؛ فرانکفورت؛ آلمان؛ صفحات ۴۳۶ و ۴۲۷.

<https://www.iran-archiv.com/sites/default/files/2021-07/sazmane-peykar-parchame-mobarezeye-ideolozhik.pdf>

۵- از سازمان اولیه مجاهدین خلق سه گروه شکل گرفتند. اواسط سال ۱۹۷۲ محمد تقی شهرام گروه خود را تشکیل داد (گروه تئوری) و هواداران خود را به هدف استقرار به کارخانه‌های صنعتی فرستاد. او نخستین عضو مجاهدین خلق شناخته می‌شود که موجب انشعاب در این سازمان شد.

<https://www.iranrights.org/memorial/story/-4237/mohammad-taqi-shahram>

رهبر دومین گروه مارکسیست — لنینیست بهرام آرام بود (۱۹۷۳) که مسئولیت جناح نظامی را بر عهده داشت. گروه سوم که رهبری آن را مجید شریف واقفی بعهده داشت، شامل اعضای مذهبی بود که خود را مسلمان می‌دانستند و دیگر حاضر نبودند با دو گروه دیگر همکاری کنند. او مسئول بسیج کارگران در کارخانه‌های مختلف بود. نگاه کنید به کتاب اروند ابراهامیان همان‌جا، ص. ۱۴۶.

۶- همان‌جا؛ ص. ۱۴۶.

اجرا درآورد، سازمان مجاهدین خلق به سازمانی غیر دمکراتیک و خودکامه تبدیل شد، ساختاری که همچنان ادامه دارد. از زمان بنیان‌گذاری این سازمان و مخصوصاً پس از انقلاب ۱۹۷۹ ساختار سلسله مراتبی آن برقرار مانده است. رهبران آن تا به امروز نه انتخاب شده‌اند و نه خود را در مقابل اعضا پاسخگو می‌دانند.

انشعاب در سازمان مجاهدین خلق به حدی رسید که رهبری آن زمان حذف فیزیکی اعضایی که علیه جناح مارکسیست - لنینیست اعتراض کرده بودند را در دستور کار خود قرار داد<sup>۱</sup>. قتل مجید شریف واقفی<sup>۲</sup> که کمیته مرکزی در آن زمان تصمیم آن را گرفته بود و در ۶ ماه مه سال ۱۹۷۵ به اجرا درآمد و فصل غم‌انگیزی در تاریخ مجاهدین خلق را رقم زد<sup>۳</sup>. مخصوصاً این‌که، جسد او را سوزانده و در یک زیاله دانی بزرگ خارج از تهران انداختند<sup>۴</sup>. با دستگیری قاتلان او، رحمان وحید افراخته و محسن خاموشی، از سوی ساواک، توانستند بقایای جسد را در روز ۳۱ ماه ژوئیه سال ۱۹۷۵ پیدا کنند. در سال ۱۹۷۶ محمد یقینی، یکی دیگر از اعضای سازمان مجاهدین خلق، قربانی ترور درون‌تشیلاتی شد<sup>۵</sup>.

بعدها جناح مارکسیست - لنینیست این نوع حذف‌های فیزیکی را طی اعلامیه‌هایی شدیداً مورد انتقاد قرار داد و حوادث آن زمان را به عنوان خطای تاریخی سازمان اعلام کرد<sup>۶</sup>.

۱- در درون سازمان دو عضو به مرگ محکوم شدند و تحت عناوین «خائن شماره ۱» (مجید شریف واقفی) و «خائن شماره ۲» (مرتضی صمدیه لباف) از آن‌ها نامبرده شد.

۲- همسر مجید شریف واقفی، لیلیا زمردیان، او را لو داد و به مخالفینش تقی شهرام و بهرام آرام تحویل داد. نگاه کنید به :

[https://fa.wikipedia.org/wiki/لیلا\\_زمردیان&http://asre-nou.net/php/view\\_print\\_version.php\\*objnr=31028](https://fa.wikipedia.org/wiki/لیلا_زمردیان&http://asre-nou.net/php/view_print_version.php*objnr=31028)

۳- در حالی که محمد تقی شهرام و بهرام آرام حکم اعدام را داده بودند، حسین سیاه کلاه و وحید افراخته کسانی بودند که مجید شریف واقفی را ترور کردند.

۴- صمدیه لباف که در سازمان مجاهدین خلق به عنوان کارگر فنی بمب‌گذاری شهرت داشت هم، قربانی ترور درون سازمانی شد. برنامه ریزی کرده بودند که صمدیه لباف و مجید شریف واقفی را در قراری ساختگی در خیابان روز ششم ماه مه سال ۱۹۷۵ به گلوله ببندند که البته ناموفق بود. صمدیه لباف شدیداً زخمی و به بیمارستان منتقل شد. بعد از آن ساواک او را دستگیر کرد. با این وجود، توانست ساواک را متقاعد کند که او یک هوادار ساده مجاهدین خلق بوده است. پس از روبرو کردن او با وحید افراخته بود که ساواک به هویت اصلی او پی برد. صمدیه لباف همراه دیگر اعضای مجاهدین در روز ۳۱ ژانویه سال ۱۹۷۶ اعدام شد. (وحید افراخته، محسن خاموشی، منیژه اشرف زاده کرمانی، محمد طاهر رحیمی، محسن بطحایی، ساسان صمیمی بهبهانی و عبد الرضا منبری جاوید) مقایسه کنید با :

[مرتضی\\_صمدیه\\_لباف](https://fa.wikipedia.org/wiki/مرتضی_صمدیه_لباف)

۵- محمد یقینی دوست صمیمی حسین باقر زاده بود. باقرزاده در آن زمان نماینده سازمان در لندن بود. وقتی خبر قتل مجید شریف واقفی را شنید، با پاسپورت جعلی به ایران رفت. سه ماه تمام در آنجا ماند تا به شیوه برخورد کمیته مرکزی اعتراض کند. وقتی سعی کرد ایران را ترک کند، کمیته مرکزی پاسپورت او را مصادره کرد تا نگذارد از کشور خارج شود. او مجبور شد از دست هم وطنان خود مخفی شود تا این که بالاخره موفق شد با کمک محمد یقینی به کویت و بعدها به سوریه فرار کند. بعد از آن خائن شمرده می‌شد و مجازاتش مرگ بود. مقایسه کنید با:

<https://en-academic.com/dic.nsf/enwiki/1865468>

۶- همان نشریه «اندیشه و پیکار» ص ۵۸.



## ۲. نقش مجاهدین خلق در انقلاب ایران

### مجاهدین خلق پس از انقلاب ۱۹۷۹

بی تردید سازمان مجاهدین خلق و سازمان چریک‌های فدایی خلق در به قدرت رسیدن آیت‌الله خمینی نقشی اساسی ایفا کرده‌اند. مخصوصاً این‌که رئیس ارتش ایران در روز یازده فوریه سال ۱۹۷۹ طی بیانیه‌ای اعلام کرده بود که ارتش در سیاست دخالت نمی‌کند و در رابطه با قدرت برآمده جدید بی‌طرف خواهد بود.<sup>۱</sup> بدین ترتیب بود که دو سازمان چریکی به دلیل تجارب نظامی خود و به کمک مردم توانستند در شهرهای بزرگ کشور پایگاه‌های نظامی مهمی را اشغال و اسلحه و مهمات فراوانی بدست آورند. از روز ششم تا یازدهم فوریه سال ۱۹۷۹ سازمان‌های مجاهدین خلق و فداییان خلق به موسسات دولتی فراوانی حمله و آن‌ها را اشغال کردند.

فرصت طلایی برای مجاهدین خلق فرا رسیده بود، چون آن‌ها نه تنها سال‌ها علیه رژیم شاه ایستادگی کرده و شهدای فراوانی در کارنامه مبارزاتی خود به ثبت رسانده بودند و از این طریق در بین مردم محبوبیت فراوانی داشتند، بلکه بخاطر عملیات خود علیه موسسات دولتی در زمان شاه به پیروزی انقلاب کمک کرده بودند. از این رو، رهبری سازمان امید بسیار داشت که با بسیج جوانان بتواند به یک سازمان توده‌ای تبدیل شده و در نتیجه به بازیگر سیاسی مهمی پس از انقلاب فرا برآید.<sup>۲</sup> از سازمان مجاهدین خلق

۱- انقلاب ایران (۱۹۷۸ - ۱۹۷۹)،

<https://www.britannica.com/event/Iranian-Revolution>

۲- نخستین اطلاعیه رسمی مجاهدین خلق به رهبری موسی خیابانی و مسعود رجوی بلافاصله پس از انقلاب در روز ۱۸ مارس سال ۱۹۷۹ به شماره ۲۱ منتشر شد. شماره ۲۱ در ادامه شماره ۲۰ آخرین نشریه مجاهدین خلق بود که در ماه ژوئیه سال ۱۹۷۴ منتشر شد. مقایسه کنید با نشریه «اندیشه و پیکار» همان‌جا، ص. ۳۰.

که در شرایط انشعاب پیش از انقلاب به سر می برد، سه سازمان مستقل بوجود آمد، یک سازمان مارکسیست - لنینیست و دو سازمان با جهت گیری اسلامی که از سوی موسی خیابانی و مسعود رجوی رهبری می شدند و از دیگر سو، لطف الله میثمی<sup>۲</sup> که بعدها سیاست طرفداری از دولت را در پیش گرفت<sup>۳</sup>. بحث‌های درون تشکیلاتی مجاهدین خلق از ۱۹۷۳ تا انقلاب ۱۹۷۹ ادامه یافت و بدانجا منتهی شد که اکثریت اعضای آن ایدئولوژی مارکسیست - لنینستی را پذیرفتند و این‌ها خود به سه گروه تکامل پیدا کردند، از جمله گروه‌های پیکار، نبرد و آرمان<sup>۴</sup>. در حالی که جناح چپ سازمان نام دیگری داشت، جناح موسی خیابانی و مسعود رجوی نام مجاهدین خلق را حفظ کردند.

## دورهی سیاست مدارا

سازمان مجاهدین خلق نمی توانست خطر کند و به زمامدار جدید، آیت الله خمینی، یا به جنبش چپ بسیار نزدیک شود<sup>۵</sup>. همراه شدن با «بورژوازی لیبرال» و هم چنین با دولت موقت مهدی بازرگان به گرایش چپ آن آسیب می رساند، آن هم زمانی که دیگر سازمان‌های انقلابی، مخصوصاً فدائیان خلق و پیکار، می رفتند تا از سازمان مجاهدین خلق پیشی بگیرند. اکثر اعضای مجاهدین خلق و دیگر سازمان‌های چپ بین انقلاب روسیه و انقلاب اسلامی شباهت‌هایی می دیدند و به این نتیجه رسیدند که ایران به دو راهی تاریخی رسیده است — یا «مسیر دمکراسی انقلابی» در جهت حاکمیت بورژوازی یا

۱- پس از آنکه موسی خیابانی و مسعود رجوی از زندان آزاد شدند، تلاش کردند جناح اسلامی سازمان را تقویت کنند. آن‌ها موفق شدند تعداد زیادی عضو جدید، مخصوصاً از بین جوانان، را به سازمان جذب کنند.

۲- لطف الله میثمی در دهه‌ی هفتاد به سازمان پیوست و با بمبی که خود ساخته بود، کور شد و یک دستش را هم از دست داد. او ناشر و مالک مجله‌ی «چشم انداز» است که هر دو ماه یک بار منتشر می‌شود. مقایسه کنید با:

[https://en.wikipedia.org/wiki/Lotfollah\\_Meisami](https://en.wikipedia.org/wiki/Lotfollah_Meisami)

۳- نگاه کنید به مصاحبه مجله «اندیشه و پیکار» با تراب حق شناس تحت عنوان: «از گذشته تا حال» نوامبر سال ۲۰۱۱. ص. ۱۷.

۴- روزنامه «اندیشه و پیکار» همان جا. ص. ۳۵.

۵- زمانی که چریک‌های فدایی خلق در اواخر ماه فوریه سال ۱۹۷۹ در دانشگاه تهران نخستین تظاهرات هشتاد هزار نفری خود را سازمان دادند و خواهان اصلاحات ارضی، شرکت نمایندگان کارگران در حکومت، پایان دادن به سانسور مطبوعات و انحلال ارتش شدند، مجاهدین خلق از این تظاهرات فاصله گرفتند. (روزنامه ایرانشهر، شماره ۱۱، دوم ماه مارس ۱۹۷۹) وقتی در آغاز ماه مارس سال ۱۹۷۹ دکتر متین دفتری در سالگرد درگذشت دکتر مصدق «جبهه دمکراتیک ملی» را راه‌اندازی کرد و همه گروه‌های سیاسی را به ایجاد ائتلافی گسترده فراخواند، سکوت مجاهدین خلق در این مورد قابل توجه بود. (روزنامه ایرانشهر، شماره ۲۰، نهم مارس سال ۱۹۷۹). همین‌طور هم در مورد تظاهرات زنان علیه فتوای خمینی مبنی بر لغو «قانون حمایت از خانواده»، حجاب اجباری در ادارات دولتی و کاهش شمار زنان در امور دادگستری، مجاهدین خلق گفتند که «امپریالیسم از چنین مسائل مورد اختلافی سوء استفاده می‌کند». (روزنامه اطلاعات، شماره ۲۱ دوازدهم ماه مارس سال ۱۹۷۹). وقتی نخستین حملات از سوی طرفداران خمینی علیه روزنامه «آیندگان» صورت گرفت، مجاهدین باز هم به میدان نیامدند و هیچگونه موضع‌گیری نکردند.

در راه رهایی طبقه‌ی کارگر. تنها شمار اندکی تشخیص دادند که گزینش واقعی نه بین جامعه‌ی بورژوازی و سوسیالیستی بلکه بین دموکراسی لیبرال که بازرگان تجسم آن بود و دین سالاری پوپولیستی که آیت‌الله خمینی در نظر داشت خواهد بود. از دید امروزی این ارزیابی غلط از موقعیت سیاسی آن زمان بی‌آمدهای ناگواری به همراه داشت زیرا زمانی که جنبش چپ به اشتباه خود پی‌برد، کشور در مسیر دین‌سالاری خمینی قرار گرفته بود، مسیری که تا به امروز نه تنها نابودی هزاران انسان، رکود اقتصادی و تهی‌دستی در پی داشته بلکه به لحاظ سیاسی کشور را به انزوای بین‌المللی سوق داده است.

رهبری آن زمان سازمان مجاهدین خلق می‌دانست که روحانیون «مرجع‌ترین» نیروی کشورند، با این وجود تصمیم گرفت از درگیری فوری با آن امتناع ورزد زیرا خطر «ضد انقلاب» سلطنتی-امپریالیستی می‌توانست پا بگیرد. مخصوصاً این‌که در آن زمان خمینی نه تنها از پشتیبانی قاطع روحانیون بلکه هم‌چنین از حمایت بخش وسیعی از مردم برخوردار بود.<sup>۱</sup> دلیل دیگری که چرا مجاهدین خلق از درگیری رو در رو با قدرت حاکم جدید خود داری می‌کردند این بود که در اثر انشعاب جناح مارکسیست-لنینیست سازمان شکست سختی متحمل شده بود و از پس لرزه‌های کودتای «پورتونیست‌های چپ افراطی» رنج می‌برد.<sup>۲</sup> از دیگرسو، اما وسائل ارتباط جمعی آن زمان به موضوع مجاهدین خلق نیز می‌پرداختند، بدین ترتیب که رادیو و تلویزیون پی‌درپی با بستگان «شهدای» سازمان مجاهدین خلق مصاحبه می‌کردند و به تفصیل درباره‌ی محاکمات ماموران سابق ساواک که متهم بودند اعضای مجاهدین را به قتل می‌رسانند، گزارش می‌دادند. روزنامه‌های یرتیرازی چون «اطلاعات» و «کپهان» هر روز مقالاتی پیرامون مسائل و مشکلات پیشین مجاهدین منتشر می‌کردند. روزنامه‌های آن زمان بطور منظم از فعالیت‌های رهبر مجاهدین خلق، مسعود رجوی، و ملاقات معروف او با رهبر PLO، یاسر عرفات، می‌نوشتند. دانشگاه تبریز به «دانشگاه حنیف‌نژاد» (بنیان‌گذار سازمان مجاهدین خلق)، کلینیک اصلی قلب در تهران به نام «بیمارستان قلب مهدی رضایی» و دانشگاه آریامهر تهران به نام «دانشگاه شریف واقفی» تغییر نام داده شد.<sup>۳</sup>

سیاست صبر و انتظار مجاهدین خلق در مقابل اتفاقات سیاسی روزانه و با وجودی‌که به اصطلاح «کمیته‌ها» آزادی‌های اساسی را به تدریج محدود می‌کردند، مدتی طول کشید. زمانی‌که روز ۱۳ ماه مه سال ۱۹۷۹ نیروهای ضربت برای بار دوم به دفتر روزنامه «آیندگان» حمله کردند، مجاهدین خلق از تظاهرات بزرگ «جبهه دموکراتیک ملی»، «کانون نویسندگان ایران» و «کمیته دفاع از حقوق زندانیان سیاسی» پشتیبانی

۱- همان کتاب ارونند آبراهامیان صفحه ۱۸۶-۱۸۷.

۲- مسعود رجوی در مصاحبه‌ای که با روزنامه «مجاهد» شماره ۱۰۸ پنجم فوریه سال ۱۹۸۰ داشت، پذیرفت که قرار ملاقات محرمانه‌ای با خمینی گذاشته شد ولی به دلیل وضعیت متشنج سیاسی علنی نشد.

۳- ابراهامیان؛ همان‌جا

۴- همان‌جا ص. ۱۸۸.

نکرد. زمانی که در همان ماه گروه‌های سکولار زیر رهبری کنگره وکلا خواهان تدوین یک قانون اساسی جدید، از مجلس مؤسسان و هم‌چنین ارائه‌ی طرحی به هدف تقویت استقلال دادگستری شدند، مجاهدین خلق نه دخالت کردند و نه در این رابطه موضع‌گیری داشتند.<sup>۱</sup> همین‌طور هم مجاهدین خلق در تظاهرات بزرگ روز ۲۱ ژوئن سال ۱۹۷۹ در دانشگاه تهران که هزاران نفر در آن شرکت کردند و از زمامداران جدید خواستند که علیه تصمیم خمینی مبنی بر برگماری مجلس خبرگان از بین روحانیون برای تدوین قانون اساسی جدید اقدام کند، هیچ موضع‌گیری‌ای نکردند.<sup>۲</sup> هفته‌ی بعد حزب‌الله که به ماشین‌های باری پراز سنگ مجهز شده بود به تظاهر کنندگان حمله کرد. این تظاهرات را «جبهه دمکراتیک ملی» سازمان داده بود که صد هزار نفر در آن شرکت کرده بودند. هدف این تظاهرات مخالفت با تعطیل روزنامه‌ها از جمله روزنامه مستقل «آیندگان» و ۳۲ روزنامه دیگر بود که به «جبهه دمکراتیک ملی»، سازمان «پیکار» و «فدائیان خلق» تعلق داشتند. این بار هم «مجاهدین خلق» در این تظاهرات شرکت نکردند و نقش بی‌طرفانه‌ایی در پیش گرفتند.<sup>۳</sup>

## انتخابات مجلس مؤسسان (شورای خبرگان) برای تنظیم قانون اساسی

انتخابات مجلس مؤسسان ایران روز سوم اوت سال ۱۹۷۹ برگزار شد. برنامه این انتخابات تدوین قانون اساسی جدید بود. در این قانون اساسی ۷۳ کرسی در نظر گرفته شده بود که ۴۲۸ کاندیدا داشت و شورای انقلاب آن‌ها را تایید کرده بود. این انتخابات را جبهه ملی و دیگر گروه‌های سیاسی تحریم کردند.<sup>۴</sup> ۷۱، ۵۱ در صد مردم در این انتخابات شرکت کردند. حزب جمهوری اسلامی ایران با اکثریت قابل توجهی برنده‌ی این انتخابات شد. از ۷۳ عضو منتخب ۵۵ نفر از روحانیون مورد تایید خمینی بودند.<sup>۵</sup> مجلس مؤسسان با

۱- همان جا، ص. ۱۹۱-۱۹۲.

۲- همان جا ص. ۱۹۲.

۳- همان جا ص. ۱۹۵.

۴- سزنگونی در ایران. از پادشاهی تا جمهوری اسلامی؛ در:

Fischer Weltalmanach 1980. Frankfurt/Main (ناشر) Fochler-Hauke, Gustav  
صفحه ۲۲۸. ۱97۰

مقایسه کنید با:

<https://irandataportal.syr.edu/the-1979-assembly-of-experts-for-the-drafting-of-the-constitution-election> & [https://de.wikipedia.org/wiki/Wahl\\_zur\\_Verfassungsversammlung\\_im\\_Iran\\_1979](https://de.wikipedia.org/wiki/Wahl_zur_Verfassungsversammlung_im_Iran_1979)

۵- عالی مقام ترین روحانی آیت‌الله عظمی حسین علی منتظری بود و پس از او سید محمد حسینی بهشتی که هم زمان رئیس شورای اسلامی و دادستان کل ایران بود. برجسته ترین فرد غیر روحانی که بعدها رئیس جمهور ایران شد، ابوالحسن بنی صدر بود.

آغاز رفتارندم در باره قانون اساسی در روز دوم دسامبر ۱۹۷۹ منحل شد. مجاهدین خلق برخلاف سازمان‌های مارکسیست — لنینیستی چون «فداییان خلق» و «پیکار» در انتخابات مجلس خبرگان که قانون اساسی جدید را تدوین می‌کرد، فعالانه شرکت کردند. اگرچه مجاهدین خلق، به استثنای مسعود رجوی، موفق نشدند کاندیدای خود را به این هیات مهم بفرستند، متحدین آن‌ها در تهران به پیروزی‌های قابل ملاحظه‌ای دست یافتند. آیت‌الله طالقانی توانست با بیش از دو میلیون رای (۲۰۱۶۸۰۱) و کسب ده کرسی مقام اول را در بین ۱۱۲ کاندیدا در تهران به دست آورد. پس از او ابوالحسن بنی‌صدر با (۱۷۶۳۱۲۶)، آیت‌الله منتظری با (۱۶۷۲۹۸۰) و حجت‌الاسلام گل‌زاده غفوری<sup>۱</sup> با (۱۵۶۰۹۷۰) رای انتخاب شدند. آیت‌الله محمد بهشتی به عنوان کاندیدای اصلی حزب جمهوری اسلامی ایران که ابر محافظه‌کار محسوب می‌شد، فقط توانست (۱۵۴۷۵۵۰) رای آورد و مقام پنجم را در مجلس خبرگان کسب کند. مسعود رجوی فقط توانست با ۲۹۷۷۰۷ رای به عنوان دوازدهمین کاندیدا پس از حاج سید جوادی با ۲۹۸۳۶۰ برای مجلس خبرگان انتخاب شود.<sup>۲</sup>

## اشغال سفارت امریکا در تهران

دانشجویان ایرانی که خود را «پیرو خط امام» می‌خواندند، روز چهارم نوامبر سال ۱۹۷۹ به سفارت امریکا در تهران حمله کردند<sup>۳</sup> و ۶۶ دیپلمات امریکایی را به گروگان گرفتند تا علیه پذیرش محمد رضا پهلوی، شاه سرنگون شده، از سوی امریکا اعتراض کنند. این گروگانگیری تا ۲۰ ژانویه سال ۱۹۸۱ (۴۴۴ روز) طول کشید.<sup>۴</sup> دانشجویان خواهان تحویل شاه به ایران بودند.<sup>۵</sup> شاه در آن زمان برای معالجه‌ی پزشکی در امریکا

۱- گلزاده غفوری یک حقوق دان مترقی بود که در دانشگاه سوربن پاریس تحصیل کرده بود. او برداشت سنتی مربوط به مالکیت خصوصی نظام حاکم را مورد انتقاد قرار می‌داد. او و آیت‌الله محمود طالقانی مورد حمایت مجاهدین خلق بودند. گلزاده غفوری از جمله اعضای مجلس مؤسسان پس از انقلاب و مخالف درج قیمومت قضات اسلامی در قانون

اساسی بود. مقایسه کنید با [https://de.abcdef.wiki/wiki/Ali\\_Golzadeh\\_Ghafouri](https://de.abcdef.wiki/wiki/Ali_Golzadeh_Ghafouri)

گلزاده غفوری بعدها در حبس خانگی قرار گرفت و سه فرزندش که از هواداران مجاهدین خلق بودند اعدام شدند. مقایسه کنید با کتاب *اروند آبراهامیان*. همان اثر. ص. ۱۹۳.

۲- بعد از آیت‌الله بهشتی، یدالله سبحانی که از بنیان‌گذاران «نهضت آزادی ایران» بود با ۱۴۴۹۷۱۳ رای و پس از او خانم منیژه گرجی با ۱۳۱۳۳۳۱ رای و علی محمد عرب با ۱۰۲۵۱۳۶ رای برای مجلس خبرگان انتخاب شدند. نگاه کنید به کتاب *اروند آبراهامیان*. ص. ۱۹۵.

۳- روز دوشنبه ۵ نوامبر ۱۹۷۹ کنسولگری امریکا در تبریز، شیراز و اصفهان نیز به اشغال دانشجویان و سپاه پاسداران درآمد. هیچ گروگانگی گرفته نشد زیرا امریکایی‌ها از قبل ساختمان‌ها را خالی کرده بودند.

۴- مقایسه کنید با

Ulrich Tilgner (ناشر)، *Umbruch in Iran. Augenzeugenberichte - Analysen - Dokumente* ...

۱۹۷۹، ۱۸۹. rororo-aktuell.

۵- در ۱۴ فوریه ۱۹۷۹ سفارت امریکا در تهران توسط فداییان مسلح خلق محاصره شد و برای اولین بار تحت کنترل آن‌ها آمد و در مجموع ۱۰۲ نفر از مقامات سفارت را گروگان گرفتند. حامیان مسلح آیت‌الله خمینی وارد عمل شدند،

اقامت داشت.<sup>۱</sup>

روز ۶ نوامبر سال ۱۹۷۹ دولت ایران به نخست وزیری مهدی بازرگان استعفا داد. علت استعفا «گروگانگیری» و «تضعیف» دولت به دست سازمان‌های رادیکال اعلام شد. مهدی بازرگان در اظهار نظر خود، از جمله، گفت که قدرت‌گیری روحانیت رادیکال به دلیل بی‌عملی طبقه متوسط شهری و چپ‌گشور میسر شد. از نگاه امروز باید پذیرفت که نه مجاهدین خلق و نه جنبش چپ ایران، مخصوصاً سازمان‌های مارکسیست - لنینیست ضرورت زمان را درک نکرده بودند. به همین دلیل از نخستین نخست وزیر برگماشته در تلاش‌هایش جهت تحقق روند دمکراتیزه کردن بلافاصله پس از انقلاب حمایت نکردند و حتی شدیداً او را به باد انتقاد گرفتند. همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، از مهدی بازرگان پشتیبانی لازم نشد و او به طرز اسف‌باری شکست خورد و با کناره‌گیری او بستر حاکمیت تمامیت‌خواه دین‌سالاری هموار شد.

مجاهدین خلق از گروگان‌گیری سفارتخانه آمریکا کاملاً حمایت کردند، مخصوصاً این که براساس مدارک بدست آمده از سفارت بازرگان را به ارتباط داشتن با «امپریالیسم آمریکا» متهم کردند. بدین ترتیب، مجاهدین خلق آب به آسیاب آن دسته از روحانیونی ریختند که در صدد بودند از شر نخست وزیر ملی میانه‌رو خلاص شوند. پس از آن مجاهدین خلق «نبروی نظامی مجاهدین خلق (میلیشیا)» را به منظور بسیج ملی سراسری علیه حمله‌ی احتمالی ایالات متحده (به ایران) به وجود آوردند.<sup>۲</sup>

## دوره‌ی رویارویی با زمامداران جدید

همانطور که پیشتر اشاره شد مجاهدین خلق به دلایل تاکتیکی مدت زیادی در رویدادهای سیاسی مداخله نمی‌کردند و در صحنه سیاسی ظاهر نمی‌شدند. از این روز سوی سازمان‌های چپ به آن‌ها به دلیل اعتقادشان به اسلام برچسب حمایت از خمینی زده می‌شد. وقتی قضیه به خود مجاهدین مربوط شد، سازمان جرات رویارویی با زمامداران جدید را در خود دید. این امر برای نخستین بار روز سیزده آوریل سال ۱۹۷۹ اتفاق افتاد، زمانی که دو پسر آیت‌الله طالقانی که یکی از آن‌ها از زندانیان سیاسی رژیم شاه بود که نه تنها در بین روحانیون بلکه در میان بخش وسیعی از مردم ایران محبوبیت زیادی داشت<sup>۳</sup> از سوی

سفارت را تخلیه کردند، گروگان‌ها را آزاد کردند و سفارت را به دیپلمات‌های آمریکایی تحویل دادند.

۱- شاه پس از اقامت در مصر، مراکش، باهاماس و مکزیک، برای درمان سرطان خود به نیویورک رفت. در ۲۳ اکتبر ۱۹۷۹، در مرکز پزشکی کورنل، بیمارستان پرسبیتریان نیویورک عمل جراحی شد. مقایسه کنید با:  
[https://de.wikipedia.org/wiki/Geiselnahme\\_von\\_Teheran](https://de.wikipedia.org/wiki/Geiselnahme_von_Teheran)

۲- اروند ابراهامیان؛ ص. ۱۹۶

۳- آیت‌الله محمود طالقانی روحانی فاضل و از مخالفین رژیم شاه بود. او برای نخستین بار طی آشوب‌ها در ایران در ماه ژوئن سال ۱۹۶۳ دستگیر و به چهار سال زندان محکوم شد. بعد‌ها با دادن نسبت آشوبگری به او دوباره به شش سال زندان محکوم شد. در اثر سیاست آشتی ملی که نخست وزیر، جعفر شریف امامی، عامل آن بود، آیت‌الله طالقانی

طرفداران خمینی زندانی شدند. یکی از پسران طالقانی از هواداران مجاهدین خلق و پسر دوم از اعضای سازمان پیکار بود. آیت‌الله طالقانی که از زمان انقلاب از رویکرد خودسرانه ی جریان موسوم به «کمیته‌ها» شاکی بود رفتار کمیته‌ها را شدیداً مورد انتقاد قرار داد، دفتر خود را بست و پاسداران را در زیر پا گذاشتن ابتدایی‌ترین حقوق مردم مقصر دانست. روز بعد سازمان مجاهدین خلق همراه با فدائیان خلق و دیگر سازمان‌های سکولار به خیابان‌ها ریختند تا همبستگی خود با آیت‌الله طالقانی نشان دهند.<sup>۱</sup> برای نخستین بار و دو ماه پس از پیروزی انقلاب، زمام داران جدید از «نیروهای سرکوب‌گر» پشتیبانی کرده و به کمک آن‌ها در حال پایه ریزی دیکتاتوری جدیدی بودند.<sup>۲</sup> افزون بر این، اعلام کردند که کل سازمان‌شان را تحت فرماندهی شخص آیت‌الله طالقانی قرار می‌دهند.<sup>۳</sup>

رویارویی دوم مجاهدین خلق با طرفداران خمینی در پایان ماه ژوئن سال ۱۹۷۹ بود، زمانی که یکی از اعضای رهبری مجاهدین خلق به نام سید محمد رضا سعادت را «کمیته» دستگیر و به زندان اوین منتقل کرد. او را متهم به جاسوسی برای شوروی کردند.<sup>۴</sup> مجاهدین خلق اعلام کردند که سعادت در اعتراض به زندانی شدن اعتصاب غذا کرده است. او اجازه نداشته همسر و وکیل خود را ملاقات کند. مجموعه‌ای از سازمان‌های سیاسی از جمله «کانون نویسندگان»، مجاهدین خلق و «جبهه دمکراتیک ملی» علیه این رویکرد و برخورد «کمیته‌ها» اعتراض کردند. شماری از خانواده‌های مجاهدین خلق در یک اعتصاب نشسته در مقابل دادگستری علیه این دستگیری اعتراض کردند. آن‌ها با دخالت آیت‌الله محمود طالقانی به اعتصاب خود پایان دادند چون به آن‌ها اطمینان داده شد که سعادت فوراً آزاد خواهد شد.

سعادت هرگز آزاد نشد. او در جریان سرکوب مجاهدین خلق در ماه ژوئن سال ۱۹۸۱ اعدام شد.<sup>۵</sup>

---

در ماه اکتبر سال ۱۹۷۸ آزاد شد. طالقانی تا زمان بازگشت آیت‌الله خمینی به ایران، رهبر انقلاب اسلامی به حساب می‌آمد. او را پدر انقلابی و پدر مجاهدین خلق می‌نامیدند و بخاطر رفتار سنجیده و ترقی خواهانه اش از محبوبیت بسیار، مخصوصاً در بین نسل جوان، برخوردار بود. در مجلس خبرگان از حاکمیت مستقیم خلق دفاع کرد. اما به دلیل درگذشت ناگهانی اش (روز نهم سپتامبر سال ۱۹۷۹) برنامه‌های او برای شکل نوین حکومت تحقق نیافت. سه روز پس از مرگ او مجلس خبرگان اصل حاکمیت «ولایت فقیه» را تصویب کرد. مقایسه کنید با <https://www.nytimes.com/1979/04/19/archives/an-ayatollah-who-must-be-reckoned-with-mahmoud-taleghani-man-in-the.html>.

۱- شعار اصلی تظاهر کنندگان عبارت بود از: «پیروز باد طالقانی، مرگ بر مرتجعین!»

۲- روزنامه «اطلاعات» ۱۴ آوریل سال ۱۹۷۹.

۳- بولتن سیاسی و نظامی شماره ۲۲ مجاهدین خلق، اطلاعات، ۱۶ آوریل سال ۱۹۷۹.

۴- سعادت اول ژوئن سال ۱۹۷۹ هنگام گفتگو با یک دیپلمات روسی جلوی سفارت شوروی در تهران دستگیر شد. مقایسه کنید با:

۵- <https://www.iranrights.org/memorial/story/63060/seyed-mohammad-reza-saadati>.

## قانون اساسی جدید اسلامی

روز دوم و سوم دسامبر سال ۱۹۷۹ در باره قانون اساسی جدیدی که مجلس خبرگان تصویب کرده بود referendum برگزار شد.<sup>۱</sup> این قانون اساسی می‌بایست از طریق referendum تأیید می‌شد. طرح این قانون اساسی را آیت‌الله عظمی کاشف شریعتمداری رد کرد و در پی آن بین طرفداران شریعتمداری و خمینی درگیری پیش آمد و در شهرهای بزرگ بلوچستان هیچ referendum برگزار نشد.<sup>۲</sup>

سازمان مجاهدین خلق و سازمان‌های دارای گرایش مارکسیست - لنینیستی علیه referendum مربوط به قانون اساسی جدید رای دادند، به این دلیل که در قانون اساسی جدید در مورد ایجاد شوراها، ملی کردن شرکت‌های خارجی، تضمین برابری همه‌ی ملیت‌ها، تعیین حد و حدود برای شرکت‌های کشاورزی و بخصوص مفهوم جامعه بی‌طبقه‌ی توحیدی کوتاهی کرده بودند.<sup>۳</sup> افزون بر این، مجاهدین خلق فاش کردند که آیت‌الله طالقانی پیش از مرگش از مجلس مؤسسان بسیار سرخورده شده بود، مخصوصاً بخاطر گنجاندن «ولایت فقیه» در قانون اساسی بود. به طوری که اغلب نشست‌های شورای خبرگان را تحریم کرده بود.<sup>۴</sup>

## انتخابات ریاست جمهوری و پارلمان در سال ۱۹۸۰

پس از آنکه قانون اساسی تصویب شد، مجاهدین خلق سعی کردند مسعود رجوی را به عنوان کاندید ریاست جمهوری معرفی کنند، نه فقط برای معرفی او و ساختن کیش شخصیت از او در بیرون از سازمان بلکه ارائه‌ی برنامه سیاسی او و بالاخره اثبات محبوبیت سازمان.<sup>۵</sup> پس از آنکه مجاهدین خلق قانون اساسی دیکته‌شده از سوی خمینی را نپذیرفتند، خمینی نسبت به کاندیدا شدن رجوی برای ریاست جمهوری واکنش نشان داد، او را از فهرست کاندیداها حذف و توضیح داد که به کسانی که قانون اساسی را تأیید نکرده‌اند، نمی‌توان اعتماد کرد که به آن پایبند باشند. بدین ترتیب بود که مجاهدین خلق در انتخابات ریاست جمهوری در پایان ماه ژانویه نه کاندیدایی از خود معرفی کردند و نه از

۱- مجلس خبرگان از ۱۹ اوت سال ۱۹۷۹ تا ۱۲ سپتامبر ۱۹۷۹ به تدوین قانون اساسی جدید پرداخت. روز ۱۵ نوامبر سال ۱۹۷۹ مجلس به طرح قانون اساسی روح‌الله خمینی رای داد و آن را به اتفاق آرا تصویب کرد.

۲- مقایسه کنید با:

[https://en.wikipedia.org/wiki/December\\_1979\\_Iranian\\_constitutional\\_referendum](https://en.wikipedia.org/wiki/December_1979_Iranian_constitutional_referendum)

۳- ارون‌د آبراهامیان، ص. ۱۹۷.

۴- مجاهدین خلق، «در حاشیه» بولتن شماره ۷ تا ۹ به تاریخ ۲۲ اکتبر و ۵ نوامبر سال ۱۹۷۹. هم‌چنین نگاه کنید به بولتن شماره ۹۹ «مجاهد» به تاریخ دوم دسامبر سال ۱۹۸۰ که یک سال پس از نظرخواهی پیرامون قانون اساسی جدید منتشر شد.

۵- ارون‌د آبراهامیان، ص. ۱۹۷.



کاندیدای دیگری حمایت کردند.<sup>۱</sup>

نخستین انتخابات ریاست جمهوری پس از تغییر قانون اساسی و انقلاب اسلامی در روز ۲۵ ژانویه سال ۱۹۸۰ برگزار شد. این انتخابات پس از سرنگونی محمد رضا شاه پهلوی، انتخابات تعیین خط مشی سیاسی نبود. مستقل از این که کاندیداهای احزاب بورژوا (کاندیدای مستقل / جبهه ملی) در انتخابات برنده شوند یا نشوند، قانون اساسی روح‌الله خمینی را به عنوان رهبر مذهبی و آیت‌الله عظمای جمهوری اسلامی ایران تعیین کرده بود. در مجموع ۹۶ کاندیدا در انتخابات شرکت کردند. مشارکت ۲۰۹۹۳۶۴۳ نفر واجد شرایط (۴٪/۶۷). ابولحسن بنی‌صدر با ۱۰۷۰۹۳۳۰ (۷۵٪/۶) و پس از او احمد مدنی با ۲۲۲۴۵۵۴ رای (۷۱٪/۱۵)، حسن حبیبی با ۴۷۴۸۵۹ رای (۳٪/۵)، داریوش فروهر با ۱۳۳۴۷۸ رای (۹۴٪/۰)، صادق طباطبایی با ۱۱۴۷۷۶ رای (۸۱٪/۰) (دکتر کاظم سامی با ۸۹۲۷۰ رای (۶۳٪/۰) و صادق قطب زاده با ۴۸۵۴۷ رای (۳۴٪/۰) انتخاب شدند.<sup>۲</sup>

به مجرد این که بنی‌صدر پیروز این انتخابات شد، مجاهدین خلق کارزار خود برای انتخابات پارلمانی را شروع کردند. سیستم پیچیده‌ی دو مرحله‌ای انتخابات که شورای انقلاب در پایان ماه فوریه تعیین کرده بود طوری تفسیر شده بود که علیه اپوزیسیون عمل کند. سازمان‌هایی که روحانیون، مخصوصاً کمیته‌ها، پاسداران و شبکه رادیو تلویزیون در آن غلبه داشتند، هم‌چنان از حزب جمهوری اسلامی ایران حمایت کردند (IRP). دیگر گروه‌های غیر روحانی از جمله فدائیان و دفتر رئیس‌جمهور از کاندیداهای خود پشتیبانی کردند. انتخابات در گیر و دار بحران گروگان‌گیری و وضعیت فوق‌العاده جامعه، مخصوصاً اقدامات تلافی‌جویانه ایالات متحده برگزار شد. خمینی از جذب‌ی خود استفاده کرد و برای روحانیت تبلیغ کرد. بدین صورت که به همه مؤمنان گوشزد کرد فقط به مسلمانان خوب رای دهند. او در نخستین پیام نوروزی خود به مجاهدین خلق رسماً، اگرچه پوشیده، حمله و ادعا کرد که برخی روشنفکران بی‌نام و نشان که به آفت غرب آلوده‌اند، تلاش می‌کنند اسلام و مارکسیسم را درهم بیامیزند.<sup>۳</sup>

طی انتخابات پارلمانی حملات سراسری علیه دفاتر و تاسیسات مجاهدین خلق که مسبب آن حزب جمهوری اسلامی ایران بود، به دست حزب‌الله افزایش یافت.<sup>۴</sup> مجاهدین خلق علی‌رغم همه این حملات از خمینی تمجید کردند و هم‌چنان او را «پدر محبوب» خود

۱- همان‌جا؛ ص. ۱۹۸.

۲- مقایسه کنید با:

[https://de.wikipedia.org/wiki/Präsidentenschaftswahl\\_im\\_Iran\\_1980](https://de.wikipedia.org/wiki/Präsidentenschaftswahl_im_Iran_1980)

۳- سخنرانی آیت‌الله خمینی در روز ۲۲ مارس ۱۹۸۰: اروند آبراهامیان، همان کتاب، ص. ۱۹۹.

۴- در حمله به گردهمایی در دانشگاه تهران که در آن حدود دویست هزار نفر شرکت کردند؛ ۲۳ نفر از هواداران مجاهدین خلق به شدت مجروح شدند. از این تعداد ۱۲ نفر دانشجو؛ ۵ دانش آموز دبستان؛ ۲ کارگر و یک نفر معلم بود. رجوع کنید به ویژه نامهی «نشریه مجاهد» شماره ۲؛ ۲۴ فوریه ۱۹۸۰.

که ایران را هم از شر امپریالیسم امریکا و هم از شر پادشاهی دو هزار و پانصد ساله نجات داده است، می‌نامیدند.<sup>۱</sup> آن‌ها در مجموع ۱۲۷ کاندیدای مرد و زن برای انتخابات پارلمانی معرفی کردند، از جمله مسعود رجوی، موسی خیابانی و مهدی ابریشمی که رهبران مجاهدین خلق بودند.<sup>۲</sup>

مجاهدین خلق علی‌رغم موانعی که برایشان بوجود آوردند، توانستند ۹۰۶۴۸۰ رای بدست آورند با این وجود کرسی پارلمانی کسب نکردند، در حالی‌که حزب جمهوری اسلامی ایران در نخستین دور انتخابات توانست نیمی از کرسی‌های پارلمانی را کسب کند.<sup>۳</sup> وضعیت مجاهدین خلق در تهران بهتر بود. کاندیدای آن‌ها، مسعود رجوی، توانست از ۴۰۸ کاندیدا و ۲۱۳۴۴۳۴ رای ۵۳۱۹۴۳ رای بدست آورد و سی و هشتمین جایگاه را کسب کند و بدین ترتیب، در دوره دوم انتخابات؛ که در ماه مه ۱۹۸۰ انجام گرفت؛ صاحب صلاحیت شود.<sup>۴</sup> در این دور هم دفاتر مجاهدین خلق مورد حمله حزب الله قرار گرفتند. با آغاز انقلاب فرهنگی کلیه دانشگاه‌ها تعطیل و نهایت تلاش شد تا نگذارند مجاهدین خلق در دور بعدی انتخابات موفق شوند. با وجودی‌که مجاهدین خلق توانستند بیست درصد آرا را کسب کنند، هیچ کرسی‌ای در پارلمان به دست نیاوردند.

## برکناری بنی‌صدر از مقام ریاست جمهوری

زمانی که در ماه سپتامبر سال ۱۹۸۰ ارتش عراق حملات گسترده هوایی به فرودگاه‌های شهرهای تهران، تبریز، کرمانشاه، اهواز، همدان و دزفول را آغاز کرد و با صد هزار نیرو در سه منطقه‌ی دارای منابع غنی نفت و گاز استان خوزستان پیشروی کرد، وضعیت سیاسی داخلی ایران رو به وخامت گذاشت. شروع جنگ بهانه‌ی خوبی به دست حزب‌الله داد تا علیه نیروهای اپوزیسیون آن زمان عمل کرده آن‌ها را سرکوب کند. روز دوم نوامبر سال ۱۹۸۰ همه روزنامه‌ها و مجلات مجاهدین خلق را غیر قانونی اعلام کردند و دستگیری گسترده‌ی اعضای مجاهدین خلق آغاز شد. در آغاز ماه مه سال ۱۹۸۱ بیش از ۱۱۸۰ نفر از اعضا و هواداران مجاهدین خلق دستگیر و زندانی شدند.<sup>۵</sup> حد اکثر تا فوریه سال ۱۹۸۱ کلیه دفاتر و تاسیسات مجاهدین خلق بسته شد.

علی‌رغم همه‌ی ممنوعیت‌ها، مجاهدین خلق موفق شدند روز ۱۳ ماه ژوئن سال ۱۹۸۱

۱- نامه مجاهدین خلق به امام خمینی به مناسبت نوروز که در روزنامه «اطلاعات» ۱۷ مارس سال ۱۹۸۰ منتشر شد (پانوش شماره ۴۳ در صفحه ۱۹۹ اثر ابراهامیان).

۲- لروند ابراهامیان؛ همان اثر؛ ص. ۲۰۰.

۳- همان‌جا؛ ص. ۲۰۱.

۴- همان‌جا؛ ص. ۲۰۲.

۵- ابراهامیان؛ همان‌جا؛ ص. ۲۱۲-۲۱۳.

در دفاع از بنی‌صدر که جهت حل اختلافات خود با حزب جمهوری اسلامی ایران خواهان نظرخواهی ملی شده بود، به خیابان‌ها بروند. فراخوان مجاهدین خلق به تظاهرات گسترده در ۳۰ شهر منتهی شد که دو روز ادامه یافت. شرکت مردم در این تظاهرات در تهران به قدری زیاد بود که پاسداران مجبور شدند در مقیاس گسترده‌ای به هدف پشتیبانی از حزب الله به تظاهر کنندگان حمله کنند. در روزهای بعد بنی‌صدر از مردم خواست تا این «رژیم استبدادی» را همانند سال ۱۹۷۹ سرنگون کنند.<sup>۱</sup> مجاهدین خلق طی انتشار اطلاعیه رسمی نظامی اعلام کردند که در آینده از خود «دفاع» خواهند کرد. پس از آن، آیت‌الله خمینی ممنوعیت تظاهرات را تکرار کرد و هشدار داد که آشوب‌گران تیر باران می‌شوند و ادعا کرد که کمونیست‌ها، ناسیونالیست‌ها و چاپلوسان نقاب برچهره زدند و با مجاهدین خلق متحد شدند تا علیه خدا و جمهوری اسلامی اعلام جنگ کنند.<sup>۲</sup> در آن زمان ایران در آستانه جنگ داخلی قرار گرفت.

روز ۱۹ ژوئن سال ۱۹۸۱ مجاهدین خلق و رئیس جمهور، بنی‌صدر، از همه‌ی مردم خواستند که روز بعد به خیابان‌ها بروند و مخالفت خود با دیکتاتوری حزب جمهوری اسلامی را نشان دهند. راهبرد مجاهدین خلق این بود که از طریق تظاهرات در سراسر ایران، مخصوصاً در وزارتخانه‌ها و کارخانه‌ها، اعتصابات حمایتی راه بیاندازند و سرانجام قدرت مسلح دولت — یعنی سپاه پاسداران — را دچار یاس و ناامیدی کنند تا کل رژیم در هم شکسته شود. با وجودیکه در آن زمان فرمانده نیروی ضربت زمینی، ژنرال ولی‌الله فلاحی<sup>۳</sup>، و فرمانده نیروی هوایی، ژنرال جواد فکوری<sup>۴</sup>، حاضر بودند پایگاه‌های مهم نظامی راهبردی رژیم را از طریق نظامی فتح کنند، همه‌ی این پیشنهادها را بنی‌صدر از بیم بروز جنگ داخلی در کشور رد کرد.<sup>۵</sup>

روز بیستم ژوئن سال ۱۹۸۱ (سی خرداد ۱۳۶۰) تظاهرات گسترده‌ای در بیش از سی

۱- همان‌جا؛ ص. ۲۱۷-۲۱۸

۲- ص. ۲۱۸

۳- سرتیب ولی‌الله فلاحی (متولد سال ۱۹۳۱) رئیس کل ستاد نیروهای مسلح ایران بود و در ارتش ایران از سال ۱۹۵۱ تا سال ۱۹۸۱ خدمت کرد. او یکی از معتمدین نزدیک رئیس جمهور، بنی‌صدر، بود. او در جریان جنگ ایران و عراق به عنوان یک افسر ممتاز ارتش خوش درخشید. او روز ۲۹ سپتامبر سال ۱۹۸۱ همراه دیگر فرماندهان ارشد از جمله ژنرال جواد فکوری (فرمانده نیروی هوایی)، ژنرال یوسف کلاه‌دوز (فرمانده پاسداران انقلاب)، سرتیب سید موسی نامجو (وزیر دفاع) و فرمانده جهان‌آرا در حادثه سرنگونی هواپیمای که از اهواز پرواز کرد و قرار بود در تهران به زمین نشیند، کشته شد. مقایسه کنید با:

[https://en.wikipedia.org/wiki/Valiollah\\_Fallahi](https://en.wikipedia.org/wiki/Valiollah_Fallahi)

۴- فکوری طی جنگ ایران و عراق فرمانده نیروی هوایی ایران بود. او در سال ۱۹۵۸ به عنوان خلبان جت جنگی F-۱۰۰ در نیروی هوایی شروع به کار کرد. بعدها در سال ۱۹۶۷ متخصص بمب افکن شکاری F-۴ شد و هم‌چنین از بهار سال ۱۹۸۱ تا سپتامبر همان سال وزیر دفاع ایران بود.

[https://fa.wikipedia.org/wiki/جواد\\_فکوری](https://fa.wikipedia.org/wiki/جواد_فکوری)

۵- از گفتگوهایم با بنی‌صدر در پاریس و ورسای.

شهر برگزار شد. در بسیاری از این شهرها هواداران مجاهدین خلق از جمله جوانان بین ۱۵ تا ۱۷ ساله مسلح به خیابان‌ها رفتند تا قدرت خود را در مقابله با طرفداران قدرتمند حزب جمهوری اسلامی ایران به نمایش بگذارند. بدین ترتیب، مجاهدین خلق دست آویز مناسبی در اختیار رژیم قرار دادند تا قهر بی‌رحمانه‌ی خود را نه فقط علیه آن‌ها بلکه علیه همه‌ی سازمان‌های اپوزیسیون به نمایش بگذارند.

رژیم از طریق رادیو تلویزیون اعلام کرد که مردم باید در خانه‌های خود بمانند، تظاهرکنندگان را «محارب» بدانند و آن‌ها را در جا تیرباران کنند. حزب‌الله مسلح شد و دستور گرفت تا همه‌ی بزرگ راه‌های شهرهای بزرگ را ببندد. به پاسداران دستور داده شد به تظاهرکنندگان تیراندازی کنند. تنها در نزدیکی دانشگاه تهران ۵۰ نفر کشته دویدست نفر زخمی و هزار نفر دستگیر شدند.<sup>۱</sup> حاکمیت ترس و وحشت آغاز شده بود. پارلمان ایران روز ۲۱ ژوئن سال ۱۹۸۱ بنی‌صدر را «فاقد صلاحیت سیاسی» اعلام و او را از ریاست جمهوری برکنار کرد. تلاش بنی‌صدر در حذف قدرت ملاها ناکام ماند زیرا رژیم کنترل کامل بر شهرها و پایگاه‌های نظامی مهم را داشت و مردم هم از خانه‌هایشان بیرون نرفتند. بنی‌صدر مجبور شد مخفی شود تا آنکه به کمک مجاهدین خلق سرانجام موفق شد همراه با مسعود رجوی در روز ۲۹ ژوئیه به فرانسه برود. او تا آخر عمر در فرانسه ماند!<sup>۲</sup>

## حاکمیت ترور و نابودی اپوزیسیون

به استثناء چند درگیری جزئی پس از ۲۰ ژوئن سال ۱۹۸۱، رژیم موفق شد اپوزیسیون را از خیابان‌ها دور نگهدارد و حذف فیزیکی همه‌ی اپوزیسیون را آغاز کند، امری که در تاریخ معاصر ایران سابقه نداشته است. از روز ۲۳ تا ۲۷ ماه ژوئن سال ۱۹۸۱ پنجاه عضو دیگر اپوزیسیون اعدام شدند که نه فقط اعضای مجاهدین خلق بلکه تعدادی از رهبران سازمان «پیکار» و «فدائیان خلق اقلیت» که با تلاش مجاهدین خلق برای قیام مخالف بودند را نیز شامل می‌شد.<sup>۳</sup>

روز ۲۸ ژوئن سال ۱۹۸۱ بمبی در ساختمان مرکزی حزب جمهوری اسلامی<sup>۴</sup> منفجر شد که در آن ۸۴ نفر از جمله ۲۵ نماینده پارلمان و ۴ وزیر کابینه کشته شدند.<sup>۵</sup> در بین

۱- ابراهامیان؛ ص. ۲۱۹.

۲- بنی‌صدر در سن ۸۸ سالگی در بیمارستان سالپتریه پاریس درگذشت و در روز ۱۶ اکتبر سال ۲۰۲۱ در گورستان ورسای به خاک سپرده شد.

۳- ابراهامیان؛ ص. ۲۱۹.

۴- همان‌جا؛ ص. ۲۲۰.

۵-۹۳- مقایسه کنید با:

کشته شده‌گان آیت‌الله محمد بهشتی، رئیس شورای انقلاب اسلامی و قاضی‌القضات ایران، هم بود. رژیم مجاهدین خلق را عامل این بمب‌گذاری اعلام کرد.<sup>۱</sup> این واقعیت که علی خامنه‌ای به دلیل پی‌آمدهای سوءقصدی که به او شده بود در این حادثه نبود و علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی ساختمان حزب جمهوری اسلامی را پیش از این بمب‌گذاری ترک کرده بود، به این حدس دامن زد که عامل اصلی این بمب‌گذاری را باید در خود ملایان جستجو کرد.<sup>۲</sup> بعدها محمدرضا کلاهی صمدی را عامل آن معرفی و غیایا او را به اعدام محکوم کردند.<sup>۳</sup>

پس از برکناری بنی‌صدر، محمد علی رجایی<sup>۴</sup> روز ۲۴ ژوئیه سال ۱۹۸۱ به ریاست جمهوری انتخاب و در تاریخ سوم اوت همان سال رسماً به عنوان رئیس‌جمهور تایید شد.

۱- مقایسه کنید با:

Ulrich Enke - ISBN: - ص. ۱۲۲، ۱۹۸۹، Heyne، مونیخ، «Ayatollah Khomeini»: (ناشر) 3453037235/3-453-03723-5.

۲- مقایسه کنید با:

Bahman Nirumand, Keywan Daddjou, «Mit Gott für die Macht». Rowohlt Taschenbuch, Hamburg 1989, S. 328f.

«با توکل به خدا برای کسب قدرت»: اثر: بهمن نیرومند و کیوان داد جو. کتاب جیبی رولت؛ هامبورگ سال ۱۹۸۹؛ ص. ۳۲۸ پانوش.

۳- محمد رضا کلاهی صمدی بمب‌گذار احتمالی سوء قصد در ساختمان مرکزی «حزب جمهوری اسلامی» بود که در آنجا به عنوان صدا بردار کار می‌کرده است. او بعداً در محاکمه‌ی پایانی غیایا به اعدام محکوم شد. پس از آن او تحت تعقیب‌ترین فرد در ایران بود. او که تحت نام «علی معتمد» در شهر آلمر در استان فلولاند هلند با همسر هلندی خود زندگی می‌کرد و از او صاحب یک پسر نوجوان شده بود و به عنوان برق‌کار در آنجا مشغول به کار بود؛ در روز ۱۵ دسامبر ۲۰۱۵ بدست دو مرد ناشناس به رگبار بسته شد. همسر او بعداً به پلیس گفت که شوهرش در سال ۲۰۰۰ هویت واقعی خود را به نام محمدرضا کلاهی صمدی برای وی فاش کرده و گفته بود که بمب‌گذاری به دستور سازمان‌های دولتی ایران بوده است. پلیس هلند توانست دو مظنون را در نزدیکی آمستردام دستگیر کند. فرضیات مبنی بر دست داشتن مقامات ایرانی در قتل هنوز ثابت نشده است. هویت مرد مقتول با کلاهی صمدی تحت تعقیب هنوز از سوی مقامات رسمی هلند یا ایران تایید یا تکذیب نشده است. مقایسه کنید با:

<https://www.theguardian.com/world/2019/jan/14/a-dutch-electricians-raises-issues-of-trust-in-iran>

۴- محمد علی رجایی (۱۹۳۳—۱۹۸۱) در قزوین متولد شد. در سال ۱۹۵۱ در نیروی هوایی به عنوان استوار استخدام و در کلاس‌های شبانه «انجمن اسلامی» ثبت نام کرد. معلم این کلاس آیت‌الله محمود طالقانی بود. رجایی در سال ۱۹۵۹ دیپلم ریاضی گرفت و بعداً کار معلمی پیشه کرد. در سال ۱۹۶۱ به عضویت «جنبش آزادی ایران» که مهدی بازرگان بنیانگذار آن بود، پیوست. او در ماه ژوئن سال ۱۹۶۳ در تظاهرات ضد «انقلاب سفید» شرکت کرد و دستگیر شد ولی پس از ۵۰ روز آزاد شد. او در زندان با حجت‌الاسلام محمد جواد با هنر آشنا شد و در سال ۱۹۷۱ به منظور تماس بیشتر با ملیش‌های اسلامی به فرانسه، ترکیه و سوریه سفر کرد. پس از انقلاب اسلامی در سپتامبر سال ۱۹۷۹ وزیر فرهنگ شد. روز ۱۱ اوت سال ۱۹۸۰ محمدعلی رجایی به پیشنهاد رئیس‌جمهور، ابوالحسن بنی‌صدر، نخست‌وزیر شد. مقایسه کنید با:

[https://de.wikipedia.org/wiki/Mohammad\\_Ali\\_Radschai](https://de.wikipedia.org/wiki/Mohammad_Ali_Radschai)

روز ۳۰ اوت ۱۹۸۱ بمب دیگری در دفتر نخست وزیر، محمد جواد باهنر<sup>۱</sup>، منفجر شد که مرگ او و محمدعلی رجایی را در پی داشت. در حالی که آیت‌الله خمینی مجاهدین خلق<sup>۲</sup> را مسئول این بمب‌گذاری می‌دانست، برخی از ناظران براین نظر بودند که آن را رهبران حزب جمهوری اسلامی از جمله رئیس‌جمهور بعدی، اکبر هاشمی رفسنجانی، برنامهریزی کرده است تا از شر رقبای خود در امان باشند<sup>۳</sup>.

پس از بمب‌گذاری‌های ماه‌های ژوئن و اوت سال ۱۹۸۱ وضعیت سیاسی ایران وخیم‌تر شد. شمار اعدام‌شدگان روز به روز افزایش یافت. طبق اظهارات رسمی رژیم شمار اعدام‌ها از ژوئن تا اکتبر سال ۱۹۸۱ به ۱۷۰۰ و تا دسامبر ۱۹۸۱ به ۲۵۰۰ نفر رسید که شامل جوانان ۱۵ ساله نیز می‌شد<sup>۴</sup>. زمانی که رژیم پی برد که شمار اعدام‌های منتشر شده از طریق رسانه‌های بین‌المللی گزارش می‌شود، تصمیم گرفت شمار اعدام‌شده‌گان را دیگر علنی نکند.

تروهای مجاهدین خلق در سراسر کشور رو به افزایش گذاشت. تا ماه نوامبر سال ۱۹۸۱ تعداد زیادی از صاحب‌منصبان و کارمندان عالی رتبه دولت و در مجموع ۵۰۴ نفر از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از سوی سازمان مجاهدین خلق کشته شدند<sup>۵</sup>.

---

۱- حجت‌الاسلام محمد جواد باهنر (۱۹۳۳-۱۹۸۱) بعد از انقلاب ۱۹۷۹ نخستین‌نخست‌وزیر جمهوری اسلامی ایران بود، او در شهر قم تحصیل کرد و شاگرد آیت‌الله روح‌الله خمینی، روحانی معروف، بود. او بعدها به تحصیل علوم دینی در دانشگاه تهران پرداخت. باهنر منتقد سرسخت سلطنت محمد رضا شاه بود و فعالیت‌های او علیه شاه در سال‌های ۱۹۶۴ و ۱۹۷۵ به دستگیری او منجر شد. پس از سرنگونی شاه در انقلاب ۱۹۷۹ باهنر در تدوین قانون اساسی جدید شرکت داشت. او در ماه مارس ۱۹۸۱ به وزارت فرهنگ منصوب شد و تصفیه دانشگاه‌های ایران از نفوذ فرهنگ غربی که محمد علی رجایی آغاز کرده بود را ادامه داد. در ماه ژوئن ۱۹۸۱ جانشین آیت‌الله محمد حسین بهشتی به عنوان رهبر «حزب جمهوری اسلامی» که به دست نیروهای ضد رژیم کشته شده بود، شد و در ماه بعد رجایی، رئیس‌جمهور ایران، او را به نخست‌وزیری منصوب کرد. مقایسه کنید با:

<https://www.britannica.com/biography/Mohammad-Javad-Bahonar>

۲- بعدها مسعود کشمیری که عضو سازمان مجاهدین خلق بود به عنوان بمب‌گذار شناسایی شد. او توانسته بود تا سطح رهبری «حزب جمهوری اسلامی» نفوذ کند و به مقام دبیر ارشد امنیت ملی ارتقا پیدا کند. او بمبی را در کیف دستی خود جاسازی کرده بود و آن را به دفتر نخست‌وزیر، محمد جواد باهنر، در حضور رئیس‌جمهور، محمدعلی رجایی برده و منفجر کرده بود. مقایسه کنید با:

<https://www.nytimes.com/1981/06/29/world/33-high-iranian-officials-die-bombing-party-meeting-chief-judge-among-victims.html> &

[https://en.wikipedia.org/wiki/1981\\_Iranian\\_Prime\\_Minister%27s\\_office\\_bombing](https://en.wikipedia.org/wiki/1981_Iranian_Prime_Minister%27s_office_bombing)

۳- مقایسه کنید با:

Albert V. Benliot, Editor., "Iran - Outlaw, Outcast, or Normal Country?", Nova Science Pub Inc; UK ed. Edition, 1. June 2001, ISBN 978-1-56072-954-6, S. 101.

(کشور قانون شکن، مطرود یا معمول) ناشر: آلبرت و بن لیوت؛ اول ماه ژوئن ۲۰۰۱، ص. ۱۰۱

۴- اروند آبراهامیان. همان کتاب. ص. ۲۲۰.

۵- روزنامه ایران تایمز؛ ۲۰ نوامبر ۱۹۸۱.

روز هشتم فوریه سال ۱۹۸۲ پاسداران خانه‌ای را محاصره کردند که در آن رهبران وقت مجاهدین خلق، موسی خیابانی، همسرش، آذر رضایی، همسر مسعود رجوی، اشرف ربیعی و فرزند یکساله‌ی او، مصطفی و هشت عضو دیگر مجاهدین خلق زندگی می‌کردند. طی چندین ساعت درگیری بین آن‌ها مجز فرزند رجوی همه ساکنین خانه کشته شدند. رژیم جسد موسی خیابانی را از طریق تلویزیون در سراسر ایران به نمایش گذاشت تا ثابت کند که مجاهدین خلق سرکوب شده‌اند.<sup>۱</sup> روز ۴ ماه مارس و دوم ماه مه سال ۱۹۸۲ پاسداران دوباره به خانه‌هایی حمله کردند که در آن‌ها تعداد زیادی از اعضای ارشد مجاهدین خلق سکونت داشتند. این بار رژیم از بالگرد (هلی کوپتر) و موشک علیه مجاهدین خلق استفاده کرد. در این درگیری‌ها همه‌ی ساکنان از جمله مادران تعدادی از اعضای مجاهدین خلق کشته شدند.<sup>۲</sup>

در اثر این شکست‌ها مجاهدین خلق تصمیم گرفتند از آغاز سال ۱۹۸۳ نیروهای خود را به کردستان منتقل کنند تا از آن‌جا ضربات خود بر پایگاه‌های رژیم را به کمک حزب دمکرات کردستان سازماندهی کنند.<sup>۳</sup> مجاهدین خلق شمار قربانیان خود و اعضای خانواده‌های‌شان را از ۲۰ ژوئن سال ۱۹۸۱ به بعد ۱۲۲۵۰ نفر اعلام کردند.<sup>۴</sup> از دید امروزی، حرکت تنهای مجاهدین خلق در روز ۲۰ ژوئن سال ۱۹۸۱ خود کشی سیاسی بود، زیرا آن‌ها بدون مشورت با دیگر سازمان‌های سیاسی عمل کردند، سازمان‌هایی که مردم را بسیج می‌کرده و احتمالاً می‌توانستند در مبارزه‌ی مجاهدین خلق علیه رژیم از آن‌ها پشتیبانی کنند. تصور جبهه‌سازی برای رهبری آن زمان مجاهدین خلق بیگانه بود. آن‌ها باور داشتند که خود به تنهایی در وضعیتی هستند که بتوانند رژیم را سرنگون کنند. نتیجه‌ی این خطای فاحش سیاسی سرانجام قربانیان بسیاری را در پی داشت و شورش تنهای مجاهدین خلق نیز به سرعت سرکوب شد.

---

۱- مصطفی پسر مسعود رجوی از طرف مقامات امنیتی به پدر و مادر بزرگ تحویل داده شد.

۲- روزنامه ایران تایمز؛ همان‌جا

۳- ابراهامیان؛ ص. ۲۲۲.

۴- همان‌جا.

۵- همان‌جا؛ ص. ۲۲۳.





## ۳. عزیمت مجاهدین خلق به خارج و عملکرد سازمان بعد از ۱۹۸۱

### ۱.۳. تبعید در پاریس تشکیل شورای ملی مقاومت در پاریس

در تاریخ ۲۸ ژوئیه سال ۱۹۸۱ بنی صدر و مسعود رجوی<sup>۱</sup> موفق شدند با کمک دو خلبان هواپیمای بوئینگ ۷۰۷ نیروی هوایی، ایران را ترک و به تبعید به فرانسه سفر کنند. آن‌ها در فرانسه «شورای ملی مقاومت» را تشکیل دادند<sup>۲</sup>، جایی که بعدها دیگر احزاب و

۱- مسعود رجوی (متولد سال ۱۹۴۸) از بنیان‌گذاران «شورای ملی مقاومت» و رهبر ایدئولوژیک سازمان مجاهدین خلق بود. او در دانشگاه با مجاهدین خلق تماس گرفت و در سال ۱۹۶۶ به این سازمان پیوست، در سال ۱۹۷۱ دستگیر شد و تا سال ۱۹۷۹ در زندان بود. تنها خواهر او منیره، در سال ۱۹۸۸ اعدام شد. همسر نخست او اشرف ربیعی، در تابستان سال ۱۹۷۹ با رجوی ازدواج کرد. او در فوریه سال ۱۹۸۲ در تهران کشته شد. مسن‌ترین برادر رجوی، کاظم رجوی، در آوریل سال ۱۹۹۰ در ژنو به قتل رسید. رجوی در تبعید با دختر ابولحسن بنی صدر، فیروزه بنی صدر، در ماه سپتامبر سال ۱۹۸۲ ازدواج کرد. از آن‌جا که فیروزه بنی صدر از رفتن به عراق در تبعید امتناع کرد، کار آن‌ها در سال ۱۹۸۴ به جدایی کشید. پس از آن مسعود رجوی با همسر هم‌رزم و دوستش، مهدی ابریشمی، که موافقت خود را ابراز داشته بود، ازدواج کرد. این ازدواج در درون سازمان مجاهدین خلق به عنوان «جهش انقلابی» توصیف شد. پس از آن همگی زن و شوهرها از یکدیگر طلاق گرفتند تا علیه سیاست زن‌ستیزانه‌ی رژیم ایران اعتراض کنند!! مسعود رجوی از زمان جنگ ایران و عراق در سال ۲۰۰۳ دیگر در ملاء عام دیده نشده است. پس از او مریم رجوی به رهبری سازمان مجاهدین خلق منصوب شد. مقایسه کنید با:

[https://fa.wikipedia.org/wiki/مسعود\\_رجوی](https://fa.wikipedia.org/wiki/مسعود_رجوی)

۲- روز ۲۱ ژوئیه سال ۱۹۸۱ تشکیل «شورای ملی مقاومت» به ریاست ابولحسن بنی صدر به عنوان رئیس جمهور و مسعود رجوی به عنوان نخست وزیر در تهران اعلام شد. هدف «شورای ملی مقاومت» این بود که همگی نیروهایی که مخالف رژیم جمهوری اسلامی‌اند را برای سرنگونی رژیم و پایه‌ریزی دموکراسی در ایران متحد کند. طبق قانون اساسی شورا برنامه این بود که دولتی موقت بمدت شش ماه به هدف برگزاری انتخابات آزاد برای ایجاد مجلس مؤسسان و قانون‌گذاری ملی تشکیل دهند و قدرت را به مردم ایران واگذارند. در «شورای ملی مقاومت» ۲۵ کمیسیون

شخصیت‌های سیاسی به آن پیوستند.<sup>۱</sup>

از سال ۱۹۸۲ مجاهدین خلق کارزار تبلیغاتی جهانی خود را به هدف جلب هر چه بیشتر سیاستمداران برجسته، سازمان دهندگان کار، دانشگاهیان، رهبران کلیسا و وکلای حقوق بشر آغاز کردند. طوماری علیه رژیم خمینی در اواسط سال ۱۹۸۳ در اروپا و ایالات متحده منتشر شد که از سوی ۱۷۰۰ سیاستمدار، سازمان‌های کار و استادان دانشگاه امضا شد. عرض حال دومی که در آغاز سال ۱۹۸۶ در ۵۷ کشور منتشر شد، به امضای بیش از ۵۰۰۰ هزار شخصیت جامعه مدنی از جمله ۳۵۰۰ نماینده مجلس که بسیاری از آن‌ها در بریتانیای کبیر، فرانسه، ایتالیا، سوئد، هلند، آلمان غربی و هندوستان زندگی می‌کردند رسید.<sup>۲</sup>

بدین ترتیب مسعود رجوی در این ایام در اوج موفقیت سیاسی خود قرار داشت، چون توانسته بود «شورای ملی مقاومت» را به ائتلافی گسترده تبدیل کند. او این ائتلاف سیاسی را به عنوان تنها «آلترناتیو واقعی» در مقابل رژیم خمینی توصیف می‌کرد، زیرا از این تر حرکت می‌کرد که رژیم در تهران نمی‌تواند جنگ مصیبت‌بار را تاب بیاورد.<sup>۳</sup> این ائتلاف اما، دیری نپایید.<sup>۴</sup> نخست به این دلیل که مجاهدین خلق از شرکای ائتلاف برای هدف‌های خود

---

تشکیل شد. هدف این کمیسیون‌ها فراهم کردن زمینه فعالیت دولت موقت پس از سرنگونی رژیم بود. «شورای ملی مقاومت» ۵۳۰ عضو داشت که شامل اقلیت‌های قومی و مذهبی چون کردها، بلوچ‌ها، ارمنی‌ها، کلبی‌ها و زرتشتی‌ها می‌شد. در سال ۱۹۹۲ مریم رجوی بجای بنی‌صدر به عنوان رئیس جمهور دولت موقت منصوب شد. نگاه کنید به «برنامه‌ی شورای ملی مقاومت و حکومت جمهوری دموکراتیک موقت ایران» و اساسنامه شورای ملی مقاومت و «وظائف عاجل دولت موقت». نشریه «اتحادیه دانشجویان مسلمان». اوت سال ۱۹۸۲، (۴۹ صفحه).

۱- در عین حالی که سازمان‌های موجود در «شورای ملی مقاومت» حق رای و حق وتو داشتند، شخصیت‌ها فقط می‌توانستند از حق رای خود استفاده کنند و بنابراین حق وتو نداشتند. سازمان‌های آن زمان و همین‌طور شخصیت‌هایی که در «شورای ملی مقاومت» بودند عبارت بودند از: مجاهدین خلق (مسعود رجوی، علی زرکش، جابرزاده انصاری، محمد حیاتی، عباس داوری، مهدی ابریشمچی، مریم رجوی، جلال گنجه‌ای، حسین باقرزاده، مهدی ممکن، یزدان حاج حمزه، حاجی مازندرانی وو)، اتحادیه اصناف (ابراهیم مازندرانی، سازمان نزدیک به مجاهدین خلق)، نماینده استادان دانشگاه (محمد علی شیخی)، حزب دمکرات کردستان (دکتر عبد الرحمان قاسملو)، جبهه دمکراتیک ملی (هدایت متین دفتری)، شورای متحده چپ (مهدی خانابا تهرانی، بهمن نیرومند)، سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران (مهدی سامع)، اتحادیه کمونیست‌های ایران (سربداران)، جنبش دموکراتیک-انقلابی زحمتکشان گیلان و مازندران (حسن ماسالی)، حزب کار ایران؛ توفان (رهبر این حزب حمید رضا چیت‌گر در وین کشته شد؛ ۱۲ ژوئیه ۱۹۸۷)، شخصیت‌ها: بنی‌صدر، احمد سلامتیان، ناصر پاکدامن، منصور فرهنگ، هوشنگ کشاورز صدر؛ پرویز دستمالچی، منوچهر هزارخانی، محمد رضا روحانی (انجمن وکلای مستقل ایرانی در تبعید) و کریم قسیم. مقایسه کنید با:

شورای\_ملی\_مقاومت\_ایران/https://fa.wikipedia.org/wiki/

۲- لروند ابراهامیان؛ ص. ۲۴۵.

۳- همان‌جا.

۴- ابوالحسن بنی‌صدر در سال ۱۹۸۳ «شورای ملی مقاومت» را ترک کرد، در پی او دکتر عبد الرحمان قاسملو، دبیر کل حزب دمکرات کردستان، در اعتراض به ائتلاف مسعود رجوی با صدام حسین از «شورای ملی مقاومت» خارج شد.

استفاده‌ی ابزار می‌کردند و همین‌طور بخاطر تک رویشان در این «شورا». این ائتلاف سیاسی دیگر نمی‌توانست پیمان خود را حفظ کند. دوم به این دلیل که خیلی زود روشن شد مجاهدین خلق بدون اطلاع متحدین خود با رژیم صدام حسین درباره جابجایی در عراق مذاکره کرده بودند. دلیل سومی که همکاری بین مجاهدین خلق و دیگر سازمان‌های سیاسی در «شورای ملی مقاومت» به پایان رسید، این بود که مسعود رجوی توانست نظر خود که مبنی بر بستن قرار داد صلح با صدام حسین بود را به دیگر سازمان‌های درون «شورا...» بقبولاند. قرارداد با صدام که در سپتامبر سال ۱۹۸۰ به ایران حمله‌ی نظامی کرده بود، در ماه مارس سال ۱۹۸۳ منعقد شد. طارق عزیز، وزیر خارجه عراق، در دیدار رسمی با مسعود رجوی در روز ۹ ژانویه سال ۱۹۸۳ از جمله پیرامون قرار داد صلح با «شورای ملی مقاومت» به عنوان نماینده مردم ایران مذاکره کرد.<sup>۱</sup>

در سال ۱۹۸۲ صدام حسین دادن امکانات به «شورای ملی مقاومت» را آغاز کرد تا این شورا بتواند دامنه‌ی کارزار اروپایی خود علیه جمهوری اسلامی را گسترش دهد. ارتش عراق بخش نظامی مجاهدین خلق را با سلاح مدرن مجهز و به لحاظ مالی حمایت کرد<sup>۲</sup> و یک فرستنده رادیویی، مکان در بغداد و یک پایگاه در شمال بغداد نزدیک به مرز ایران در اختیار آن سازمان قرار داد.<sup>۳</sup> مجاهدین خلق در مقابل این کمک‌های صدام حسین موظف بودند کلیه‌ی اطلاعاتی که در رابطه با ایران داشتند را در اختیار او قرار دهند. در این رابطه باید توجه داشت که دیگر سازمان‌های اپوزیسیون ایرانی بعد از سال ۱۹۸۱ نیز از صدام حسین کمک مالی دریافت می‌کردند. از این رو بود که اکثریت سازمان‌های چپ ایرانی آن زمان بعدها بر علیه استفاده از گاز سمی که صدام حسین در حلبچه (Halabje) به کار برده بود و در اثر آن پنج هزار انسان کشته شده بودند، هیچ اعتراضی نکردند.<sup>۴</sup>

۱- مقایسه کنید با:

[https://www.iran-pedia.org/wiki/مقاومت\\_ملی\\_شورای\\_صلح](https://www.iran-pedia.org/wiki/مقاومت_ملی_شورای_صلح)

۲- مقایسه کنید با:

RAND, National Defense Research Institute, 'The Mujahedin-e Khalq in Iraq, A Policy Conundrum' Santa Monica, California, 2009, S. 60

۳- راند انستیتو برای تحقیقات دفاع ملی: مجاهدین خلق در عراق؛ یک معماری سیاسی؛ کایفرنیا؛ سال ۲۰۰۹؛ ص. ۶۰  
<https://www.rand.org/pubs/monographs/MG871.html>

۴- مقایسه کنید با: بهمن نیرومند؛ «کیف سیاه بدستان» که در روزنامه آلمانی تاگس‌تیونگ؛ شماره ۸۱۵۰ در ۱۳ دسامبر ۲۰۰۶ منتشر شد. نگاه کنید به:

<https://taz.de/1341596/Die-mit-den-schwarzen-Mappen>

۴- حمله با گاز سمی به حلبچه، حمله نیروی هوایی عراق به منطقه عموماً کرد نشین خود مختار کردستان کنونی بود. در این حمله که در ۱۶ مارس ۱۹۸۸ در پایان نخستین جنگ خلیج صورت گرفت، بین ۳۲۰۰ تا ۵۰۰۰ هزار نفر غیر نظامی از جمله زن و کودک و افراد مسن کشته شدند. نگاه کنید به «حلبچه: سیاست خاطره» نوشته: پوست هیلمن؛ ۱۴ مارس سال ۲۰۰۸ از «گروه بین‌المللی بحران». مقایسه کنید با:

<https://www.crisisgroup.org/middle-east-north-africa/gulf-and-arabian-peninsula/iraq/halabja-politics-memory>



## ۲.۳. عراق بازوی جدید مجاهدین خلق

### پیمان با صدام حسین

مسعود رجوی در ماه ژوئن سال ۱۹۸۴ با تعدادی از همراهان خود از پاریس به بغداد رفت به این امید که از صدام نه تنها اسلحه و کمک مالی دریافت کند<sup>۱</sup> بلکه هواداران جوانش از طریق ارتش عراق آموزش نظامی ببینند<sup>۲</sup>.

دو سال بعد دیگر اعضای مجاهدین خلق مجبور شدند از فرانسه به عراق بروند چون نخست وزیر فرانسه، ژاک شیراک (Jacques Chirac)، توانسته بود از طریق مذاکره با دولت ایران گروگان‌های فرانسوی که در اسارت حزب الله لبنان بودند را نجات دهد<sup>۳</sup>.

۱- رجوع کنید به:

Mark Edmond Clark, "An Analysis of the Role of the Iranian Diaspora in the Financial Support System of the Mujahedin-e-Khalq", edited by Sean S. Costigan, Center for Security Studies, ETH Zurich, Switzerland, and David Gold, Graduate Program in International Affairs, The New School, USA, "Terroronomics", Routledge, Taylor & Francis Group, London and New York, 16-Mar-2016, ISBN-13: 9781317045915, Chapter 4, p. 65-74. - The Guardian, by Arron Merat, "The long read Terrorists, cultists - or Champions of Iranian democracy? The wild wild story of the MEK", 9 November 2018; <https://www.theguardian.com/news/2018/nov/09/mek-iran-revolution-regime-trump-rajavi>; and Encyclopedia.Com, "Mujahedin-E Khalq Organization"; <https://www.encyclopedia.com/politics/legal-and-political-magazines/mujahedin-e-khalq-organization>.

۲- ارتش عراق از سال ۱۹۹۷ تا سال ۲۰۰۱ اعضای مجاهدین خلق را آموزش نظامی داد. نگاه کنید به راند؛ انستیتو تحقیقات دفاعی ملی، ص. ۲۹.

۳-۱۲۰- مراجعه شود به:

Council on Foreign Relations, Backgrounder by Jonathan Masters, "Mujahadeen-e-Khalq (MEK) - The Mujahadeen-e-Khalq, an exiled Iranian resistance group, continues to stir controversy despite its removal from a U.S. terrorism list", Last updated July 28, 2014; <https://www.cfr.org/backgrounder/mujahadeen-e-khalq-mek>

از این رو مریم رجوی مجبور شد در ماه ژوئن سال ۱۹۸۶ در ازای خدمت متقابل دولت فرانسه به ایران فرانسه را ترک کند. او با تعدادی از اعضای مجاهدین خلق برای دومین بار به تبعید خود به عراق رفت.<sup>۱</sup> رهبری مجاهدین خلق دلیل حرکت دسته جمعی خود به عراق را با این ادعا که گروه‌شان غرب را تا آن زمان در باره «شرارت» رژیم تهران با موفقیت مطلع کرده بودند، توجیه کرد.<sup>۲</sup>

محل سکونت جدید مجاهدین خلق «پایگاه اشرف»<sup>۳</sup>، که ویژگی یک شهرک با همه‌ی زیرساخت‌های اساسی را داشت با حسن توجه و پشتیبانی مالی صدام حسین ۴ در دیاله (Diyala) ۶،۲۷ کیلومتر در شمال شهر خالیص (Khalis)، حدود صد کیلومتری مرز غربی عراق و تقریباً ۶۰ کیلومتری شمال بغداد ساخته شد.<sup>۵</sup> صدام حسین هم چنین یک ساختمان شش طبقه در بغداد در اختیار مجاهدین خلق قرار داد<sup>۶</sup> تا از آن به عنوان مرکز فرماندهی و امور اداری استفاده کنند. مجاهدین خلق از سال ۱۹۸۲ تا آغاز سال ۲۰۰۳ کمک مالی قابل ملاحظه‌ای<sup>۷</sup> از صدام حسین دریافت کردند<sup>۸</sup>: اسلحه، زره‌پوش

۱- فرانسه در سال ۱۹۸۷ چهارده عضو دیگر سازمان مجاهدین خلق را به کشور گابن تبعید کرد. از این تعداد پس از آنکه مجاهدین خلق ۴۰ روز تمام جلو سفارت‌های فرانسه در سراسر اروپا اعتصاب غذا کردند و یک نفر هم تهدید به خودسوزی کرد، تقریباً همه به فرانسه یا اسپانیا بازگشتند. نگاه کنید به مقاله: «فرانسه اپوزیسیون خمینی را اخراج می‌کند» نوشته: ابراهیم یوسف. ام؛ در روزنامه نیویورک تایمز ۸ ماه دسامبر ۱۹۸۷.

Ibrahim Youssef M. „France is Expelling Iranian Opponents of Khomeini”

۲- همان‌جا؛ راند؛ انستیتوی ملی تحقیقات دفاعی.

۳- «پایگاه اشرف» به یاد بود اشرف ربیعی، همسر اول مسعود رجوی، نام گذاری شده بود. اشرف ربیعی در فوریه سال ۱۹۸۲ در درگیری با نیروهای سپاه پاسداران کشته شد. رجوع کنید به:

[https://en.wikipedia.org/wiki/Camp\\_Ashraf](https://en.wikipedia.org/wiki/Camp_Ashraf)

۴- مارک ادموند کلارک؛ همان‌جا؛ فصل ۴؛ صص. ۶۵-۷۴

۵- در کنار مقر اصلی اردوگاه اشرف، پایگاه‌های نظامی «اردوگاه انزلی» در نزدیکی چلولا؛ «اردوگاه فائزه» در کوت؛ «اردوگاه حبیب» در بصره، «اردوگاه همایون» در العمارة؛ «اردوگاه بنیاد» در نزدیکی مقداده؛ و بالاخره «اردوگاه لیبرتی» که بعد از کمپ اشرف درست شده بود؛ نیز وجود داشتند.

۶- مقایسه کنید با:

The Wall Street Journal, Andrew Higgins & Jay Solomon, "Strange Bedfellow - Called A Terror Cult by Many, MEK Wins Friends in U. S. Because It Opposes Tehran", 29 November 2006.

۷- رجوع کنید به:

Mark Edmond Clark, همان‌جا؛ ص. ۶۵

۸- در سال ۱۹۸۶ صدام حسین قول داد که در صد معینی از در آمد سالانه نفت را در اختیار مجاهدین خلق قرار دهد تا بدین وسیله رژیم خمینی را سرنگون کنند. در این مورد ویدئویی وجود دارد که در آن صدام حسین یک پاکت دلار ایالات متحده را به گونه نمادین به مسعود رجوی تقدیم میکند تا حمایت مالی خود از مجاهدین خلق را بدین وسیله به اثبات رساند. بدین طریق مجاهدین خلق این اختیار را دارند که شریک فروش نفت عراق بشوند. پول حاصل از فروش نفت سرمایه اصلی‌ای بود که مجاهدین خلق توانستند امپراطوری مالی خود را از طریق خرید سهام‌ها و سرمایه‌گذاری در کشورهای مختلف جهان بنا کنند.

و ماشین‌های نظامی. در ازای این کمک‌ها مجاهدین می‌بایست در جنگ ایران و عراق با «ارتش‌رهایی بخش ملی» که در ۲۰ ژوئن ۱۹۸۷ ایجاد کرده بود، علیه ارتش ایران شرکت کنند.<sup>۱</sup>

طی جنگ ایران و عراق مجاهدین خلق به طور منظم به قشون ایران در نزدیکی مرز حمله کردند و چندین بار به خاک ایران وارد شدند. آن‌ها از طریق اعضای خود در ایران اطلاعات مهم نظامی و محرمانه رژیم ایران را در اختیار صدام حسین قرار می‌دادند تا بدین ترتیب ارتش عراق در عملیات نظامی علیه ارتش ایران امتیاز بیشتری داشته باشد.<sup>۲</sup> نیروی هوایی ایران در مقابله با این حملات مجاهدین چندین بار به پایگاه «اشرف» حمله کرد که به کشته و زخمی شدن تعداد زیادی از اعضای مجاهدین خلق منجر شد.<sup>۳</sup>

شب شنبه ۱۸ ماه ژوئن سال ۱۹۸۸ ارتش عراق همراه با مجاهدین خلق عملیات «چهل ستاره» علیه نیروهای ضربتی ایران در اطراف مهران را آغاز کرد. در این حمله که در آن از گاز اعصاب هم استفاده شده بود، بیش از سه هزار نفر کشته شدند.<sup>۴</sup> رهبری مجاهدین خلق پس از استقرار در عراق ساختن شخصیت در خور پرستش مسعود رجوی را آغاز کردند، شخصیتی که هر نوع آزادی بیان، رشد شخصیت فرد و هر نوع قاعده و اصول دمکراتیک در درون سازمان مجاهدین خلق را یکسره از میان برده بود.<sup>۵</sup>

---

۱- عملیات نظامی ای که مجاهدین خلق با پشتیبانی ارتش عراق علیه ایران انجام دادند به قرار زیر بود: «عملیات خورشید تابان»: حملات مجاهدین خلق در جبهه شمال به تاریخ ۲۷ مارس ۱۹۸۸، «عملیات فروغ جاویدان» به تاریخ ۲۶ تا ۲۸ ژوئیه سال ۱۹۸۸ هفت روز پس از نخستین آتش بس جنگ ایران و عراق، هفت هزار رزمنده مجاهد به شهر کرمانشاه حمله کردند.

۲- رجوع کنید به:

Global Security.org, Military, „Mujahedin-e Khalq Organization (MEK or MKO); National Liberation Army of Iran (NLA); People's Mojahedin of Iran (PMOI); National Council of Resistance (NCR); National Council of Resistance of Iran (NCRI); Muslim Iranian Student Society"; <https://www.globalsecurity.org/military/world/para/mek.htm>.

۳- نخستین حمله ای جت های جنگی اف-۴ در تاریخ ۶ آوریل سال ۱۹۹۲ صورت گرفت که در آن از راکت و بمب های خوشه ای استفاده شده بود. حمله هوایی دیگری در روز ۲۶ ماه مه سال ۱۹۹۳ علیه اردوگاه اشرف و جلالت (در نزدیکی سلیمانیه) با ۱۲ جت جنگی انجام شد. مقایسه کنید با همان‌جا:

[https://en.wikipedia.org/wiki/Camp\\_Ashraf](https://en.wikipedia.org/wiki/Camp_Ashraf)

۴- رجوع کنید به:

Center for Strategic and International Studies, Anthony H. Cordesman, The Lessons of Modern War - Volume II: Iran- Iraq War, - Chapter 2: The Conditions That Shaped The Iran - Iraq War. "The Combination of Iraqi offensives and Western intervention force Iran to accept a cease-fire: September 1987 to March 1989", PDF: section 10.14 "Iraq's Offensives at Mehran and Majnoon", Washington, USA, May 1990, page 40.

۵- مارک ادmond کلارک: همان‌جا؛ ص. ۶۸.

## حکم اعدام علیه علی زرکش

علی زرکش یزدی در سال ۱۳۲۸ به دنیا آمد<sup>۱</sup> و هم‌زمان با تحصیل در رشته‌ی مهندسی عمران در دانشگاه تهران به عضویت مجاهدین خلق درآمد. در سال ۱۳۵۱ به دلیل عضویت در سازمان مجاهدین خلق دستگیر و به ده سال زندان محکوم شد. در جریان انقلاب آزاد شد و به عضویت کمیته مرکزی درآمد. پس از ترور موسی خیابانی، وی از سوی مسعود رجوی به عنوان جانشین وی یا فرمانده شاخه‌ی نظامی مجاهدین خلق منصوب شد. اما به دلیل سرکوب مجاهدین خلق در ایران، مجبور شد ایران را ترک کند و در سال ۱۹۸۳ به پاریس برود.

علی زرکش توسط مسعود رجوی به معاونت و فرمانده عالی ارتش آزادیبخش ایران (ارتش مجاهدین خلق) ارتقا یافت. با این حال، زمانی که علی زرکش بعداً با ایدئولوژی فرقه‌ای که مسعود رجوی در مجاهدین خلق اعمال می‌کرد مخالفت کرد، توسط مسعود رجوی به اعدام محکوم شد<sup>۲</sup>. علی زرکش در عملیات فروغ جاویدان (تیر ۱۳۶۷) در قصر شیرین به شهادت رسید.

حکم اعدام علی زرکش یکی دیگر از فصل‌های غم‌انگیز تاریخ این سازمان است.

### عملیات «فروغ جاویدان»

مجاهدین خلق شش روز پس از قبول قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل متحد جهت پایان دادن به جنگ هشت ساله<sup>۳</sup> از سوی آیت‌الله خمینی روز ۲۶ ژوئیه ۱۹۸۸ عملیات نظامی گسترده‌ای به نام «فروغ جاویدان» علیه ایران آغاز کردند. هدف این حمله این بود که پس از تصرف شهرهای کرمانشاه، همدان، زنجان و ساوه به تهران وارد شوند و رژیم خمینی را سرنگون کنند. در این عملیات که با حمایت نیروی هوایی عراق صورت گرفت تقریباً هفت هزار رزمنده مجاهد خلق شرکت داشتند. مسعود رجوی معتقد بود که نیروهای ضربتی ایران در اثر سال‌ها جنگ خسته شده و در نتیجه دیگر انگیزه‌ای برای جنگیدن علیه مجاهدین خلق ندارند. همین‌طور هم مسعود رجوی و دیگر نیروهای رهبری سازمان بر این باور بودند که نیروهای نظامی و مردم ایران از مجاهدین حمایت و علیه رژیم حاکم

۱- نگاه کنید به:

[https://fa.wikipedia.org/wiki/علی\\_زرکش](https://fa.wikipedia.org/wiki/علی_زرکش)

۲- مقایسه کنید با:

[https://www.bbc.com/persian/tvandradio/2012/03/120305\\_hardtalk\\_saeed\\_shahsavandi](https://www.bbc.com/persian/tvandradio/2012/03/120305_hardtalk_saeed_shahsavandi)

۳- در تاریخ سوم ژوئیه سال ۱۹۸۸ کشتی‌های جنگی آمریکا یک هواپیمای مسافربری ایرانی را با ۲۹۰ مسافر سرنگون کردند با این فرض که هواپیمای مسافربری یک هواپیمای جنگی بوده است. این خطای تاسف بار سرانجام حکومت ایران را واداشت تا قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل متحد را در تاریخ ۱۸ ژوئیه سال ۱۹۸۸ بپذیرد. پس از آنکه ایران این قطعنامه را پذیرفت، آتش بس بین ایران و عراق در روز ۲۰ ماه اوت ۱۹۸۸ به اجرا درآمد.



ایران عمل خواهند کرد. این تصور با واقعیت خوانایی نداشت و بنابر این کنار گذاشته شد. برعکس، جنگ مسلحانه علیه قشون ایران به روی گردانی بخش وسیعی از مردم ایران از مجاهدین خلق منتهی شد.

مجاهدین خلق توانستند حدود ۱۴۰ کیلومتر به داخل خاک ایران رخنه کنند، اما از سوی سپاه پاسداران و ارتش ایران و همین‌طور نیروی هوایی دفع شدند، به‌طوری‌که با تأسف تلف شدن ۱۲۰۰ نفر را اعلام کردند.<sup>۱</sup> روز ۲۹ ژوئیه سال ۱۹۸۸ رزمندگان باقی‌مانده مجاهدین خلق مجبور به بازگشت به عراق شدند. نیروی هوایی عراق زخمی‌ها را جهت مداوا به بغداد منتقل کرد.<sup>۲</sup> عملیات ارتش ایران علیه مجاهدین خلق در آن زمان به عنوان «عملیات مرصاد» شناخته شد.<sup>۳</sup> در درگیرهای بین مجاهدین خلق و سپاه پاسداران ایران از کشته شدن ۱۳۰۴ نفر و زخمی‌شدن ۱۱۰۰ تن دیگر خبر داده شد.<sup>۴</sup> آیت‌الله خمینی با «فتوای»<sup>۵</sup> قتل عام زندانیان سیاسی که اکثر آن‌ها را مجاهدین خلق تشکیل می‌دادند (کشتار ۶۷) نسبت به این حمله‌ی مجاهدین واکنش نشان داد. این اعدام‌ها بعداً به عنوان جنایت علیه بشریت توصیف شد زیرا از ماه ژوئیه تا سپتامبر سال ۱۹۸۸ چهار هزار و پانصد زندانی سیاسی اعدام شدند.<sup>۶</sup>

مسعود رجوی خود هیچ خطایی را نپذیرفت و اغلب تلاش می‌کرد شکست سازمانش را به گردن دیگران بیاندازد. او در جلسه‌ای که با مریم رجوی در سازمان برگزار کردند، به اعضا گفت که می‌داند چرا مجاهدین خلق در عملیات «فروغ جاویدان» شکست خوردند:

۱- براساس مصاحبه‌هایی که با مجاهدینی که در عملیات «فروغ جاویدان» شرکت کرده بودند، داشتم، تعداد کشته و زخمی‌های این عملیات ۱۳۰۰ نفر بود. تعدادی از رزمندگان مجاهد پس از این شکست نظامی به ایران بازگشتند. در مقاله ۱۳ ژوئیه سال ۲۰۰۳ در روزنامه نیویورک تایمز، نوشته الیزابت روبین تعداد کشته‌ها ۲۰۰۰ نفر ذکر شده است.  
۲- نگاه کنید به انجمن نجات: هادی شبانی «عملیات فروغ جاویدان» را توضیح میدهد، ۲۳ ژوئیه سال ۲۰۰۹  
۳- «عملیات مرصاد» از لغت فارسی بمعنی «کمینگاه» گرفته شده است. این آخرین عملیات نظامی علیه عراق و مجاهدین خلق بود که با پیروزی ایران پایان گرفت. مقایسه کنید با:

[https://www.youtube.com/watch?v=G\\_TBxstv\\_zc](https://www.youtube.com/watch?v=G_TBxstv_zc)

۴- نگاه کنید به وب سایت مجاهدین خلق:

<https://news.mojahedin.org/i/news/127346>

۵- ترجمه کلمه به کلمه فتوای خمینی از این قرار است: «چون اعضای خائن مجاهدین خلق به اسلام اعتقاد ندارند با وجودی‌که ادعای دیگری دارند و بخاطر جنگ های منظم نظامیشان در مرزهای شمالی، غربی و جنوبی ایران، بخاطر همکاری آن‌ها با حزب بعث عراق و جاسوسی برای صدام حسین علیه ملت مسلمان ما، بخاطر ارتباط آن‌ها با غرب و ضربات بی رحمانه‌ای که از همان آغاز به جمهوری اسلامی زده‌اند، باید همه‌ی اعضای مجاهدین خلق و همه کسانی‌که از مجاهدین خلق همچنان پشتیبانی می‌کنند دشمن شمرده و بنابر این اعدام شوند.» مقایسه کنید به

<https://de-academic.com/dic.nsf/dewiki/2501422>

۶- مقایسه کنید با:

[https://de.qaz.wiki/wiki/1988\\_executions\\_of\\_Iranian\\_political\\_prisoners](https://de.qaz.wiki/wiki/1988_executions_of_Iranian_political_prisoners) - <https://the-diplomat.com/2013/07/the-forgotten-mass-execution-of-prisoners-in-iran-in-1988/> & <https://www.welt.de/debatte/kommentare/article6075579/Die-V-erbrehen-des-irani-schen-Regimes.html>

«علت اصلی این بوده است که آن‌ها بجای این‌که بر جنگ متمرکز باشند به همسرانشان فکر می‌کرده‌اند»<sup>۱</sup>.

نظر به این واقعیت که اکثر رزمندگان آن زمان مجاهدین خلق را جوانان ایرانی‌ای تشکیل می‌دادند که بیشترشان در دانشگاه‌ها<sup>۲</sup> و دانشکده‌های گوناگون اروپا و آمریکا تحصیل می‌کردند و از این‌رو آموزش نظامی ندیده بودند<sup>۳</sup>، امروزه این سؤال مطرح می‌شود که رهبری مجاهدین خلق چگونه جرات کرده است زندگی جوانان بی‌شماری را چنین سهل‌انگارانه و بی‌مسئولیت به مخاطره اندازد<sup>۴</sup>. افزون بر این، این وضعیت نیز پیش آمد که — همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد — ۴۵۰۰ زندانی سیاسی که اکثر آن‌ها از هواداران و اعضای سابق مجاهدین خلق بودند، می‌بایست در تابستان سال ۱۹۸۸ جان خود را از دست بدهند. از این‌رو، برای باورم که نه تنها رهبری جمهوری اسلامی ایران باید روزی به دلیل زیر پا گذاشتن پایه‌ای‌ترین حقوق بشر در مقابل قانون پاسخ‌گو باشد، بلکه رهبری مجاهدین خلق نیز که حق اعضای خود به زندگی را زیر پا گذاشته است، باید روزی جواب‌گوی اعمال خود باشد.

۱ — نگاه کنید به ویدئو در یوتیوب به زبان فارسی با زیرنویس انگلیسی؛ بخش از ۱۲:۳۹ تا ۱۳:۲۹ (دقیقه-ثانیه): <https://www.youtube.com/watch?v=G3fdocah1EE>

۲ — بخاطر فعالیت «کمیته دفاع از حقوق بشر در ایران» که از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۷ مسئول آن بودم و از سال ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۵ به عنوان معاونت بخش پناهندگی و مهاجرت در وزارت کشور اتریش مناسبات شغلی خوبی که با کمیسیون اعطای بورس تحصیلی به پناهندگان پذیرفته شده در اتریش داشتم، موفق شدم امکان دریافت بورس تحصیلی را برای تعداد زیادی از پناهندگان فراهم کنم تا بتوانند در دانشگاه‌های اتریش تحصیل کنند. با مذاکره پی‌درپی با رئیس آن زمان کمیسیون، پرفسور دکتر گونتر وینکلر، موفق شدم امکان دریافت بورس تحصیلی برای تعدادی از هواداران مجاهدین خلق که طبق کنوانسیون ژنو سال ۱۹۵۱ به عنوان پناهنده شناخته شده بودند را فراهم کنم. از این تعداد دو نفر دوره پیش‌دانشگاهی را ظرف ۶ ماه به پایان بردند و در سال تحصیلی بعد در دانشگاه تکنیک وین بهترین مدرک تحصیلی را بدست آوردند. در پایان سال ۱۹۸۷ و آغاز سال ۱۹۸۸ این دانشجویان ناپدید شدند و دیگر نتوانستم آن‌ها را پیدا کنم. پس از تقریباً یک سال خبردار شدم که رهبری مجاهدین خلق به این دانشجویان جوان دستور داده بود که برای شرکت در «عملیات فروغ جاویدان» به عراق بروند. تمام این دانشجویان در عملیات فروغ جاویدان کشته شدند. درباره‌ی تعداد هواداران مجاهدین خلق در وین که با دخالت من در این کمیسیون بورس تحصیلی دریافت کردند نمی‌توانم نظر دقیقی بدهم این تعداد احتمالاً بین ۶ تا ۸ نفر بود.

۳ — این جوانان و دانشجویان طبق اظهار نظر بازماندگان عملیات نظامی «فروغ جاویدان»، فقط در رابطه با کار با اسلحه آموزش دیده و جز این هیچ آموزشی درباره‌ی جنگیدن ندیده بودند.

۴ — نظر به شکست عملیات نظامی «فروغ جاویدان» در آن زمان، مسعود رجوی معتقد بود که «شکست عملیات «فروغ جاویدان» شکستی نظامی نبود بلکه ریشه در تصور اعضا داشت که به فکر معشوقه‌های خود بودند. نگاه کنید به:

The Guardian, by Arron Merat, 'The long read Terrorists, cultists - or Champions of Iranian democracy' The wild wild story of the MEK, 9 November 2018; <https://www.theguardian.com>

## ۳.۳. مجاهدین خلق و کردها

### مشارکت مجاهدین خلق در سرکوب شیعیان و کردهای شمال عراق در سال ۱۹۹۱

مجاهدین خلق هم‌چنین در سال ۱۹۹۱ همراه با نیروی نخبه عراقی، گارد جمهوری خواه صدام حسین، در سرکوب خونین شورش کردها و اقلیت شیعه در شمال عراق شرکت کردند<sup>۱</sup>. رهبری مجاهدین خلق در آن زمان شیعیان شمال عراق را متحدین رژیم در تهران می‌پنداشتند و به همین جهت در دشمن دانستن آن‌ها تردید نمی‌کردند<sup>۲</sup>. اسنادی وجود دارد که نشان می‌دهد مریم رجوی از طریق بی سیم از هم‌زمان خود خواست: «کردها را با زره پوش زیر بگیرد و گلوله‌های تان را برای سپاه پاسداران ایران نگهدارید»<sup>۳</sup>. صدام حسین برای تشکر از مجاهدین خلق بخاطر شرکت در سرکوب شیعیان و کردهای شمال عراق «مدال رافضین» که یکی از نشان‌های ممتاز ارتش عراق است را به مسعود رجوی اعطا کرد<sup>۴</sup>.

۱- مارک ادموند کلارک؛ همان‌جا؛ ص. ۶۷ و راند؛ انستیتوی ملی تحقیقات دفاعی، همان‌جا، ص. ۲۶،  
۲- نگاه کنید به:

The US Army War College Quarterly: Parameters, Gawdat Bahgat, 'United States-Iranian Relations: The Terrorism Challenge', Volume 38, Number 4 Parameters Winter 2008, 11-1-2008, USAWC Press, Carlisle, Pennsylvania, page 101 - <https://press.armywarcollege.edu/parameters/vol38/iss4/1>.

۳- نگاه کنید به:

The New York Times, Elizabeth Rubin, 'The Cult of Rajavi', 13, July 2003; <https://www.ny-times.com/2003/07/13/magazine/the-cult-of-rajavi.html> & The Intercept, Ali Gharib, Eli Clifton, 'LONG MARCH OF THE YELLOW JACKETS', February 26, 2015; <https://theintercept.com/2015/02/26/long-march-yellow/>.

۴- راند؛ انستیتو ملی پژوهش‌های دفاعی، همان‌جا، ص. ۶۲.

## بحران کردها در سال ۱۹۹۱

بحران کردها بطور کلی به عنوان شورش سال ۱۹۹۱ کردها که طی جنگ دوم خلیج در سال ۱۹۹۱ و کمی پس از آن اتفاق افتاد، تعریف می‌شود.<sup>۱</sup> شیعیان و کردها به دلیل شکست نظامی صدام حسین پس از تهاجم به کویت علیه نیروهای مؤتلف شورش کردند. روز سوم مارس سال ۱۹۹۱ معلوم شد که شورشیان شیعه جنوب عراق، بصره، دومین شهر بزرگ عراق را فتح کرده‌اند. واحدهای ارتش عراق دو روز بعد آن را باز پس گرفتند. در شمال عراق رهبران کرد که به وعده حمایت آمریکا در صورت شورش مردم علیه صدام حسین اعتماد کرده بودند، قیام علیه رژیم بغداد را آغاز کردند، اما از آن‌جاکه آمریکا از آن‌ها پشتیبانی نکرد، ژنرال‌های عراقی به آسانی به بیرحمانه‌ترین وجه واحدهای کرد را نابود کردند.<sup>۲</sup> یک میلیون کرد فرار کرده به ایران رفتند و بیش از ۶۵۰۰۰۰ هزار نفر از راه کوه به منطقه‌ی کردنشین ترکیه<sup>۳</sup>.

وضعیت صدها هزار پناهنده کرد در ایران و ترکیه، مخصوصاً در مرز بین عراق و ترکیه، از سوی سازمان‌های امداد بین‌المللی فاجعه بار توصیف شد.<sup>۴</sup> ایران و ترکیه هیچ یک برای رسیدگی به این تعداد پناهنده آمادگی نداشتند. از این رو بود که جامعه بین‌المللی خود را موظف دانست فوراً به آن‌ها کمک کند. دولت ترکیه ابتدا از پذیرش پناهنده به کشور خود، خودداری کرد. اما در پی فشار بین‌المللی، سرانجام اجازه داد ۱۶۰ هزار پناهنده کرد، مخصوصاً کودکان، زنان و بیماران، در اردوگاهی زیارتی در نزدیکی شهر مرزی جیزره (Cizre) اسکان داده شوند.<sup>۵</sup>

---

۱- در ۲۲ اگوست ۱۹۹۰ ارتش عراق با حدود صد هزار نیرو به کویت حمله کرد و مناطق استراتژیک را به دست آورد. چند ساعت پس از آغاز تهاجم، شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه ۶۶۰ را تصویب کرد که تهاجم را محکوم کرد و خواستار خروج نیروهای عراقی شد. در ۹ اگوست ۱۹۹۰، شورای امنیت سازمان ملل متحد به اتفاق آرا قطعنامه ۶۶۲ را تصویب کرد که الحاق کویت به عراق را "باطل" اعلام کرد و خواستار احیای حاکمیت، استقلال و تمامیت ارضی کویت شد. یک اتحاد نظامی متشکل از ۳۴ کشور با مجموع ۶۶۰۰۰۰۰ سرباز تشکیل شد. در ۱۷ ژانویه ۱۹۹۱، اتحاد نظامی به ریاست ایالات متحده آمریکا جنگ هوایی گسترده علیه ارتش عراق را آغاز کرد (عملیات «طوفان صحرا»). با تهاجم زمینی اتحاد نظامی، شهر کویت در ۲۷ فوریه آزاد شد. در ۱۲ آوریل ۱۹۹۱، آتش بس بین عراق و نیروهای ائتلاف به اجرا درآمد و رسماً به جنگ پایان داده شد. تحریم‌های اقتصادی پس از جنگ علیه عراق اعمال شدند. رجوع کنید به: [https://en.wikipedia.org/wiki/Gulf\\_War](https://en.wikipedia.org/wiki/Gulf_War)

۲- مقایسه کنید با:

[https://en.wikipedia.org/wiki/1991\\_uprisings\\_in\\_Iraq](https://en.wikipedia.org/wiki/1991_uprisings_in_Iraq)

۳- شورای امنیت سازمان ملل متحد در ۵ آوریل ۱۹۹۱ قطعنامه ۶۸۸ را در محکومیت سرکوب کردها و دیگر اقلیت‌ها در عراق تصویب کرد. در ۹ آوریل، با قطعنامه ۶۸۹، شورای امنیت این اقدام را با اعزام نیروی ناظر به مرز عراق و کویت تکمیل کرد. نگاه شود به:

[https://en.wikipedia.org/wiki/Gulf\\_War](https://en.wikipedia.org/wiki/Gulf_War) .

۴- رجوع کنید به روزنامه اتریشی:

Salzburger Nachrichten vom 10. April 1991, ۵ صفحه

۵- در همان روزنامه اتریشی بتاريخ ۱۶ آوریل ۱۹۹۱ در صفحه ۱.

## کمک‌های دولت اتریش به کردها

دکتر آلوویس مُک (Alois Mock)، وزیر امور خارجه‌ی آن زمان اتریش، در چارچوب بحث‌های مربوط به سیاست خارجی در نشست‌هایی که در روز ۱۷ آوریل سال ۱۹۹۱ در پارلمان اتریش صورت گرفت، گزارش ویژه‌ای از تلاش‌های دولت اتریش جهت حل مسأله کردها ارائه کرد. در این گزارش به نقش فعال دولت اتریش در افزایش کمک‌های گسترده بشردوستانه به پناهندگان کرد در ایران و ترکیه اشاره شده است. وزیر داخله آن زمان اتریش، فرانز لوشناک، (Franz Löschnak) قبول کرده بود که با کمک سازمان‌های بین‌المللی دویست پناهنده کرد را به اتریش بپذیرند. افزون بر این مُک (Mock)، وزیر امور خارجه گزارش داده بود که دولت اتریش با ابتکار خود در نزدیکی مرز ترکیه مناطق امنی برای پناهجویان کرد فراهم کرده است.<sup>۱</sup>

دکتر فرانز فرانیتسکی (Franz Vranitzky)، نخست‌وزیر وقت اتریش، طی نطقی گزارش کمک‌های اتریش به کردها را به اطلاع کابینه رساند. در آن زمان دولت اتریش با تصمیمی که روز ۹ آوریل سال ۱۹۹۱ گرفت، کمک مالی برای اقدامات بشردوستانه به مبلغ ۱۵۰ میلیون شیلینگ را در اختیار پناهندگان کرد قرار داد.<sup>۲</sup>

## دو ماموریت به ترکیه و پذیرش پناهجویان کرد به اتریش

در پی بحث‌های مربوط به امور خارجه در پارلمان اتریش در روز ۱۷ آوریل ۱۹۹۱ و تصمیم وزیر امور داخله، فرانز لوشناک (Franz Löschnak)، مبنی بر پذیرش پناهجو به اتریش، به همکارم ژوزف روربک (Josef Röhrböck) و من ماموریت داده شد تا به ترکیه سفر کنیم و با مصاحبه با پناهجویان کرد تعداد دویست نفر آن‌ها را برای پذیرش به اتریش انتخاب نماییم.

نخستین ماموریت به ترکیه از روز ۳۰ ماه مه تا ۶ ژوئن ۱۹۹۱ انجام گرفت. در این ماموریت با ۴۲۱ پناهجوی کرد در سفارت آنکارا، در شهر کایسری (Kayseri) و در اردوگاه پناهندگی سیواس (Sivas) مصاحبه شد. ماموریت دوم از ۳۰ ماه اوت تا پایان روز ۹ سپتامبر سال ۱۹۹۱ طول کشید.<sup>۳</sup> مصاحبه با پناهجویان کرد در دو کیلومتری مرز عراق در اردوگاه پناهندگی سیلویی (Silopi) انجام شد. شمار پناهجویانی که در ماموریت

۱- رجوع کنید به روزنامه اتریشی:

Wiener Zeitung, Nr. 91, vom 18. April 1991, ۲ و ۱ صفحات

۲ کمک‌های مربوطه برای براه انداختن اردوگاه‌ها و تهیه وسایل مورد نیاز برای پناهندگان کردی در ترکیه از طریق ارتش اتریش، کاریتاس، صلیب سرخ اتریش، بیمارستان مالترز و گروه خصوصی "بیمارستان اتریش" انجام پذیرفت. ۳ اعزام دوم به ترکیه ضروری بود زیرا در ماموریت اول فقط ۱۰۸ نفر پناهنده کردی در اتریش پذیرفته شدند.

دوم ما در ترکیه مصاحبه شدند ۸۹۷ نفر بودند. بدین ترتیب در دو مأموریت مان با ۱۳۱۸ نفر مصاحبه کردیم. در مجموع دولت اتریش در سرانجام ۲۰۴ پناهجویی کرد را پذیرفت.

## دو مورد در اردوگاه پناهندگی در مرز ترکیه و عراق

در مصاحبه‌های ما در اردوگاه پناهندگی سیلویپی با دو مورد در رابطه با مجاهدین خلق روبرو شدیم. مورد نخست مربوط به یک عضو سابق مجاهدین خلق بود. جوانی بین بیست تا ۲۵ ساله بود که شرح داد که چگونه موفق شده بود از اردوگاه اشرف در شمال بغداد به ترکیه فرار کند. از آنجایی که فکر می‌کرد به عنوان کرد ایرانی که از عراق فرار کرده بود مورد قبول هیئت اتریشی قرار می‌گیرد؛ اسم خود را به مقامات ترکیه داده بود که از او مصاحبه انجام گیرد. از جمله گفت که مجاهدین خلق در اردوگاه اشرف زندان و دستگاه قضایی خاص خود را برای اعضاء بوجود آورده‌اند. او گفت که می‌تواند نام چند نفر که در زندان مجاهدین بوده‌اند را به ما بگوید. او هم‌چنین در باره مقررات سفت و سخت در سازمان مجاهدین خلق صحبت کرد و این‌که هیچ‌کس حق انتقاد از رهبر، مسعود رجوی، را ندارد.<sup>۱</sup>

مورد دوم مربوط به یک پیشمرگه‌ی عراقی بود. او در پایان مصاحبه‌اش روایت کرد که فرمانده یک گروه پیشمرگه بوده که یک تانک عراقی را در نزدیکی موصل محاصره و از کار انداخته بودند، تانکی که با آن پیش تر به دو خانه حمله شده و تعداد زیادی غیر نظامی از جمله زن و کودک کشته شده بودند. وقتی سرنشینان تانک تسلیم شدند، پیشمرگه‌ها می‌خواستند سه سرنشین تانک را در جا اعدام کنند که با دخالت فرمانده از این کار جلوگیری شده است. او علاوه بر این، توضیح داد که این سه ایرانی زندانی که نه به عربی بلکه فقط می‌توانستند فارسی صحبت کنند، از اعضای مجاهدین خلق ایران بودند. آن‌ها همراه با گارد جمهوری‌خواه صدام حسین علیه کردها جنگیده بودند. این سه اسیر جنگی ایرانی سپس از آن مکان به استادیوم موصل منتقل شدند. در آنجا همراه با دیگر اسرای جنگی تحت نظارت صلیب سرخ بین‌المللی قرار گرفتند.<sup>۲</sup>

---

۱- جوزف و من مجبور شدیم پرونده این جوان ایرانی را رد کنیم، زیرا او یک کرد عراقی نبود، بلکه یک ایرانی بود که مدت زیادی در کمپ اشرف مانده بود..

۲- وقتی به وین برگشتم با بنی‌صدر و هدایت متین دفتری شرح حال این دو شخص را در میان گذاشتم. در حالی که بنی‌صدر به اظهارات دو مصاحبه‌شونده اعتقاد داشت، متین دفتری هرگونه آزار و اذیت و داشتن زندان در پایگاه اشرف و دخالت مجاهدین خلق در سرکوب کردها در شمال عراق در سال ۱۹۹۱ را رد کرد. اما پس از سال‌ها که از شورای ملی مقاومت خارج شده بود و نمی‌خواست با مجاهدین خلق ارتباطی داشته باشد، اظهارات این دو نفر را در مصاحبه‌های ما در عراق را تأیید کرد.

## حکم بازداشت مسعود و مریم رجوی و ۳۹ عضو دیگر مجاهدین خلق از سوی حکومت عراق

در ماه ژوئیه سال ۲۰۱۰ دیوان عالی جزایی عراق دستور دستگیری ۳۹ عضو سازمان مجاهدین خلق از جمله مسعود و مریم رجوی را صادر کرد. در این فرمان دستگیری ۳۹ عضو سازمان مجاهدین خلق «بر اساس دلیل و مدرک متهم به جنایت علیه بشریت» شده بودند. به این صورت که همراه نیروهای امنیتی پیشین عراق در سرکوب شورش سال ۱۹۹۱ علیه معاودین و کشتار شهروندان عراقی دست داشته اند. دستور حبس آن‌ها داده شده بود.<sup>۱</sup> در این رابطه جلال طالبانی (Jalal Talebani)، رهبر پیشین «اتحادیه میهنی»، در سال ۲۰۰۵ بر اساس مدارک مستند خواهان دستگیری مسعود رجوی شده بود.

۱- مقایسه کنید با:

REUTERS, by Muhanad Mohammed, "Iraqi court seeks arrest of Iranian exiles", 11 July 2010; <https://www.reuters.com/article/idUSLDE66A0A0>.





## ۴.۳. پایگاه‌های اشرف در عراق و آلبانی

### فعالیت مجاهدین خلق برای جذب نیروی تازه در «پایگاه اشرف»

پس از آنکه مجاهدین خلق «پایگاه اشرف» را ساختند، تعداد زیادی ایرانی داوطلب و هوادار از کشورهای اروپایی، کانادا و ایالات متحده به آنجا رفتند. گروه دومی که پس از سال ۲۰۰۳ به «اردوگاه اشرف» پیوستند هوادارانی بودند که پس از آزادی از زندان مجاهدین خلق دو باره با آن تماس گرفتند و به «پایگاه اشرف» منتقل شدند.<sup>۱</sup> مجاهدین خلق تلاش‌های دیگری هم برای جذب اعضای جدید کردند.

به سربازان ایرانی که در جنگ از سوی نیروهای دشمن اسیر شده بودند، قول بازگشت به ایران داده شده بود به شرطی که حاضر باشند از زندان‌های عراق به اردوگاه‌های تحت اداره مجاهدین خلق منتقل شوند.<sup>۲</sup> بسیاری از اسیران جنگی ایرانی این قول ارتش عراق را باور کردند و امیدوار بودند که بدین ترتیب به ایران بازگردانده شوند بدون این‌که بدانند فقط صلیب سرخ بین‌المللی مسئول چنین امری است و نه مجاهدین خلق. بدین شیوه بود که مجاهدین خلق توانستند اسرای جنگی زیادی را به «اردوگاه اشرف» جذب کنند، با این هدف که از طریق تلقین و اعمال نفوذ هدفمند این اسرای جنگی را به خود جذب کنند.

یکی از شیوه‌های جذب نیروی جدید این بود که خویشاوندان جوان اعضای مجاهدین خلق در «پایگاه اشرف» به عراق دعوت شوند. برای هدایت آن‌ها به «پایگاه اشرف» از جمله از این تازه‌واردان خواسته می‌شد تا از موزه‌ای که مجاهدین در اردوگاه اشرف بنا

۱- مصاحبه با هواداران سابق مجاهدین خلق.

۲- راند؛ انستیتو ملی پژوهش‌های دفاعی، همان‌جا، ص. ۳۹.

۳- نگاه کنید به:

کرده بودند که تاریخ و ایدئولوژی مجاهدین را نشان می‌داد؛ بازدید کنند. در این مناسبت‌ها به نیروهای جدید فیلم‌ها، ویدئوها و عکس‌های و حشمتاک از شکنجه و اعدام در زندان‌های ایران نشان داده می‌شد، با این وعده که مجاهدین خلق در آینده نزدیک «رژیم استبدادی» خمینی را سرنگون خواهند کرد و به آن‌ها گفته می‌شد که دیگر به ایران باز نگردند بلکه با مجاهدین خلق برای سرنگونی رژیم تهران همکاری کنند.<sup>۱</sup>

تجربه‌ی دیگر جذب نیرو این بود که خویشاوندان و دوستان مجاهدین در «پایگاه اشرف» با پرداخت هزینه مسافرت اقوام و دوستانشان در ایران، آن‌ها را تشویق به مسافرت به اردوگاه اشرف کنند. پس از این‌که اکثر این نیروهای تازه به صورت غیر قانونی به عراق منتقل شدند، مدارک شناسایی آن‌ها برای «نگهداری» گرفته می‌شد تا جلوی بازگشت آن‌ها به ایران یا مسافرت آن‌ها به کشور دیگری گرفته شود. بدین ترتیب، این افراد عملاً به زندانیان واقعی در «اردوگاه اشرف» تبدیل می‌شدند.<sup>۲</sup>

شیوه‌ی چهارم جذب نیروی تازه این بود که با کسانی که می‌خواستند به دلایل سیاسی و اقتصادی ایران را ترک کنند تماس گرفته، به آن‌ها قول داده می‌شد که سازمان هزینه مسافرت آن‌ها را به عهده می‌گیرد و قاچاقچیان آن‌ها را از ایران خارج می‌کنند اما این افراد بجای رسیدن به هدف‌هایی که مورد نظرشان بود، به «اردوگاه اشرف» هدایت می‌شدند. پنجمین استراتژی مجاهدین خلق برای جذب عضو جدید تماس گرفتن با ایرانیانی بود که در امارات عربی و ترکیه اقامت داشتند. به آن‌ها وعده می‌دادند که برای اشتغال، دریافت ویزا<sup>۳</sup>، پناهندگی در کشورهای اروپایی و ازدواج<sup>۴</sup> به عراق بروند. هدف اما این بود که آن‌ها را بعداً در «اردوگاه اشرف» نگهدارند.<sup>۵</sup> اگرچه شمار دقیق این نوع جذب نیرو مشخص نیست، می‌توان چنین تصور کرد که هفتاد در صد اعضای مجاهدین خلق ساکن «اردوگاه اشرف» در آن زمان، قربانی چنین فعالیت‌های مشکوک مجاهدین خلق بودند.<sup>۶</sup> در اطراف «اردوگاه اشرف» مراکزی ساختند تا بتوانند جلوی رفتن ساکنین از آن‌ها بگیرند. با همه‌ی این تدابیر، تعدادی از ساکنین اردوگاه موفق شدند خود را به

۱- مصاحبه‌ها با اعضای سابق مجاهدین خلق که هم در پایگاه‌های اشرف ۱ و ۲ و هم در آلبانی (اردوگاه اشرف ۳) بوده‌اند و سازمان را ترک کرده‌اند.

۲- راند؛ انستیتو ملی پژوهش‌های دفاعی، همان‌جا، ص. ۳۸.

۳- رجوع کنید به:

Der Spiegel, Luisa Hommerich, "The Cult-Like Group Fighting Iran", 18.02.2019; <https://www.spiegel.de/international/world/people-s-mujahedin-and-its-quiet-war-against-iran-a-1253507.html>

۴- به جوانها قول داده شده بود که علاوه بر امکانات شغلی در اردوگاه اشرف، امکان ازدواج با یک دوشیزه مجاهد و آغاز یک زندگی نیز وجود دارد. مقایسه کنید با:

The New York Times, Elizabeth Rubin, "The Cult of Rajavi", 13 July 2003, page 12 (print version).

۵- راند؛ انستیتو ملی پژوهش‌های دفاعی، همان‌جا؛ ص. ۳۸.

۶- همان‌جا؛ ص. ۶۳.

نظامیان ایالات متحده برسانند تا به کمک آن‌ها عراق را ترک کنند. نیروهای نظامی ائتلاف نتوانستند رهبران اردوگاه را از دیگر ساکنین آن جدا کنند تا بتوانند امکان‌هایی احتمالی کسانی که مایل به ترک «اردوگاه اشرف» بودند را ممکن سازند.<sup>۱</sup>

## خلع سلاح و رفتار نظامیان ایالات متحده آمریکا با مجاهدین خلق در سال ۲۰۰۳

نیروهای مسلح ائتلاف طی حمله سال ۲۰۰۳ به عراق تحت نام «عملیات آزادی عراق»، (Operation Iraqi Freedom) (OIF: Operation Irakische Freiheit)، مجاهدین خلق را یک دشمن و هدف نظامی توصیف کردند، زیرا ایالات متحده این گروه را همدست صدام حسین می‌دانست.<sup>۲</sup> به همین دلیل پایگاه اصلی مجاهدین خلق در بغداد هدف حملات هوایی شدید نیروهای مسلح ائتلاف قرار گرفت. همین‌طور هم بمب‌افکن‌های ایالات متحده به «اردوگاه اشرف» حمله کردند.<sup>۳</sup> در اثر این حمله، دست کم ۵۰ نفر کشته شدند.<sup>۴</sup> بعدها دلایل زیادی مبنی بر این‌که این بمب‌باران‌ها بخشی از معامله‌ی بین واشنگتن و تهران بوده است آورده شد. رژیم در تهران قصد خود مبنی بر باز پس فرستادن افرادی که مظنون به القاعده بودند را علنی کرد به شرط این‌که ایالات متحده مقر اصلی مجاهدین خلق را بمب‌باران کند.

چهار لشکر پیاده نظام ایالات متحده «اردوگاه اشرف» را محاصره و ساکنین آن را خلع سلاح کردند.<sup>۵</sup> بدین ترتیب آن‌ها تعداد ۳۰۰ تانک، ۲۵۰ زره پوش حامل خدمه، ۲۵۰ توپ و ده هزار تفنگ دستی ضبط و انبار مهمات مجاهدین را منفجر کردند.<sup>۶</sup> از این زمان به بعد مسعود رجوی، رهبر مجاهدین، از صحنه سیاسی محو و خبرهای تایید نشده حاکی از ناپدید شدن و مرگ اوست.<sup>۷</sup>

۱- همان‌جا؛ ص. ۴۸.

۲- همان‌جا؛ XVIIIص. (خلاصه)

۳- راند؛ انستیتو ملی پژوهش‌های دفاعی، همان‌جا؛ ص. ۴.

۴- مارک ادموند کلارک، همان‌جا، ص. ۶۹.

۵- نگاه کنید به:

The Huffington Post, Hajar Mojtahedzadeh as Contributor, 'The Real Face of Realpolitik: Cam Ashraf and the U.S. FTO', September 07, 2011; [https://www.huffpost.com/entry/the-real-face-of-realpoli\\_b\\_892469](https://www.huffpost.com/entry/the-real-face-of-realpoli_b_892469)

۶- زمانی‌که مجاهدین خلق مطلع شدند که سربازان ایالات متحده به بغداد نزدیک شده‌اند و سرنگونی صدام حسین نزدیک است، کلیه ی مدارک، عکس‌ها، فیلم‌ها و ویدئوهایی که نشان میداد مجاهدین خلق رابطه نزدیک با صدام حسین داشته‌اند را از بین بردند.

۷- مقایسه کنید با:

The Wall Street Journal vom 29 November 2006, همان‌جا.

۸- سرهنگ وزلی مارتین در سخنرانی‌ای تحت عنوان: «نفوذ ایران در عراق و سقوط اردوگاه لیبرتی» در روز ۷ اکتبر سال ۲۰۱۵ در کمیسیون سنای ایالات متحده شهادت داد که مسعود رجوی در اثر حمله‌ای زخمی شده و از آن

طی شش سال (۲۰۰۳ تا ۲۰۰۹) که نیروهای ائتلاف عراق را اشغال کرده بودند، رویکرد به زندانیان<sup>۱</sup> همواره به امر مهم تر و اختلاف برانگیزی در عملیات نظامی ایالات متحده تبدیل شد.<sup>۲</sup> نیروهای ائتلاف علاوه بر دستگیر شده‌گان در ماه آوریل ۲۰۰۳ حدود ۳۵۰۰ عضو سازمان مجاهدین خلق را دستگیر کردند. این تعداد را وزارت خارجه ایالات متحده از سال ۱۹۹۷ تا ۲۰۱۲ به عنوان FTO (سازمان خارجی ترور – Foreign Terror Organisation) تعیین هویت کرد.<sup>۳</sup> از این رو، نیروهای ائتلاف طبق مفاد قرار داد شماره ۳<sup>۴</sup> ژنو و حقوق نظامی ایالات متحده، مجاهدین خلق را به عنوان اسرای جنگی و دشمن می‌دانستند<sup>۵</sup> (Enemy prisoner of war – EPO).

در حالی که رهبری نظامی می‌خواست این رویکرد را در رابطه با مجاهدین خلق ادامه دهد، وزیر دفاع آن زمان، دونالد رمزفلد (Donald Rumsfeld) روز ۲۴ ژوئن سال ۲۰۰۴ اعضای مجاهدین خلق<sup>۶</sup> را بر اساس کنوانسیون شماره ۴ ژنو<sup>۷</sup> به عنوان غیر

پس در فرانسه اقامت دارد. مقایسه کنید با:

<https://www.globalsecurity.org/military/world/para/mek.htm>

اما به گفته منابع دیگر گفته می‌شود مسعود رجوی در گذشته است. دلیل گمانه‌زنی‌ها درباره مرگ رجوی سخنرانی شاهزاده سعودی، ترکی بن فیصل آل سعود، رئیس سابق سرویس مخفی عربستان سعودی بود که در برنامه سالانه مجاهدین خلق در پاریس در ۹ ژوئیه ۲۰۱۶ که در آن نیز میهمانان بین‌المللی متعددی حضور داشتند سخنرانی کرد و دو بار از رجوی به عنوان «مرحوم» یاد کردند. این اظهارات همچنین از سوی برخی از ناظران به عنوان منحرف کردن توجه مردم توصیف شد، زیرا گفته می‌شود که سرویس اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران به مسعود رجوی بسیار نزدیک شده بود که او را ترور کند. اما تا به امروز هیچ تایید یا تکذیب روشنی از سوی رهبری مجاهدین خلق صورت نگرفته است. آخرین باری که رجوی دیده یا شنیده شد در سال ۲۰۰۳ بود که در روز عاشورا، مراسم بزرگداشت رحلت امام حسین (ع) صحبت کرده بود. از آن زمان تاکنون هیچ کلیپ ویدیویی یا صوتی از او منتشر نشده است. مقایسه کنید با:

<https://iranjournal.org/panorama/iran-mudschahedin-rajavi> & <https://www.alarabiya.net/articles/2010/2F08/2F26/2F117689> &

<https://www.al-monitor.com/fa/contents/articles/originals/2016/07/iran-mek-mojahe-din-saudi-turki-bin-faisal.html> &

<https://ir.voanews.com/a/iran-mek-conference-paris-turki-feisal-rajavi-late/3410740.html>

۱- شمار کل دستگیر شدگان از سوی نیروهای مسلح ایالات متحده در عراق در پایتیز سال ۲۰۰۷ به بالاترین سطح و حدود ۳۶۰۰ نفر رسید.

۲- راند؛ انستیتو ملی تحقیقات دفاعی. همان جا، ص. ۱۰

۳- راند؛ انستیتو ملی تحقیقات دفاعی. همان جا.

۴- رجوع کنید به ماده ۴ کنوانسیون ژنو مربوط به رویکرد و رفتار در قبال اسرای جنگی ۱۲ اوت ۱۹۴۹. مقایسه کنید با: GENEVA CONVENTION RELATIVE TO THE TREATMENT OF PRISONERS OF WAR OF 12 AUGUST 1949 [https://www.un.org/en/genocideprevention/documents/atrocity-crimes/Doc.32\\_GC-III-EN.pdf](https://www.un.org/en/genocideprevention/documents/atrocity-crimes/Doc.32_GC-III-EN.pdf)

۵- راند؛ انستیتو ملی تحقیقات دفاعی. همان جا ص. ۱۹.

۶- مفاد کنوانسیون ۴ ژنو شامل کلیه افرادی می‌شود که بدون توجه به شرایط، در صورت درگیری مسلحانه به دست

نظامیانی که شامل حمایت هستند، تعیین هویت کرد.<sup>۱</sup> دلیل این تغییر سیاست از جمله این بود که کارمندان پنتاگون معتقد بودند که مجاهدین خلق منبع ارزشمند اطلاعات چه در رابطه با ایران و چه در رابطه با صدام حسین‌اند که می‌توانند به دولت ایالات متحده آمریکا خدمت کنند.<sup>۲</sup>

در ماه آوریل سال ۲۰۱۲ سیمون هرش (Seymour Hersh) برنده جایزه پولیتزر، گزارش داد که «فرماندهی عملیات مشترک ویژه ایالات متحده» (JSOC) مجاهدین خلق را از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹ در محلی پنهانی در نوادا آموزش داده<sup>۳</sup>، تا ارتباطات، رمزنگاری و کار با اسلحه را یاد بگیرند و با تاکتیک‌های واحدهای کوچک آشنا شوند. این تعلیمات تا به قدرت رسیدن رئیس‌جمهور، باراک اوباما، در سال ۲۰۰۹ ادامه یافت.<sup>۴</sup> ولی تغییر سیاست وزارت دفاع آمریکا در رابطه با رویکرد به اعضای مجاهدین خلق تناقضات فراوانی داشت<sup>۵</sup> و بسیاری از ناظران این پرسش را مطرح کردند که چرا اعضای یک سازمان ترور که ارتش آمریکا در آغاز آن‌ها را با هدفی خصمانه تعیین هویت کرده بود، بعدها به عنوان اشخاص مورد حمایت توصیف شدند.<sup>۶</sup> بدین جهت نیروهای ائتلاف<sup>۷</sup> مجبور بودند امنیت این به اصطلاح «غیر نظامیان» در «اردوگاه اشرف» را تا اول ژانویه ۲۰۰۹ به عهده بگیرند.<sup>۸</sup> از ماه ژانویه سال ۲۰۰۹ «اردوگاه اشرف» تحت اقتدار رژیم عراق قرار گرفت.

یک طرف درگیری یا یک قدرت اشغال‌گر می‌افتند که تابعیت آن کشور را ندارند. مقایسه شود با:

[https://de.wikipedia.org/wiki/Genfer\\_Konventionen](https://de.wikipedia.org/wiki/Genfer_Konventionen)

۱- راند؛ انستیتو ملی تحقیقات دفاعی. همان‌جا ص. ۵

۲- رجوع کنید به:

The Atlantic, Max Fisher, 'Blowback: In Aiding Iranian Terrorists, the U.S. Repeats a Dangerous Mistake', April 6, 2012; <https://www.theatlantic.com/international/archive/2012/04/blowback-in-aiding-iranian-terrorists-the-us-repeats-a-dangerous-mistake/255563/>

۳- رجوع کنید به:

Inside Arabia, Voice of the Arab People, by Sina Azodi and Giorgio Cafiero, 'MEK: Totalitarian Cult or Iran's Brightest Hope for 'Democracy'', August 5, 2019; <https://insidearabia.com/mek-totalitarian-cult-or-irans-brightest-hope-for-democracy/> & Der Spiegel, Luisa Hommerich, 'The Cult-Like Group Fighting Iran', 18.02.2019; <https://www.spiegel.de/international/world/people-s-mujahedin-and-its-quiet-war-against-iran-a-1253507.html>

۴- مقایسه شود با:

The New Yorker by Seymour M. Hersh, 'Our Men in Iran', April 5, 2012, <https://www.newyorker.com/news/news-desk/our-men-in-iran>.

۵- واکنش سرلشگر امریکایی، دگلاس ام استون، فرمانده آن زمان تاسک فورس ۱۳۴ (عملیات زندانیان) و معاون فرمانده نیروهای چند ملیتی عراق به این وضعیت پیچیده و متناقض این بود که از انستیتوی ملی تحقیقات دفاعی خواست تا تجزیه و تحلیل دقیقی پیرامون وضعیت آن زمان اردوگاه اشرف انجام دهد. نگاه کنید به راند؛ همان‌جا؛ ص. ۶

۶- راند؛ انستیتو ملی تحقیقات دفاعی. همان‌جا؛ ص. ۶

۷- لشگر ۵۳۰ نیروهای مسلح ایالات متحده مسئول کنترل ساکنین اردوگاه اشرف بود

۹- وظیفه لشگر ۵۳۰ نیروهای مسلح ایالات متحده این بود که مجاهدین خلق را جهت خرید هفتگی کالاهای حیاتی در شهرهای عراق اسکورت و همراهی کند. این همراهی اما، به کشته شدن ۱۴ سرباز امریکایی و زخمی شدن ۶۰ نفر دیگر منتهی شد که در مسیر خود با انفجار مواد منفجره دست ساز برخورد کردند. نگاه کنید به راند؛ انستیتو ملی

## حمله پلیس فرانسه

### به مقر مجاهدین خلق در پاریس در ژوئن ۲۰۰۳

بنا بر مشورت و همکاری ایالات متحده با مقامات امنیتی فرانسه، پلیس این کشور در ۱۷ ماه ژوئن سال ۲۰۰۳ به مقر اصلی مجاهدین خلق در اورسور اواز (Auvers-Sur-Oise) در چهل کیلومتری شمال پاریس حمله کرد. در این عملیات ۱۳۰۰ پلیس شرکت کردند. دلیل اصلی این حمله این بود که مقامات ایالات متحده بیم آن داشتند که مجاهدین خلق مقر اصلی خود در عراق و «اردوگاه اشرف» را به پاریس منتقل کنند و تاسیسات ایران و ایالات متحده در اروپا را مورد حمله قرار دهند. در این حمله خانم مریم رجوی همراه با ۱۶۰ نفر از ساکنین به دلیل مظنون بودن به فعالیت‌های تروریستی دستگیر شدند.<sup>۱</sup> بیشتر این افراد پس از بازجویی آزاد شدند اما ۲۴ عضو از جمله مریم رجوی همچنان در زندان باقی ماندند.

در این حمله‌ی گسترده ۹ میلیون دلار پول نقد و تعداد زیادی اسناد بانکی ضبط شد که نشان میداد مجاهدین خلق میلیون‌ها دلار دیگر در بانک‌های اروپا و آمریکا در اختیار دارند. همچنین ویدئوهایی از ملاقات مسعود رجوی با صدام حسین و ۹۹ دستگاه ردیابی ماهواره‌ای که با مختصات برای ایران برنامه‌ریزی شده بود را پلیس فرانسه ضبط کرد.<sup>۲</sup> در واکنش به این حمله پلیس، ۴۰ نفر از هواداران مجاهدین خلق در اعتراض به این دستگیری‌ها اعتصاب غذا کردند. ده عضو مجاهدین در پایتخت‌های مختلف اروپا و به دستور رهبری سازمان جلوی سفارتخانه‌های فرانسه خود را به آتش کشیدند.<sup>۳</sup>

## «پایگاه اشرف» به مثابه زندان

پس از محاصره اردوگاه اشرف و زندان ابوغریب در بغداد از سوی قشون ایالات

تحقیقات دفاعی؛ همان‌جا؛ ص: ۴۶.

۱- مقایسه کنید با:

The New York Times, Elizabeth Rubin, "The Cult of Rajavi", 13, July 2003; همان‌جا.

۲- رجوع کنید به:

BBC News, "Paris police target Iranian groups", 17 June 2003, <http://news.bbc.co.uk/2/hi/europe/2996132.stm>

۳- رجوع کنید به:

The Wall Street Journal vom 29. November 2006. همان‌جا & FRANCE 24, Life News, "The People's Mojahedin: exiled Iranian opposition", 03/01/2018, <https://www.france24.com/en/20180103-peoples-mojahedin-exiled-iranian-opposition>

۴- مقایسه شود با:

BBC News, "France investigates Iran exiles", 22 June 2003, <http://news.bbc.co.uk/2/hi/europe/3010422.stm>

متحده، پاره‌ای از اعضای مجاهدین که تحت عنوان «مرتد» سال‌ها در زندان بودند، آزاد شدند. «دیده بان حقوق بشر»، سازمان حقوق بشر مستقر در ایالات متحده، در بیانیه‌ی مطبوعاتی مورخ ۱۷ ماه مه سال ۲۰۰۵ گزارش مفصلی از نقض حقوق بشر در «اردوگاه اشرف» منتشر کرد.<sup>۱</sup> این گزارش بر اساس اظهارات چندین عضو پیشین مجاهدین خلق و پنج عضوی که به نیروهای مسلح عراقی تحویل داده شده بودند و در زندان ابوغریب تحت حکومت صدام حسین زندانی بودند، تهیه شده است. یک زندانی سابق گفت که از سپتامبر سال ۱۹۹۲ تا ژانویه سال ۲۰۰۱ مدت هشت سال و نیم مجبور بوده است در زندان انفرادی زندگی کند. مجاهدین خلق سپس او را به حکومت عراق تحویل داده‌اند. او تا سال ۲۰۰۳ در زندان ابوغریب بوده است. شاهدین هم‌چنین از کشته شدن دو عضو مجاهدین خلق طی بازجویی شان گزارش داده‌اند.<sup>۲</sup>

در ماه ژوئیه سال ۲۰۱۲ فرستاده ویژه دبیرکل سازمان ملل متحد در عراق، مارتین کوبلر (Martin Kobler)، مجاهدین را متهم به نقض حقوق بشر در مورد اعضای خود کرد. فرستاده ویژه سازمان ملل متحد به اعضای شورای امنیت سازمان ملل گزارش داد که زندگی روزمره در «اردوگاه اشرف» تحت کنترل شدید رهبری مجاهدین خلق قرار دارد و تعداد زیادی از ساکنین اردوگاه اشرف به سازمان ملل گزارش داده بودند که برای ثبت نام در کمیساریای عالی پناهندگی سازمان ملل متحد به هدف مسافرت به کشورهای دیگر و «برای برنامه اسکان مجدد» اجازه ندارند «اردوگاه اشرف» را ترک کنند. اعضای اجازه ندارند با اعضای خانواده‌ی خود چه خارج از عراق یا در «اردوگاه اشرف» تماس بگیرند. تعدادی از ساکنین «اردوگاه اشرف ۲»، «اردوگاه لیبرتی» و «همین‌طور «حریه» (Hurriya) گزارش دادند که از دسترسی آن‌ها به مراقبت پزشکی جلوگیری می‌شده است. دیگر ساکنین اردوگاه که با رهبری اردوگاه موافق نبودند از بدرفتاری با آن‌ها گزارش دادند. یکی از سخنگویان مجاهدین خلق طبق معمول این اتهامات را به عنوان مجاهدین بازدید کند را همیشه رد کرده‌اند.<sup>۳</sup>

۱- گزارش دیده بان حقوق بشر:

„No Exit: Human Rights Abuses Inside the MKO Camps“ - MKO = Mojahedin Khalq Organization.

۲- مقایسه کنید با:

Human Rights Watch, „Iran: Bewaffnete Organisation im Exil foltert Kritiker - Obskure Oppositionsgruppe sucht Anerkennung und Unterstützung im Westen“, 17. Mai 2005; <https://www.hrw.org/de/news/2005/05/17/iran-bewaffnete-organisation-im-exil-foltert-kritiker>

۳- رجوع کنید به:

Hyeran Jo (2015). *Compliant Rebels: Rebel Groups and International Law in World Politics*. Cambridge University Press. page 288. ISBN 978-1-107-11004-5.

## حملات نظامی جمهوری اسلامی به «پایگاه اشرف»

با انتخاب نوری کمیل المالکی<sup>۱</sup> (Nuri Kamil Al- Maliki) به عنوان نخست‌وزیری که رابطه با جمهوری اسلامی را بهبود بخشید، نفوذ ایران هم در عراق افزایش یافت. یکی از خواست‌های اصلی ایران این بود که «اردوگاه اشرف» که فقط ۸۰ کیلومتر با ایران فاصل داشت به مناطق دور دست منتقل شود و در دراز مدت اعضای آن سازمان از عراق اخراج شوند.

روز اول ماه ژانویه سال ۲۰۰۹ «اردوگاه اشرف» تحت کنترل ارتش عراق قرار گرفت.<sup>۲</sup> روز ۲۹ و ۳۰ ژوئیه سال ۲۰۰۹ بین مجاهدین خلق در «اردوگاه اشرف» و نیروهای امنیتی

---

۱- نوری کمیل محمد حسن المالکی (متولد سال ۱۹۵۰) از ماه آوریل ۲۰۰۶ تا اوت ۲۰۱۴ نخست‌وزیر عراق بود. در سال ۱۹۶۳ به حزب اسلامی الدعوه که یک حزب شیعی زیر زمینی بود، پیوست. در سال ۱۹۷۹ به دلیل این‌که از سوی صدام حسین تحت تعقیب قرار گرفته بود، عراق را ترک و به اردن و سپس به سوریه و بعد به ایران رفت (سال ۱۹۸۲). مالکی بیشترین زمان دهه جنگ ایران و عراق (۱۹۸۰-۱۹۸۸) را در ایران گذراند و در سال ۱۹۸۹ به دمشق رفت. در دمشق رهبری شاخه الدعوه را به عهده گرفت. پس از آنکه نیروهای مسلح به رهبری ایالات متحده در ماه آوریل سال ۲۰۰۳ رژیم بعث عراق را سرنگون کردند، مالکی

به عراق بازگشت. او رئیس نیابتی کمیسیون اخراج کارگزاران پیشین حزب بعث از دولت بود و در سال ۲۰۰۵ به عضویت مجلس ملی انتقالی انتخاب شد. او در انتخابات پارلمان در ۱۵ دسامبر سال ۲۰۰۵ به عضویت «پیمان عراق متحده» بلوک شیعی درآمد و دوباره در مجلس انتخاب شد. پس از چهار ماه بحران وزارتی، بلوک «عراق متحده» در آوریل سال ۲۰۰۶ مالکی را کاندید کرد که دوباره نخست‌وزیر شد. دوران نخست‌وزیری مالکی با بی‌ثباتی همراه بود. ساکنین مناطق سنی نشین دست به اعتراض زدند و استعفای او را خواستار شدند. در میان رفتن اعتماد بین گروه‌های جمعیتی در نهایت به نفع مبارزین سنی رادیکال بود. در سال ۲۰۱۳ گروه القاعده در عراق با چندین گروه از گروه‌های رادیکال سوری تحت نام «حکومت اسلامی عراق و شام» و معروف به «حکومت اسلامی در عراق و سوریه» پیوست و در ژانویه سال ۲۰۱۴ این گروه کنترل بر مناطق عمدتاً سنی نشین در غرب عراق را آغاز و گروه‌های نظامی رژیم را وادار به عقب‌نشینی کرد. در ماه ژوئیه جنگ جویان حکومت اسلامی شهرهای مهم شمال عراق را تصرف کردند و به سرعت به پیشروی ادامه دادند تا این‌که نیروهای مسلح بین‌المللی در ماه اوت وارد جنگ با آن‌ها شده، مانع پیشروی آن‌ها شدند. این بحران به ضرر مالکی بود که مسئول اصلی حاشیه نشین ساختن سنی‌ها بشمار می‌رفت. در ماه آوریل ۲۰۱۴ «ائتلاف حاکمیت قانون» در انتخابات پارلمان اکثریت کرسی‌ها را کسب کرد، امری که راه نخست‌وزیر شدن مالکی را برای بار سوم هموار کرد، اما دیری نپایید که او به در اثر فشار داخل و خارج کشور به نفع حیدر العبادی که کمتر مورد اختلاف بود، استعفا داد. مقایسه کنید با:

<https://www.britannica.com/biography/Nuri-al-Maliki> & <https://www.encyclopedia.com/international/encyclopedias-almanacs-transcripts-and-maps/maliki-nuri-kamil-al-1950>

۲- رجوع کنید به:

UN-Security Council, Report of the Secretary-General pursuant to paragraph 6 of resolution 1883 (2009), S/2010/76, 8 February 2010, point 52, page 11; and UN-Security Council, Report of the Secretary-General pursuant to paragraph 6 of resolution 1883 (2009), S/2010/240, 14 May 2010, points 53 & 54, page 12.



عراق درگیری شدیدی رخ داد که در اثر آن یازده نفر کشته و ۵۰۰ نفر زخمی شدند. دلیل این کشتار خونین این بود که دولت در بغداد اعلام کرد که پس از عزیمت قشون امریکا دولت در «اردوگاه اشرف» یک ایستگاه پلیس تاسیس می‌کند.<sup>۱</sup>

## تغییر مکان مجاهدین خلق از «پایگاه اشرف» به «اردوگاه لیبرتی» «پایگاه اشرف ۲»

روز ۸ آوریل سال ۲۰۱۱ نیروهای مسلح عراق دوباره به «اردوگاه اشرف» حمله کردند.<sup>۲</sup> روز ۱۴ آوریل سازمان ملل متحد تایید کرد که در این حمله دست کم ۲۳ نفر کشته شده‌اند.<sup>۳</sup> رژیم عراق تا پایان سال ۲۰۱۱ به ساکنین «اردوگاه اشرف» مهلت داد تا این اردوگاه را ببندند. از این رو بود که در آغاز سال ۲۰۱۲ جابجایی مجاهدین خلق از «اردوگاه اشرف» به «اردوگاه لیبرتی» که از پایگاه‌های نظامی پیشین ایالات متحده در شمال شرقی بغداد بود، آغاز شد.<sup>۴</sup> از آن‌جاکه مجاهدین خلق حاضر نبودند «اردوگاه اشرف» را که سال‌ها در تاسیسات زیر بنایی آن سرمایه‌گذاری شده بود را بطور قطع ترک کنند، یک سوم اعضا همچنان در آن باقی ماندند.

روز اول سپتامبر سال ۲۰۱۳ نیروهای نظامی به «اردوگاه اشرف» حمله کردند. این حمله را میلیشیاى عراق به کمک کماندوهای ایرانی انجام دادند.<sup>۵</sup> در این حمله دست کم پنجاه عضو مجاهدین خلق کشته شدند و هفت نفر نیز روبرو و به ایران منتقل شدند.<sup>۶</sup> در آن زمان،

۱- رجوع کنید به:

Human Event, by Alicia M. Cohn, 'Iranian Exiles' White House Hunger Strike Continues'; <https://web.archive.org/web/20090923182121/http://www.humanevents.com/article.php?id=33654>

۲- مقایسه کنید با:

BBC News, 'Iran exiles killed in Iraq raid', 29 July 2009, <http://news.bbc.co.uk/2/hi/middle-east/8174055.stm>

۳- مقایسه کنید با:

207 BBC News, 'Iraq forces attack Iranian PMOI rebels at Camp Ashraf', 8 April 2011; <https://www.bbc.com/news/world-middle-east-13011469>.

۴- مقایسه کنید با:

The New York Times, by David Jolly, 'Iranian Group Seeks U.S. Shield after Iraqi Raid', April 13, 2011; <https://www.nytimes.com/2011/04/14/world/middleeast/14iht-iran14.html> & BBC News, 'Iraq raid on Iranian exiles' Camp Ashraf' killed 34'; <https://www.bbc.com/news/world-middle-east-13087538>.

۵- مقایسه کنید با:

The New York Times, Nilo Tabrizy, 'M.E.K.: The Group John Bolton Wants to Rule Iran', 7 May 2018.

۶- کتاب حزب الله و اصائب اهل الحق مسئول این حمله بودند.

۷- رجوع کنید به:

مشارکت مستقیم ایران در این حمله را ناظران نشانه‌ی آشکاری از افزایش قدرت رژیم ایران در عراق می‌دانستند، نیروی محرکه‌ای که تصمیم‌گیرندگان سیاسی آمریکا را شدیداً نگران کرده بود.<sup>۱</sup> زیرا نخست وزیر شیعه عراق نوری المالکی رابطه‌ی تنگاتنگی با سیاستمداران ارشد ایران داشت و دستگاه حکومتی اوپاما بر این باور بود که رژیم ایران زمینه را فراهم کرده تا در پائیز سال ۲۰۱۰ عراق از امضاء پیمان امنیتی دو جانبه با ایالات متحده که باقی ماندن چند واحد نظامی در عراق را ممکن می‌ساخت، خودداری کند.<sup>۲</sup>

تعیین روز اول سپتامبر برای حمله پرسش برانگیز است، این که آیا پاسداران هم مصمم بودند مانند دولت روحانی راهی برای نزدیکی به واشنگتن پیدا کنند؟ حمله در ماه سپتامبر صورت گرفت، چند ماهی پس از آنکه مذاکره‌کنندگان هر دو دولت ایران و ایالات متحده مذاکره محرمانه پیرامون مساله اتمی در عمان را آغاز کرده بودند. این مذاکرات سرانجام، به عقد قرار داد اتمی بین دولت عمان و حکومت ایران تحت ریاست جمهوری حسن روحانی منتهی شد. از این رو، دولت وقت ایالات متحده از این فرض حرکت کرد که حمله مرگ بار به گروهی که متحد ایالات متحده در عراق است نشانه این است که دست کم پاره‌ای از دست اندرکاران سیاسی در جمهوری اسلامی ایران در صدد اقداماتی جهت برهم زدن این تعادل شکننده‌اند.<sup>۳</sup>

روز ۲۹ اکتبر سال ۲۰۱۳ حمله موشکی دیگری به «اردوگاه حریه» انجام گرفت. در این حمله، دست کم، ۲۴ نفر از ساکنین این اردوگاه کشته شدند.<sup>۴</sup> روز ۲۹ اکتبر ۲۰۱۵ دوباره به اردوگاه «حریه یا همان لیبرتی» حمله موشکی شد که در اثر آن ۱۴۰ نفر کشته شدند.<sup>۵</sup> در ماه ژوئن سال ۲۰۱۴ رئیس کمیسیون روابط خارجی سنای ایالات متحده، روبرت مننذر (Robert Menendez) ویدئویی به مناسبت تظاهرات مجاهدین خلق در پاریس برای مریم رجوی فرستاد که در آن به او و طرفدارانش اطمینان داد که کمک ایالات متحده به عراق به رفتار آنان با چند هزار رزمنده مجاهد خلق که در «اردوگاه اشرف» هستند، وابسته است. این سناتور ایالات متحده گفت که او شخصاً به نخست وزیر وقت عراق، مالکی، گفته بود که توجه دولت عراق به امنیت اعضای مجاهدین خلق

Foreign Policy, by Yochi Dreazen, 'Exclusive: U.S. Fingers Iranian Commandos for Kidnapping Raid Inside Iraq', December 17, 2013; <https://foreignpolicy.com/2013/12/17/exclusive-u-s-fingers-iranian-commandos-for-kidnapping-raid-inside-iraq>

۱- همان جا

۲- همان جا

۳- همان جا

۴- رجوع کنید به همان جا:

Global Security.org, Military, „Mujahedin-e Khalq Organization (MEK (or MKO).

۵- از سال ۲۰۰۹ تا آغاز سال ۲۰۱۶ بیش از ۱۳۰۰ نفر از هواداران مجاهدین خلق در اثر حمله کماندوهای ایرانی زخمی شدند. Global Security همان جا.

در اردوگاه «حریه یا همان لیبرتی» عامل تعیین کننده ای در رابطه با هر نوع کمکی به عراق است.<sup>۱</sup>

تا ماه مه سال ۲۰۱۴ حدود سه هزار نفر از اعضای مجاهدین خلق در اردوگاه «حوریه یا لیبرتی» در نزدیکی بغداد منتظر اسکان مجدد در کشوری ثالث بودند.<sup>۲</sup> از آنجا که «اردوگاه لیبرتی» (اشرف ۲) مانند «اردوگاه اشرف ۱» از امکانات حفاظتی و دفاعی لازم برخوردار نبود، رهبری مجاهدی خلق مجبور بود راههای دیگری جهت حل دراز مدت مساله اعضای خود بیابد.

### ایجاد «پایگاه اشرف ۳» در کشور آلبانی

پس از آنکه فشار دولت عراق جهت اخراج مجاهدین خلق از این کشور افزایش یافت، رهبری سازمان تلاش برای انتقال اعضای خود به کشورهای اروپایی و ایالات متحده را آغاز کرد. تلاشی که به استثناء انتقال معدودی بی نتیجه ماند. با دخالت ایالات متحده، دفتر کمیساریای عالی پناهندگی سازمان ملل متحد در عراق مصاحبه با مجاهدین خلق را آغاز کرد و جهت «برنامه اسکان مجدد» به ثبت نام آنها پرداخت. اگرچه تعدادی از کشورهای اروپایی آمادگی خود برای پذیرش پناهندگی تعداد معینی از اعضای مجاهدین خلق را اعلام کردند.<sup>۳</sup> رهبری سازمان به اعضایی که از طریق کمیساریای عالی پناهندگی سازمان ملل متحد ثبت نام شده بودند و میخواستند که به کشورهای ثالث مهاجرت کنند، اجازه نداد که برنامه پیشنهادی کمیساریای عالی پناهندگی سازمان ملل متحد را قبول کنند. زیرا رهبری سازمان مجاهدین بیم آن داشت که با اجرای برنامه پذیرش به کشورهای دیگر، اعضای خود را از دست بدهد. به همین دلیل خواهان پذیرش کل اعضای خود به عنوان یک گروه شد<sup>۴</sup>. از این رو دولت آن زمان اوپاما از دولت آلبانی

۱- رجوع کنید به:

The Intercept, by Ali Gharib & Eli Clifton, 'Long March of the Yellow Jackets: How a One-Time Terrorist Group Prevailed On Capitol Hill', February 26, 2015; <https://firstlook.org/theintercept/2015/02/26/long-march-yellow/> & Text der Rede vom 28 June 2014: <https://english.mojahedin.org/newsen/29260/message-from-senator-robert-menendez-to-the-annual-iranian-gathering-in-paris>

۲- رجوع کنید به:

Council on Foreign Relations, Jonathan Masters, همان جا

۳- پذیرش اشخاصی که پیش از ورود به کشور عراق شرایط پناهنده یا اجازه اقامت در کشورهای مربوطه اروپایی را دارند.

۴- رجوع کنید به:

YouTube, Atlantic Council, 'Beyond Control: Iran and its Opponents Locked in a Lopsided Confrontation', A discussion with Borzou Daraghi, Jonathan Winer und Nader Uskowi, Sequenz: 25:35, of 22. Juli 2019; <https://www.youtube.com/watch?v=MOB0YSy-3Vk>.

خواست<sup>۱</sup> ابتدا سیصد نفر از اعضای مجاهدین را از عراق بپذیرد<sup>۲</sup>. نقل مکان مجاهدین خلق از عراق به آلبانی را کمیساریای عالی سازمان ملل متحد برای پناهندگی در ژنو (UNHCR) سازماندهی کرد<sup>۳</sup>.

از سال ۲۰۱۲ به بعد بقایای اعضای مجاهدین خلق بتدریج به آلبانی نقل مکان کردند<sup>۴</sup>. آنجا در نزدیکی تیرانا (Tirana) در منز (Manez) سومین محل سکونت اصلی خود «اشرف ۳» را ساختند<sup>۵</sup>. نقل مکان مجاهدین خلق از اردوگاه «لیبرتی» و «اشرف» به آلبانی در مجموع چهار سال طول کشید (۲۰۱۲ — ۲۰۱۶)<sup>۶</sup>. به طوری که بین سال ۲۰۱۴ و ۲۰۱۶ در مجموع ۲۷۰۰ عضو مجاهدین خلق با هوایمیای چارتر (Charter) به آلبانی منتقل شدند<sup>۷</sup>. مجاهدین خلق به مرور زمان زمین هایی را در منز خریدند و در دره‌ای با دور نمای طبیعی سومین پایگاه خود، «اشرف ۳» را که پادگانی بسیار بزرگ و تحت مراقبت شدید است را ساختند. تنها معدود افراد بیرون از آن اجازه دارند به آن وارد شوند<sup>۸</sup>.

۱- حکومت وقت آلبانی در سال ۲۰۱۳ با ایالات متحده قراردادی مبنی بر پذیرش مجاهدین خلق از عراق امضا کرد. نگاه کنید به:

The Washington Times, By Ashish Kumar Sen, "U.S. pushes Iranian dissidents to accept Albanian asylum offer", March 18, 2013; <https://www.washingtontimes.com/news/2013/mar/18/us-iranian-dissidents-accept-albanian-asylum-offer/>.

۲- این اطلاعات را زمانی که در سازمان ملل متحد کار می‌کردم دریافتیم.

۳- ایالات متحده برای نقل مکان مجاهدین خلق در مجموع بیست میلیون دلار در اختیار کمیسر عالی پناهندگی سازمان ملل متحد قرار داد. نگاه کنید به مقاله:

Der Spiegel, Luisa Hommerich همان‌جا

۴- با آغاز ماه سپتامبر سال ۲۰۱۶ نقل مکان مجاهدین خلق از دو «اردوگاه اشرف ۱ و ۲» در عراق به آلبانی پایان یافت. رجوع کنید به:

The New York Times, by Patrick Kingsley, "Highly Secretive Iranian Rebels Are Holed Up in Albania. They Gave Us a Tour", "Depending on whom you ask, the People's Jihadists are Iran's government-in-waiting or a duplicitous terrorist cult that forbids sexual thoughts. What are they doing in Albania?", published 16 February 2020, updated 17 February 2020; <https://www.nytimes.com/2020/02/16/world/europe/iran-mek-albania.html>

۶- مقایسه کنید با:

RUDAW, "Last members of Iranian Mujahedin-e-Khalq group leave Iraq for Albania", 10.09.2016; <https://www.rudaw.net/english/middleeast/iran/10092016>.

۷- رجوع کنید به:

The Guardian, by Arron Merat, همان‌جا.

۸- نگاه کنید به ویدئو هایی که از «اردوگاه اشرف ۳» گرفته شده و در یو توب می‌توان مشاهده کرد:

1) <https://www.youtube.com/watch?v=HPI13VGEVsc>, - 2) <https://www.google.com/search?client=safari&rls=en&q=mek+albania+camp&ie=UTF-8&oe=UTF-8> [https://www.google.com/search?q=Youtube+camp+ashraf+albania&client=safari&rls=en&biw=2545&bih=1223&sxsrf=AJOqlzWA0\\_mseqtCPVufMW3AvB-mrzQ8Qz3A1673813706732&ei=y17EY\\_SwLJa5sAff4rWgBw&ved=OahU-KEWjOvaP7scr8AhWWH0wKHV9xDXQ4FBdh1QMIDg&uact=5&ocq=](https://www.google.com/search?q=Youtube+camp+ashraf+albania&client=safari&rls=en&biw=2545&bih=1223&sxsrf=AJOqlzWA0_mseqtCPVufMW3AvB-mrzQ8Qz3A1673813706732&ei=y17EY_SwLJa5sAff4rWgBw&ved=OahU-KEWjOvaP7scr8AhWWH0wKHV9xDXQ4FBdh1QMIDg&uact=5&ocq=)

نقل مکان از عراق به آلبانی موجی از فرار افراد را به دنبال داشت.<sup>۱</sup> کسانی که امکانش را داشتند از آلبانی به کشورهای اروپایی، کانادا، یا ایالات متحده رفتند. صد و بیست نفر که نتوانستند به کشورهای دیگر سفر کنند، ازین رو، بدون داشتن اجازه کار در آلبانی باقی ماندند. طبق گفته برخی از این فراریان در اردوگاه «اشرف ۳» فضای ترور و سرکوب حاکم است تا کنترل بر اعضا برقرار باشد.<sup>۲</sup>

طبق گزارش روزنامه گاردین (Guardian) مجاهدین خلق رابطه تنگاتنگی با سیاست مداران عالی رتبه و خدمات امنیتی آلبانی دارند. ازین رو است که «اردوگاه اشرف ۳» خارج از قلمرو نظارت پلیس آلبانی قرار دارد.<sup>۳</sup>

اگرچه بسیاری از سیاست مداران آلبانی مخالف نقل مکان مجاهدین خلق به منز بوده‌اند، بنای اردوگاه «اشرف ۳» که به گفته مردم بیش از صدها میلیون دلار هزینه داشته، بسیار به نفع اقتصاد آلبانی بوده است.

سال‌هاست که مجاهدین خلق تلاش می‌کنند رابطه اعضای خود با جهان بیرون را قطع و جلوی هر نوع تماس اعضا با بیرون از اردوگاه را بگیرند. مواردی بوده است که والدین اعضا علی‌رغم تلاش‌های بسیار نتوانسته‌اند فرزندان خود که دیگر بزرگ شده‌اند را در سه اردوگاه مجاهدین خلق ملاقات کنند.<sup>۴</sup>

---

Youtube+camp+ashraf+albania&gs\_lcp=Cgxnnd3Mtd2l6LXNlcuAQAOoECEEYAUoECEY-YAFAAWABg9QdoAXAAeACAAQCIAQCSAQCYAQDAAQE&scient=gws-wiz-serp & 3)  
<https://www.nytimes.com/2020/02/16/world/europe/iran-mek-albania.html>

۱- نگاه کنید به مقاله

Der Spiegel, Luisa Hommerich همان‌جا

۲- نگاه کنید به:

The Guardian, Arron Merat, همان‌جا.

۳- همان‌جا.

۴- مصطفی وریابه محمدی تلاش کردند دخترشان، ثمیه، را در اردوگاه اشرف در عراق ملاقات کنند ولی موفق نشدند. پدر ثمیه را مجاهدین خلق با قول این‌که می‌تواند دخترش را ببیند به مکان‌های مختلفی کشاندند و بجای دیدن دخترش از او در تظاهرات مجاهدین استفاده کردند. نگاه کنید به روزنامه «گاردین»؛ بالا؛ همان‌جا.



Source: [https://www.google.com/search?client=safari&rls=en&sxsrf=AJOql-zWxyxcIsF1u3MdGqVFv6SKk79ZaCw:1673954338412&q=camp+ashraf+albani+air+photos&tbm=isch&source=univ&fir=771NIXZCV-GCiMz252CHOO-5blRHOTzKVMz252C\\_7253Bw88HYIcs6dCrUMz252CbvCTOIm03NB5lMz252C\\_7253BmAsFnluiA\\_jEzMz252C2Le-JdqC\\_2lCeMz252C\\_7253BPrEOFs7PmXx-mFMz252CiMXHxsaXtnYC4Mz252C\\_7253BenRPTnDenZ34Mz252CuqiEZGLZY9E-xMz252C\\_7253BjR6UWWSaS-tHEBMz252CJzEBdWr4khHfrMz252C\\_7253BF5XIoAL-G1ogKeMz252Cj7x\\_vse0lfGjRMz252C\\_7253BW-b2Vds15BOTlMz252CRkOYif35gf2jzMz252C\\_7253Bwr06eT29C63P1Mz252C4JwWbUTDf7DMgMz252C\\_7253B7DKV5UDxncSl4Mz252CjKjNjSyZRCqrIkMz252C\\_&usg=AI4\\_-kTHnDTkgIOrq3fYZ6E7DY-2u63f53Q&sa=X&ved=2ahUKEwjG99ftvc78AhUWCBAIHwqmqmD0MQ420oAHoECAEQCQ&biw=2545&bih=1223&dpr=2#imgrc=mAsFnluiA\\_jEzM](https://www.google.com/search?client=safari&rls=en&sxsrf=AJOql-zWxyxcIsF1u3MdGqVFv6SKk79ZaCw:1673954338412&q=camp+ashraf+albani+air+photos&tbm=isch&source=univ&fir=771NIXZCV-GCiMz252CHOO-5blRHOTzKVMz252C_7253Bw88HYIcs6dCrUMz252CbvCTOIm03NB5lMz252C_7253BmAsFnluiA_jEzMz252C2Le-JdqC_2lCeMz252C_7253BPrEOFs7PmXx-mFMz252CiMXHxsaXtnYC4Mz252C_7253BenRPTnDenZ34Mz252CuqiEZGLZY9E-xMz252C_7253BjR6UWWSaS-tHEBMz252CJzEBdWr4khHfrMz252C_7253BF5XIoAL-G1ogKeMz252Cj7x_vse0lfGjRMz252C_7253BW-b2Vds15BOTlMz252CRkOYif35gf2jzMz252C_7253Bwr06eT29C63P1Mz252C4JwWbUTDf7DMgMz252C_7253B7DKV5UDxncSl4Mz252CjKjNjSyZRCqrIkMz252C_&usg=AI4_-kTHnDTkgIOrq3fYZ6E7DY-2u63f53Q&sa=X&ved=2ahUKEwjG99ftvc78AhUWCBAIHwqmqmD0MQ420oAHoECAEQCQ&biw=2545&bih=1223&dpr=2#imgrc=mAsFnluiA_jEzM)

## ۵.۳. تلاش مجاهدین خلق برای کسب اعتبار رده بندی مجاهدین خلق به عنوان یک سازمان تروریستی

ایالات متحده در ماه اکتبر سال ۱۹۹۷ سازمان مجاهدین خلق را در فهرست سازمان‌های تروریستی خارجی وزارت خارجه این کشور قرار داد.<sup>۱</sup> چون این سازمان، در مجموع، مسئول قتل شش شهروند آمریکایی بود که در زمان شاه در ایران کار می‌کردند.<sup>۲</sup> علاوه بر این وزیر خارجه ی آن زمان، مادلن آلبرایت (Madeleine Albright) مجاهدین خلق را در فهرست تروریست‌ها قرار داد چون بخشی از تلاش‌های دیپلماتیک او بود تا باب گفتگو با نیروهای میانه‌رو در ایران را باز کند و در مقابل رئیس جمهور میانه‌روی جدید محمد خاتمی ژست حس نیت بگیرد.<sup>۳</sup>

زمانی که رئیس جمهور، جورج دبلیو بوش، (George W. Bush) در سال ۲۰۰۲ تلاش کرد برای حمله به عراق پشتیبانی بین‌المللی کسب کند، در سخنرانی‌اش در جلسه عمومی سازمان ملل<sup>۴</sup> صدام حسین را متهم کرد که به سازمان‌های تروریستی جا داده و از

---

۱- در سال ۱۹۹۶ کنگره ایالات متحده فهرستی از سازمان‌های تروریستی خارجی به عنوان بخشی از قانون ضد تروریسم را تدوین کرد. زمانی که این قانون به اجرا درآمد، مجاهدین خلق نخستین گروهی بود که در این فهرست از آن‌ها نام برده شد. نگاه کنید به مقاله

THE HUFFINGTON POST, by Christins Wilkie, "Mujahideen-e Khalq: Former U.S. Officials Make Millions Advocating For Terrorist Organization" 8 August 2011.

۲- تارنمای رسمی وزارت خارجه ایالات متحده شامل فهرستی از سازمان‌های تروریستی خارجی است. نگاه کنید به: <https://www.state.gov/foreign-terrorist-organizations/>

۳- رجوع کنید به:

Council on Foreign Relations, Jonathan Masters, همان‌جا.

۴- مقایسه کنید با:

The White House, President's Remarks at the United Nations General Assembly, Re-

آن‌ها پشتیبانی میکنند. این به معنی تایید ضمنی بغداد در حمایت از مجاهدین خلق بود.<sup>۱</sup> در سال ۱۹۹۹ وزارت خارجه ایالات متحده «شورای ملی مقاومت» را ممنوع اعلام کرد، با این استدلال که این شورا بازوی سیاسی رسمی مجاهدین خلق است. چهار سال بعد FBI دفاتر «شورای ملی مقاومت» در «ساختمان مطبوعات ملی» در واشنگتن دی سی را بست. علاوه بر این، FBI هفت ایرانی که بیش از چهارصد هزار دلار به سازمانی که در امارات متحده عربی به مجاهدین خلق پیوسته بودند، واریز کرده بود را دستگیر کرد. این پول‌ها طبق گزارشات برای خرید اسلحه مورد استفاده قرار گرفته بود.<sup>۲</sup> همین‌طور هم با دخالت واشنگتن، اتحادیه‌ی اروپا در سال ۲۰۰۲ سازمان مجاهدین خلق را در فهرست سازمان‌های تروریست خود قرار داد.<sup>۳</sup>

بعد از آن، رهبری مجاهدین خلق کارزار لابی‌گری در سراسر جهان به هدف خارج کردن خود از این فهرست آغاز کرد. بدین ترتیب که خود را به عنوان اپوزیسیون مقاوم و تنها بدیل سیاسی در رویارویی با جمهوری اسلامی ایران معرفی کرد. حملات موشکی میلشیبای نزدیک به ایران به اردوگاه‌های اشرف ۱ و اشرف ۲ که تعدادی کشته و زخمی‌های بسیار برجای گذاشت، برای مجاهدین خلق همدردی بسیار در بین مردم در پی داشت به طوری که نمایندگان کنگره ایالات متحده و فرمانده پیشین نیروهای مسلح ایالات متحده دست بکار شدند و تقاضا کردند که این سازمان از فهرست سازمان‌های تروریست حذف شود.<sup>۴</sup> در این کارزار گفته شد که حامیان مجاهدین خلق کمک مادی و همین‌طور برای

marks by the President in Address to the United Nations General Assembly, New York, September 12, 2002; <https://georgewbush-whitehouse.archives.gov/news/releases/2002/09/20020912-1.html>.

۱- رجوع کنید به:

Inside Arabia, Voice of the Arab People, by Sina Azodi and Giorgio Cafiero, همان‌جا.

۲- رجوع کنید به:

The US Army War College Quarterly: Parameters, Gawdat Bahgat, page 103 همان‌جا.

۳- رجوع کنید به:

United Arab Emirates, Gulf News, by Amir Taheri, "Amir Taheri: France paints an abstract picture to please Iran", 25 June 2003; <https://gulfnews.com/uae/amir-taheri-france-paints-an-abstract-picture-to-please-iran-1.359636>

۴- در سال ۲۰۱۱ بسیاری از کارمندان عالی رتبه پیشین ایالات متحده از جمله وزیر امنیت داخلی، تام ریچ، سه رئیس پیشین ستاد مشترک ایالات متحده، دو رئیس پیشین سازمان جاسوسی سیا؛ فرمانده پیشین ناتو و سلی کلارک؛ دو سفیر پیشین ایالات متحده در سازمان ملل متحد، دادستان کل پیشین ایالات متحده، میشل موکاسی، رئیس ستاد پیشین کاخ سفید، فرمانده پیشین نیروی دریایی ایالات متحده، مشاور پیشین امنیت ملی ایالات متحده، فرانسه تانسنند؛ مشاور بازتستسته امنیت ملی رئیس جمهور جیمز ال جونز، از باراک اوباما؛ تقاضا کردند تا مجاهدین خلق را از فهرست رسمی تروریست‌های خارجی وزارت خارجه ایالات متحده حذف کنند زیرا آن‌ها را اپوزیسیون قابل اتکا در رویارویی با رژیم ایران می‌دانستند. نگاه کنید به:

CNN by Louis Louis Freeh, Lord Corbett of Castle Vale and Lord Waddington, Special to CNN,



حضور رسمی در تظاهرات آنها از سازمان پول دریافت کرده‌اند.<sup>۱</sup>

## حذف مجاهدین خلق از لیست سازمان‌های تروریستی

در سال ۲۰۰۲ صد و پنجاه عضو مجلس نمایندگان ایالات متحده عرض حالی را امضا و از وزارت خارجه درخواست کردند که تروریست خواندن مجاهدین خلق را پس بگیرد. سه سال بعد مریم رجوی از طریق ویدئو سخنرانی ای خطاب به اعضای کنگره ایالات متحده امریکا داشت که با تشویق آنها روبرو شد.<sup>۲</sup> یکی از حامیان برجسته مجاهدین خلق «کمیته خط مشی ایران Iran Policy – Committee» است. این کمیته در سال ۲۰۰۵ بنیان گذاشته شد تا بر سیاست دولت ایالات متحده در قبال ایران اعمال نفوذ کند.<sup>۳</sup> مجاهدین خلق در سال ۲۰۰۲ در یک کنفرانس مطبوعاتی در واشنگتن محل مخفی غنی سازی اورانیوم در شهر نظنز که بنا به گفته آنها، سازمان امنیت اسرائیل (موساد) به آنها داده بود را افشا کردند.<sup>۴</sup> معلوم شد که این افشاگری در تقویت همکاری بین‌المللی

---

“Take Iran opponent MEK off terror list”, September 12, 2011, <http://edition.cnn.com/2011/OPINION/09/12/freeh.corbett.waddington.mek/>

۱- در آغاز سال ۲۰۱۲ جنجال شدیدی بر سر این که آیا مشاور پیشین امنیت ملی ایالات متحده، فرانسنز تانسند؛ به دلیل گرفتن کمک مادی از مجاهدین خلق مرتکب جنایت کشوری شده‌اند یا نه در گرفت. بسیاری از امریکایی‌هایی که از این سازمان پشتیبانی می‌کردند هزینه‌هایی بین ۱۵۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰ دلار دریافت و هم‌چنین هزینه سفرشان را از این سازمان گرفته بودند که به پاریس سفر و در تظاهرات مجاهدین خلق سخنرانی کنند. استاندار قبلی پنسیلوانیا، ادوارد جی. رندل بیش از ۱۵۰۰۰ دلار دریافت کرد و مورد تحقیق و بررسی وزارت دارایی ایالات متحده قرار گرفت. نگاه کنید به مقاله نیویورک تایمز:

The New York Times by Scott Shane, “Iranian Dissidents Convince U.S. to Drop Terror Label”, September 21, 2012; <https://www.nytimes.com/2012/09/22/world/middleeast/iranian-opposition-group-mek-wins-removal-from-us-terrorist-list.html>

۲- نگاه کنید به:

Financial Times, Guy Dinmore, “Iran Opposition Group Seeks U.S. Legitimacy”, 26 October 2005.

۳- این کمیته خواهان آن است که ایالات متحده از طریق روند بی ثبات سازی ایران، رژیم را تغییر دهد، در عین حال هم خواهان عملیات نظامی علیه ایران است. پیشنهاد های دیگر عبارتند از تحریم اقتصادی، حمایت نظامی از مجاهدین خلق و ضربات دقیق به هدف های گزین شده در ایران. نگاه کنید به:

[www.iranpolicy.org](http://www.iranpolicy.org)

۴- رجوع کنید به:

Middle East Eye, by Gareth Porter, “Guess who credits the Mossad with producing the ‘laptop documents’”, 13 February 2015; <https://www.middleeasteye.net/opinion/guess-who-credits-mossad-producing-laptop-documents>; & The Christian Science Monitor, by Scott Peterson, “Iranian group’s big-money push to get off US terrorist list”, August 8, 2011; <https://www.csmonitor.com/World/Middle-East/2011/0808/Iranian-group-s-big-money-push-to-get-off-US-terrorist-list/?28page%29/3>

جامعه جهانی در رابطه با برنامه ی اتمی ایران تعیین کننده بود.<sup>۱</sup> این افشاگری و کارزار سراسری سازمان مجاهدین خلق برای خارج شدن از فهرست سازمان های تروریست سرانجام به این جا منتهی شد که این سازمان به عنوان بدیلی مطرح در رویارویی با رژیم ایران بشمار آید.<sup>۲</sup>

استدلال وزیر خارجه ی وقت ایالات متحده، کندالیزا رایس (Condoleezza Rice)، این بود که مجاهدین خلق در فهرست سازمان های تروریست است و با آن به عنوان چنین سازمانی باید برخورد کرد. اما استدلال وزیر دفاع وقت، دونالد رمزفلد (Donald Rumsfeld)، و معاون رئیس جمهور، دیک چنی (Dick Cheney)، این بود که مجاهدین خلق را باید به عنوان سلاحی جدی علیه جمهوری اسلامی بکار گرفت.<sup>۳</sup> تردیدی نباید داشت که «بازها» در دولت بوش مجاهدین خلق را به عنوان سلاحی در جنگ علیه ایران در نظر داشتند زیرا در همان ماه مه ۲۰۰۳ که رئیس جمهور پیشین، بوش، «ماموریت انجام شد» در عراق را اعلام کرد، روزنامه نیویورک تایمز گزارش داد که جناح «اشتی ناپذیران در پنتاگون» از مجاهدین خلق پشتیبانی می کنند و احتمالاً بعدها می خواهند آن ها را به عنوان نیروی اپوزیسیون آینده در ایران مطرح کنند، همانند اپوزیسیونی که زیر رهبری احمد چلبی (Ahmad Chalabi) در سال ۲۰۰۳ مورد حمایت ایالات متحده قرار داشت که پیش از جنگ در عراق مطرح بود. به همین دلیل دولت بوش در مارس ۲۰۰۳ پیشنهاد رهبر انقلاب، علی خامنه ای، را مبنی بر تبادل رهبری مجاهدین مستقر در عراق با اعضای شورای نظامی القاعده و اقوام اوساما بن لادن که از افغانستان به ایران فرار کرده بودند و در ایران در زندان به سر می بردند را رد کرد.<sup>۴</sup> در سال ۲۰۱۰ وزارت خارجه امریکا در واکنش به شکایت مجاهدین خلق، به دادگستری این کشور دستور داد که مسئله قرار دادن مجاهدین خلق در فهرست سازمان های تروریست را مجددا بررسی کند، با وجودیکه دادگستری تایید کرده بود که طبق اطلاعات محرمانه ی دریافت شده، دلایلی در دست است که باید مجاهدین خلق را

۱- رجوع کنید به:

The US Army War College Quarterly; Parameters, Gawdat Bahgat, page 104. همان جا.

۲- رجوع کنید به:

THE HUFFINGTON POST, by Christina Wilkie, „Mujahideen-e Khalq: Former U.S. Officials Make Millions Advocating For Terrorist Organization“, 08/08/2011, Updated December 06, 2017.

۳- رجوع کنید به:

The Guardian, by Arron Merat, „Terrorists, cultists - or champions of Iranian democracy? The wild wild story of the MEK“, 9 November 2018, Vgl.: <https://www.theguardian.com/news/2018/nov/09/mek-iran-revolution-regime-trump-rajavi>.

۴- رجوع کنید به:

The Guardian, by Arron Merat, همان جا.

در فهرست سازمان‌های تروریستی باقی گذاشت.<sup>۱</sup> روز ۲۸ ماه سپتامبر سال ۲۰۱۲ وزارت خارجه ایالت متحده رسماً سازمان مجاهدین خلق را از فهرست رسمی خود حذف کرد.<sup>۲</sup> وزیر خارجه وقت، هیلاری کلینتن، (Hillary Clinton) اعلام کرد که حذف سازمان مجاهدین خلق از فهرست سازمان‌های تروریست به این دلیل انجام گرفته که آن‌ها از قهر صرف نظر کرده و در خصوص بستن پایگاه شبه نظامی، پایگاه اشرف، با مقامات ایالات متحده همکاری کرده‌اند. در توضیح آن، آمده است که وزارت خارجه «پرونده‌ی پیشین مجاهدین خلق و هم‌چنین مشارکت آن‌ها در قتل شهروندان ایالات متحده در ایران در دهه هفتاد و حمله‌ای در سال ۱۹۹۲ در خاک ایالات متحده را نه نادیده می‌گیرد و نه فراموش می‌کند» و همین‌طور نگرانی‌های جدی در مورد «سوء استفاده مجاهدین از اعضای خود»<sup>۳</sup> هم وجود دارد.

مجاهدین خلق از ماه مارس سال ۲۰۰۱ تا ماه مه ۲۰۰۸ در فهرست سازمان‌های تروریستی انگلستان قرار داشتند. دولت آن زمان بریتانیا تحت فشار شدیدی قرار داشت تا این سازمان که تحت نام «شورای ملی مقاومت ایران» فعالیت می‌کرد را از این فهرست حذف و از آن حمایت کند. سازمان مجاهدین خلق به کمیسیون مربوط به سازمان‌های ممنوعه تقاضای استیناف دادند. این سازمان را دولت بریتانیا برای بررسی شکایت‌های سازمان‌هایی که در فهرست سپاه انگلستان بودند بوجود آورده بود. این کمیسیون روز ۳۰ نوامبر سال ۲۰۰۷ به حذف سازمان مجاهدین خلق از فهرست سازمان‌های تروریست رای داد. وزیر داخله انگلیس، جکی اسمیت (Jacqui Smith)، علیه حکم این کمیسیون استیناف داد. روز ۷ ماه مه ۲۰۰۸ محکمه استیناف شکایت وزیر داخله را رد کرد. سازمان مجاهدین خلق در ماه ژوئن سال ۲۰۰۸ از فهرست سازمان‌های تروریست دولت بریتانیا حذف شد.<sup>۴</sup>

۱- رجوع کنید به:

The Wall Street Journal, by Keith Johnson, Jay Solomon and Scott Greenberg, 'Banned Terror Group Seeks U.S. Rebirth', Updated May 13, 2011; <https://www.wsj.com/articles/SB10001424052748704810504576307102942382660>

۲- رجوع کنید به:

Authenticated U.S. Government Information, Federal Register, Vol. 77, No. 193, Thursday, October 4, 2012, Notices, 60741; <https://www.govinfo.gov/content/pkg/FR-2012-10-04/pdf/2012-24505.pdf> & Charity & Security Network, U.S. Removes MEK from Terrorist List', October 4th, 2012; [https://charityandsecurity.org/archive/us\\_removes\\_mek\\_from\\_terrorist\\_list/](https://charityandsecurity.org/archive/us_removes_mek_from_terrorist_list/)

۳- رجوع کنید به:

The New York Times, by Scott Shane, & Council on Foreign Relations, Jonathan Masters,

همان‌جا

۴- رجوع کنید به:

House of Commons, Library, by Ben Smith, 'The People's Mujahiddeen of Iran (PMOI), Briefing Paper, Number CBP 5020, 7 March 2016, page 3.

رهبان و رئیس مجاهدین خلق، مریم رجوی، اما حق حضور در بریتانیای کبیر را نداشت و به عنوان کسی که «برای آسایش عمومی مفید نیست» رده بندی شده بود. دیوان عالی قضایی پس از بررسی این پرونده در سال ۲۰۱۴ حکم داد که نظر وزارت داخله مبنی بر ممنوعیت حضور او در بریتانیا قانوناً مجاز است.<sup>۱</sup>

اتحادیه‌ی اروپا در ماه مه ۲۰۰۲ از مجاهدین خلق به عنوان انجمن تروریستی نام برد و سرمایه‌های آن‌ها را مسدود کرد. روز ۱۲ دسامبر ۲۰۰۶ دادگاه اول اروپا حکم داد که اتحادیه‌ی اروپا تصمیم خود مبنی بر مسدود کردن دارایی‌های مجاهدین خلق را به آن‌ها اطلاع نداده بود و دستور رفع انسداد دارایی‌های آن‌ها را صادر کرد. روز ۱۵ ژوئیه ۲۰۰۸ اتحادیه‌ی اروپا بار دیگر ممنوعیت سازمان مجاهدین خلق را تجدید کرد. ولی روز ۴ دسامبر همان سال دیوان قضایی اروپا رای ۱۵ ژوئیه اتحادیه‌ی اروپا مبنی بر قرار دادن مجاهدین خلق در فهرست سازمان‌های تروریستی را رد کرد. دو هفته بعد دیوان قضایی تلاش دولت‌های اتحادیه‌ی اروپا مبنی بر به تعویق انداختن اجرای حکم چهارم دسامبر را به عنوان امری «آشکارا غیر مجاز» رد کرد.<sup>۲</sup> به این جهت روز ۲۶ ژانویه سال ۲۰۰۹ سازمان مجاهدین خلق از فهرست سازمان‌های تروریستی اتحادیه‌ی اروپا حذف شد.<sup>۳</sup> بدین ترتیب، مبارزه طولانی مدت وکلای سازمان مجاهدین خلق جهت قانع کردن اتحادیه‌ی اروپا در قرار ندادن سازمان مجاهدین خلق در فهرست سازمان‌های تروریستی در سال ۲۰۰۹ به نتیجه رسید.<sup>۴</sup>

به فرض قبول این حقیقت که شکایات قانونی مجاهدین خلق در ایالات متحده و اروپا (بروکسل و لندن) و همچنین لابی‌گری پرخرج آن‌ها از سوی سیاستمداران آمریکایی و اروپایی به هدف حذف آن‌ها از فهرست سازمان‌های تروریست منجر شد، این امری بایست هزینه‌ی سنگینی در بر داشته باشد و این پرسش مطرح می‌شود که مجاهدین خلق باید چقدر ثروتمند باشند که چنین کارزارهای طولانی مدتی را هزینه کنند؟ اما حذف مجاهدین خلق از فهرست سازمان‌های تروریست اتحادیه‌ی اروپا و وزارت خارجه ایالات متحده اعتراضات سراسری در پی داشت. در سال ۲۰۱۱ مورخ برجسته ایرانی - آمریکایی، اروند آبراهامیان (Ervand Abrahamian) و دیگر دانشمندان مشهور از جمله شائول بخش (Shaul Bakhash)، گری سیک (Gary Sick) و جوآن

۱- همان جا

۲- همان جا

۳- برنامه تلویزیونی آلمان کاتال آر د مربوط به مسائل روز، دیدار وزرای خارجه در بروکسل «اتحادیه‌ی اروپا مجاهدین خلق را از فهرست سازمان‌های تروریست حذف می‌کند» نگاه کنید:

ARD, Tagesschau, Auenministertreffen in Brüssel, "EU streicht Iranische Volksmudschahedin von Terrorliste", 26.01.2009; <https://www.tagesschau.de/ausland/euaussenminister108.html>

۴- رجوع کنید به:

The New York Times, by Scott Shane, همان جا

کول (Juan Cole) نامه ای در روزنامه فاینانشل تایمز منتشر کردند. در این نامه آنها مخالفت خود را با حذف مجاهدین خلق از فهرست سازمان‌های تروریستی وزارت خارجه ایالات متحده به دلیل گذشته تروریستی، رفتار فرقه‌ای آنها و نداشتن پشتیبانی مردم ایران اعلام کردند.<sup>۱</sup>

## شنود نظر مریم رجوی در گنگره امریکا درباره‌ی حکومت اسلامی (داعش)

دعوت گنگره ایالات متحده از مریم رجوی در ماه آوریل سال ۲۰۱۵ بمناسبت شنود نظر او در باره مبارزه با حکومت اسلامی (داعش) در عراق و سوریه واکنش شدید کارمندان پیشین وزارت خارجه ایالات متحده را در پی داشت. آنها از همراهی با مریم رجوی و اظهار نظر در میز گردی که از طریق کنفرانس از راه دور ترتیب داده شده بود شرکت نکردند. رابرت فورد (Robert Ford)، سفیر پیشین ایالات متحده در سوریه و دانیل بنیامین (Daniel Benjamin)، هم آهنگ کننده ضد تروریسم، بر این عقیده بودند که سازمان تروریستی ای چون مجاهدین خلق که تا آن زمان شش شهروند امریکایی را بقتل رسانده بود، صلاحیت آنرا ندارد که در این میز گرد شهادت دهد، مخصوصاً که مجاهدین خلق متخصص حکومت اسلامی (Islamic State - IS) هم نیستند.<sup>۲</sup> تد پو (Ted Poe)، نماینده جمهوری خواه و رئیس کمیته فرعی ضد تروریسم گنگره ایالات متحده که به مدافع مجاهدین خلق مشهور است،<sup>۳</sup> دعوتنامه را منتشر کرده بود.<sup>۴</sup> بالاخره، مریم رجوی مجبور شد با مارونیت کریستن (Maronit- Christen) امریکایی — لبنانی طرفدار اسرائیل که پیوندهای تنگاتنگی با نو محافظه کاران در ایالات

۱- رجوع کنید به:

Politico Magazine, by Daniel Benjamin, "Yes, We Do Know the MEK Has a Terrorist Past", December 13, 2016; <https://www.politico.com/magazine/story/2016/12/mek-backtalk-iranian-group-214526>

۲- مقایسه کنید با:

AL-Monitor, by Julian Pecquet, "Congressional invite to MEK sparks furious backlash" - Former State Department officials are refusing to testify alongside Mujahedeen-e-Khalq leader Maryam Rajavi, April 28, 2015; <https://www.al-monitor.com/originals/2015/04/congress-mek-testimony-backlash-maryam-rajavi.html#ixzz3YdOS9KwQ>

۳- تد پو بین سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۴ در مجموع ۱۷۹۰۰ دلار امریکایی بخاطر حمایتش از مجاهدین خلق دریافت کرد. از این گذشته، برای شرکت در تظاهرات مجاهدین خلق در فرانسه (در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴) در مجموع ۱۹۶۷۱ دلار پاداش گرفت. نگاه کنید به:

Lobe Log, by Eli Clifton, "Poe's Financial Ties To MEK May Explain Maryam's House Testimony", April 28, 2015; <https://lobelog.com/poes-financial-ties-to-mek-may-explain-maryams-house-testimony/>

۴- همان‌جا

متحده از جمله ولید فارس (Walid Phares)<sup>۱</sup> دارد، در میزگرد شرکت کند.<sup>۲</sup>

## سیاست اطلاع رسانی مجاهدین خلق

رهبری مجاهدین خلق، مخصوصاً پس از نقل مکان از عراق به آلبانی، سال‌هاست تلاش می‌کند استراتژی دوگانه‌ای را در سیاست اطلاعاتی خود به اجرا در آورد: جلوگیری کامل از دستیابی اعضای خود به اطلاعات از خارج و استفاده از رایانه (اینترنت) با دادن اطلاعات غلط. اعضای مجاهدین خلق معمولاً به روزنامه، رادیو یا تلویزیون دسترسی ندارند و فقط می‌توانند به اخبار فرستنده‌هایی<sup>۳</sup> که مجاهدین خلق ساخته‌اند دسترسی داشته باشند. رهبری مجاهدین خلق به اعضای فقط اجازه می‌دهد به این فرستنده‌ها گوش کنند و فقط اخبار و بولتن‌های داخلی که در سازمان تهیه می‌شود را بخوانند. در نشریات مجاهدین خلق اغلب از کسانی انتقاد می‌شود که پشتیبانی در خوری از سازمان نکرده یا سازمان را ترک کرده‌اند و بدین جهت دشمن، خائن و «جاسوسان ایرانی» نامیده می‌شوند.<sup>۴</sup>

اعضای پیشین مجاهدین خلق گزارش داده‌اند که به دستور «فرمانده» از بام تا شام در رایانه سیر می‌کنند تا سیاست مدارانی که آشکارا علیه جمهوری اسلامی صحبت می‌کنند را مورد تایید قرار دهند با این توضیح: «منون، مردم ایران از شما پشتیبانی می‌کنند و مریم رجوی رهبر قانونی است» اما اگر کسی در رایانه علیه مجاهدین حرفی بزند، پاسخ او در رایانه چنین است: «شما مزدور رژیم ایرانید، نه صدای مردم، شما برای ایران خواهان آزادی نیستید» در پاسخ به این اتهامات، یک سخنگوی مجاهدین خلق گفت اشخاصی که به عنوان «اعضای پیشین» نامیده می‌شوند در محدوده «کارزار شیطان‌سازی علیه سازمان

۱- طی جنگ داخلی لبنان که از سال ۱۹۷۵ تا دهه هشتاد ادامه یافت، ولید فارس به عنوان نظریه پرداز نیروهای لبنانی عمل می‌کرد، این نیروها سازمان فرآگیری را در بر می‌گرفتند که شامل شبه نظامیان گوناگون مسیحی بود و مسبب قتل عام در اردوگاه پناهندگان فلسطینی صبرا و شتیلا در نزدیکی مرز لبنان و اسرائیل بود. در این قتل عام بیش از ۳۰۰۰ هزار فلسطینی که عمدتاً شامل زنان، کودکان و سالمندان بود، قربانی شدند. نگاه کنید به نوشته:

همان جا، Lobe Log, Eli Clifton,

۲- پیوندهای مالی تد پو با مجاهدین خلق احتمالاً می‌تواند شهادت مریم رجوی را در گنگره امریکا توصیف کند.

همان جا؛ ۲۸ آوریل سال ۲۰۱۵

۳- سازمان مجاهدین خلق دارای شبکه تلویزیون ماهواره ای قابل دریافت به نام «سیمای آزادی» است. این شبکه در سال ۲۰۰۳ در انگلستان شروع به کار کرد. پیش از آن سازمان مجاهدین در دهه‌ی نود تلویزیون مشابهی به نام «سیمای مقاومت» را در عراق راه‌اندازی کرده بود. آن‌ها یک فرستنده ی رادیویی به نام «رادیوی ایران زمین» هم داشتند. این رادیو درماه ژوئن سال ۱۹۹۸ تعطیل شد. نگاه کنید به:

Harmon, Christopher C.; Bowdish, Randall G. (2018). "Advertising: The People's Mujahideen e Khalq". *The Terrorist Argument: Modern Advocacy and Propaganda*. Brookings Institution. ISBN 978-0-8157-3219-8.

۴- راند، موسسه ملی تحقیقات دفاعی، همان جا. ص. ۷۰.

قرار داده می‌شوند و این اتهامات «دروغ‌های بیشتری» است که ساخته می‌شود تا از وزارت خارجه ایران حمایت شود<sup>۱</sup>.

مارک اُون جونز (Marc Owen Jones) عضو فرهنگستان و کسی که پیام‌های سیاسی در رسانه‌های اجتماعی را مطالعه می‌کند، گفت که در آغاز سال ۲۰۱۶ «هزاران» حساب جاری توویتری بانکی مشکوک با نام «ایران» به عنوان محل و هم‌چنین «حقوق بشر» به عنوان تیترو در توضیح آن‌ها یا زیر نام‌های حساب جاری به هدف حمایت از سیاست رئیس‌جمهور آن زمان، ترامپ، در رابطه با سیاست او در مقابل رژیم جمهوری اسلامی ایران و «مجاهدین خلق» ظاهر شد. این حساب‌های جاری روی هم انباشته بود و لفاظی ضد ایرانی ترامپ با هشتمک‌های تعویض رژیم ایران و هشتمک «ایران را آزاد کنید» و هشتمک «از مریم رجوی حمایت کنید» را تبلیغ می‌کردند<sup>۲</sup>.

فیس‌بوک در روز ۶ ماه آوریل ۲۰۲۱ اعلام کرد که صدها حساب جاری جعلی مورد استفاده مجاهدین خلق در آلبانی را از بین برده است. فیس‌بوک هم‌چنین اعلام کرد که بیش از ۳۰۰ حساب جاری و صفحه که در فیس‌بوک و اینستاگرام بودند تنها از یک محل در آلبانی اداره می‌شد، به افراد پول می‌دادند تا مطالبی منتشر کنند که اغلب به عنوان اطلاعات غلط در رسانه‌های اجتماعی ارزش‌گذاری می‌شد. فیس‌بوک هم‌چنین متوجه شد که همراه حساب‌های جاری جعلی عکس‌هایی منتشر می‌کردند که در رایانه مونتاز شده بودند. از سال ۲۰۱۹ به بعد هفت فقره از این دست کارها از فیس‌بوک حذف شده است<sup>۳</sup>.

## وجه و اعتبار مجاهدین خلق در مطبوعات بین‌المللی

با توجه به گزارشات مطبوعاتی فراوان که اساس این نوشته قرار گرفته، پیداست که علی‌رغم فعالیت فشرده‌ی لابی‌گری و مطبوعاتی سازمان مجاهدین خلق، مخصوصاً در ایالات متحده، این سازمان موفق نشده است وجه‌ی مثبتی در بین افکار عمومی کسب کند. تقریباً در هر گزارش مطبوعاتی یا مقاله‌ای که Online منتشر شده؛ مجاهدین خلق

۱- همان‌جا

۲- رجوع کنید به:

The Guardian, Arron Merat, همان‌جا

۳- رجوع کنید به:

Abc News, 'Facebook removes accounts tied to Iranian exile group', 7 April 2021; <https://abcnews.go.com/Technology/wireStory/facebook-removes-accounts-tied-iranian-exile-group-76907520>; Radio Free Europe, radio Liberty, 'Facebook Says It Removed Accounts Tied To Exile Group Opposed To Iranian Government', April 07, 2021; <https://www.rferl.org/a/iran-facebook-mek-fake-accounts-removed/31190764.html> & Global News, The Associated Press, 'Facebook removes accounts tied to Iranian exile group from platform', April 6, 2021; <https://globalnews.ca/news/7742328/facebook-accounts-removed-iran/>

به عنوان سازمانی با گذشته ای تروریستی که در دهه‌ی هفتاد شش شهروند امریکایی را کشته است تعریف می‌شود. این سازمان به عنوان طرفدار آیت‌الله خمینی که رژیم شاه را سرنگون کرده و هم‌چنین متحد نزدیک صدام حسین بوده و همراه او و گارد جمهوری خواه صدام در سرکوب شیعیان و کردهای شمال عراق در سال ۱۹۹۱ دست داشته شناخته می‌شود. مجاهدین خلق هم‌چنین به عنوان طرفداران خمینی که در سال ۱۹۷۹ سفارت امریکا را اشغال کردند مقصر شناخته می‌شوند و بالاخره این سازمان، به عنوان سازمانی فرقه‌ای که به شیوه استالینیستی رهبری می‌شود هم از سوی مردم ایران و هم از طرف اپوزیسیون ایرانی ناپه‌نجا تلقی می‌شود.

## کوشش مجاهدین خلق برای کسب مشروعیت از طریق سیاستمداران ایالات متحده امریکا

مجاهدین خلق تلاش بسیاری کرده‌اند تا با لابی‌گری‌های خود بر سیاستمداران ایالات متحده اعمال نفوذ کنند و وجه خود را در بین مردم بهبود بخشند. برای چنین هدفی دکتر نایل لیوینگستون (Neil Livingstone)، متخصص امنیت و مالک شرکت «فعالیت اجرایی LLC» به خدمت گرفته شد. او از سال ۲۰۰۵ به بعد برای «حامیان بدون نام مجاهدین خلق» کار کرده است.<sup>۱</sup> لیوینگستون بین سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۱ سه گزارش<sup>۲</sup> تهیه کرد با ۱۱۹۴ مرجع مربوط به مجاهدین خلق تا نقدهایی که از طرف وزارت خارجه ایالات متحده و شرکت RAND علیه مجاهدین شده است<sup>۳</sup> را خنثی کند.<sup>۴</sup> افزون بر این، مجاهدین خلق همواره خود را به عنوان تنها بدیل مطرح رژیم کنونی در ایران معرفی می‌کنند، به همین دلیل بود که آن‌ها طی دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ

۱- رجوع کنید به

The Huffington Post, Christina Wilkie, همان‌جا.

۲- لیوینگستون این گزارش‌ها را با همکاری دیک آرمی، بنیانگذار فعالیت برای آزادی، که در آن زمان شریک DLA Piper بود، تهیه کرده بود. نگاه کنید همان‌جا به:

The Huffington Post, Christina Wilkie

۳- هدف اصلی گزارشات لیوینگستون این بود که اتهاماتی که در گزارشات - راند، موسسه ملی تحقیقات دفاعی؛ و گزارش وزارت امور خارجه ایالات متحده امریکا علیه مجاهدین خلق ذکر شده بود؛ را رد کنند. نگاه کنید به: The RAND Corporation, National Defense Research Institute, «The Mujahedin-e Khalq in Iraq. A Policy Conundrum», 2009, and the US State Department Report on the People's Mojahedin of Iran», Oct. 28, 1994, D.C. 20520.

۴- بمناسبت انتشار این گزارشات سه کنفرانس در تاریخ‌های زیر در واشنگتن سازماندهی شد: ۱۷ دسامبر سال ۲۰۱۰، بیست ژانویه و ۱۹ فوریه سال ۲۰۱۱. هزینه مالی آخرین کنفرانس را انجمن ایرانی - امریکایی میسوری به عهده گرفت. نگاه کنید به:

The Huffington Post, Christina Wilkie, همان‌جا.



شانس خود را در این دیدند که به عنوان بازیگر جدی «سیاست‌ورزی»<sup>۱</sup>، مخصوصاً در رابطه با «تغییر رژیم» در ایران حضور داشته باشند.<sup>۲</sup>

از زمان زمام‌داری دونالد ترامپ به عنوان رئیس‌جمهور ایالات متحده در سال ۲۰۱۷، مجاهدین خلق اقدام به اتحادی عملی با نیروهای نو محافظه‌کار کردند. رودی جولیانی، وکیل پیشین رئیس‌جمهور ترامپ و جان بلتن (John Bolton)، مشاور امنیتی او، جزو مهمانانی بودند که در تظاهرات مجاهدین به گرمی از آن‌ها پذیرایی می‌شد. جان بلتن در سال ۲۰۱۷ در دیدار سالانه مجاهدین خلق در پاریس شرکت و پیشگویی کرد که «حتی پیش از فرارسیدن سال ۲۰۱۹ همه باهم در تهران جشن می‌گیریم!» برای چنین مشارکتی مجاهدین خلق به این سخنران میهمان‌شان با دست و دل بازی اجرت پرداختند چون به آن‌ها وجهی سیاسی میداد و نفوذ سیاسی آن‌ها را تضمین می‌کرد.<sup>۳</sup>

۱- رجوع کنید به:

Foreign Policy, by Rhys Dubin & Dan De Luce, "Bolton's Ascent Gives Iranian Group a New Lease on Life With a supporter in the White House, the MEK might finally have a voice in U.S. policy.", April 30, 2018; <https://foreignpolicy.com/2018/04/30/bolton-iran-mek-terrorism-trump>

۲- از جمله امضا کنندگان نامه‌هایی که در سال ۲۰۱۷ به ترامپ فرستاده شد و از او درخواست کردند مجاهدین خلق را در سیاست آبی خود در مورد ایران دخالت دهد، عبارت بودند از سناتور پیشین جو لیبرمن؛ رابرت تورپچلی؛ سناتور دمکرات پیشین ژنرال جیمز جونز؛ مشاور پیشین امنیت ملی باراک اوباما و شخصیت‌های جمهوری خواهان چون رودی جولیانی و تام ریچ. رئیس پیشین کمیته ملی دمکرات، هوارد دین و فعال حقوق مدنی و نماینده کنگره، جان لویس و شخصیت برجسته جمهوری خواهان، نیوت گینگریج از جمله حامیان رسمی و برجسته‌ی مجاهدین خلق بودند.

۳- رجوع کنید به:

Lobe Log, by Eli Clifton, "Former Terrorist Group To Enjoy Close Ties To Rumored Trump Cabinet", November 15, 2016; <https://lobelog.com/former-terrorist-group-to-enjoy-close-ties-to-rumored-trump-cabinet/>



Source: [https://militarist-monitor.org/profile/peoples\\_muhajedin\\_of\\_iran\\_mek/](https://militarist-monitor.org/profile/peoples_muhajedin_of_iran_mek/)



Source: <https://theintercept.com/2018/03/23/heres-john-bolton-promising-regime-change-iran-end-2018/>



<https://twitter.com/negarmortazavi/status/1092909242439196672>

## مجاهدین خلق و سیاست تدارکات مالی آن‌ها

مجاهدین خلق از سال ۱۹۸۲ تا زمان سرنگونی حکومت عراق در ماه مارس سال ۲۰۰۳ کمک مالی هنگفتی از صدام حسین دریافت کردند. آن‌ها برعکس دیگر نیروهای اپوزیسیون<sup>۱</sup> با پول‌هایشان سرمایه‌گذاری کردند و بدین ترتیب طی دهه‌های گذشته به سودهای کلان دست پیدا کردند. ضبط ۹ میلیون دلار پول نقد و انواع اسناد و مدارک بانکی که در پی حمله به مقر اصلی مجاهدین خلق در پاریس (۲۰۰۳) کشف شد، نشان‌دهنده آن است که وضعیت مالی این سازمان چگونه بوده است.

مجاهدین خلق حمایت مالی خود را، مخصوصاً پس از انقلاب ۱۹۷۹، از هواداران و حامیان خود دریافت می‌کردند ولی این کمک‌ها تا زمانی بود که مسعود رجوی در سال ۱۹۸۴ به تبعید دومش به عراق رفت. دقیقاً از آن زمان به بعد هر ایرانی‌ای از این که مسعود رجوی با دشمن قسم خورده‌ی مردم ایران، صدام حسین، بیش از بیست سال تمام «معامله» کرده و با کارهای بی‌معنا و ماجرا جوینانه‌ای چون عملیات «فروغ جاویدان» جان هزاران جوان را به مخاطره انداخته است؛ خشمگین است. به این خاطر بسیاری از هواداران این سازمان سال‌هاست که کمک مالی به مجاهدین خلق را قطع کرده‌اند.

مجاهدین خلق از روش‌های گوناگونی جهت بهبود وضعیت مالی خود استفاده کرده‌اند. تدارکات مالی اولیه آن‌ها بدین ترتیب بود که تحت پوشش مقاصد بشردوستانه انجمن‌ها و سازمان‌های خیریه در مراکز پرجمعیت بنا می‌کردند تا بتوانند پول جمع‌آوری کنند. طبق گزارش سازمان حمایت از قانون اساسی آلمان از سال ۲۰۰۸ دست کم پنج انجمن در

---

۱- دکتر شاپور بختیار رهبر «نهضت مقاومت ملی ایران» که به لحاظ مالی از جمله از عربستان سعودی و پاره‌ای از دولت‌های عربی حمایت می‌شد در سال‌های دهه هشتاد یک ساختمانی را در پاریس کرایه کرد که در آن فعالین سیاسی و طرفداران نهضت مقاومت ملی ایران بکار مشغول بودند. بنابراین این کمک‌های مالی برای پرداخت کارهای اداری صرف می‌شد و هیچ‌وقت سرمایه‌گذاری نشد.

هیات گروه‌های پوششی مجاهدین خلق به وجود آمده است.<sup>۱</sup> متداول ترین شیوه جمع آوری پول برای دموکراسی و حقوق بشر در ایران رفتن به فرودگاه‌ها، خیابان‌های شلوغ و پارک‌های عمومی شهرهای بزرگ اروپا و آمریکا است. در این شیوه‌های کمک مالی گرفتن، مجاهدین خلق وحشتناک‌ترین عکس‌های مربوط به اعدام‌ها و شکنجه در ایران را نشان می‌دهند و به عابران می‌گویند که این پول‌ها برای قربانیان شکنجه و بد رفتاری در ایران گرد آوری می‌شود. در این نوع فعالیت‌ها مجاهدین خلق از مردم برای کمک به دموکراسی در ایران امضا جمع آوری می‌کنند.<sup>۲</sup> اما این پول‌ها نه برای قربانیان شکنجه در ایران بلکه فقط برای سازمان خودشان، از جمله، برای خرید اسلحه و وسائل مخابرات استفاده می‌شده است. در سال ۲۰۰۱ تحقیقات جنایی علیه هواداران مجاهدین خلق بخاطر پول شویی در ایالات متحده، بریتانیای کبیر و جمهوری فدرال آلمان انجام گرفت.

روز ۲۷ فوریه سال ۲۰۰۱ هفت نفر در فرودگاه بین‌المللی لوس آنجلس دستگیر شدند. اتهام آن‌ها این بود که بیش از یک میلیون دلار پول تحت عنوان سازمان خیریه ساختگی «کمیته حقوق بشر در ایران» جمع آوری کرده بودند.<sup>۳</sup> هواداران مجاهدین خلق خود را کسانی که کمک‌های مالی بشر دوستانه برای یتیم‌ها جمع آوری می‌کنند معرفی می‌کردند و در عین حال هم عکس‌های شکنجه‌شده‌گان و کسانی که در زندان‌های ایران مورد بد رفتاری قرار گرفته‌اند را نشان می‌دادند. اداره اف بی آی (FBI) در کنفرانس مطبوعاتی ۲۸ فوریه سال ۲۰۰۱ خود اعلام کرد که دستگیرشدگان به عنوان هواداران مجاهدین خلق کمک مالی بشر دوستانه می‌گرفتند ولی در واقعیت امر این پول‌ها صرف خرید اسلحه و دیگر تجهیزات جنگی می‌شده است.<sup>۴</sup> افزون بر آن، در این کنفرانس مطبوعاتی اعلام شد که این پول‌ها به شماره حساب‌هایی در ترکیه حواله می‌شده است.<sup>۵</sup> اف بی آی (FBI) طی این تحقیقات توانست به اصطلاح «سلول‌ها» و همین‌طور خانه‌هایی را کشف کند که

۱- اسامی بعضی از انجمن‌هایی که مجاهدین خلق در آلمان تاسیس کرده‌اند که از این طریق پول جمع آوری کنند (اسامی به زبان آلمانی است):

Menschenrechtszentrum f r Exiliranerinnen e. V. (MEI), D sselldorf, Menschenrechtszentrum f r Migranten e. V., Aachen, Hilfswerk f r Menschenrechte im Iran e. V. (HMD), Dortmund, Verein f r Menschen und Freiheit e. V. (VMF), Troisdorf, Verein f r Hoffnung der Zukunft e. V. (VHDZ), Berlin.

۲- اظهارات هواداران پیشین مجاهدین خلق که سال‌های سال برای سازمان در خیابان‌ها پول جمع آوری می‌کردند.

۳- راند؛ انستیتو ملی تحقیقات دفاعی؛ همان‌جا. ص. ۵۹.

۴- رجوع کنید به:

‘The US Army War College Quarterly’: Parameters, Gawdat Bahgat., ibid, p. 103 bzw. Department of State, ‘Country Reports on Terrorism 2007, page 293;

مبنی بر این گزارش مبلغ چهار صد دلار برای خرید اسلحه به یک سازمان وابسته به مجاهدین خلق در امارات متحده عربی فرستاده شده بود.

۵- رجوع کنید به:

Samii, Bill, Radio Free Europe/Radio Liberty, ‘Iran Report’, Vol. 4, No. 9, March 5, 2001. As of February 27, 2009: <http://www.rferl.org/content/Article/1342823.html>

هزاران هوادار مجاهدین به شکل غیر قانونی به ایالات متحده منتقل می شده‌اند.<sup>۱</sup> مقامات ایالات متحده طی تحقیقات خود در سال ۲۰۰۴ متوجه برگزاری جشن بزرگی شدند که انجمن ایرانی — امریکایی شمال ویرجینیا ۲ تحت عنوان «شب همبستگی با ایران» در «مرکز کنوانسیون» در واشنگتن دی سی (DC) به هدف گرد آوری پول برای قربانیان زلزله بم (Bam) در ایران برگزار کرد.<sup>۲</sup> در اثر این زلزله بیش از ۳۰۰۰۰ هزار نفر کشته شدند بدین منظور اعلام شد که تمامی این پول به صلیب سرخ بین‌المللی واگذار خواهد شد. این البته با واقعیت خوانایی نداشت. تحقیقات بعدی دفتر اف بی آی نشان داد که پول‌ها برای مجاهدین خلق جمع آوری شده است.<sup>۳</sup> بعد از آن وزارت دارایی ایالات متحده پول‌ها را ضبط و حساب را مسدود کرد.<sup>۴</sup>

گزارش دفتر تحقیقات فدرال (FBI) در سال ۲۰۰۴ سازمان مجاهدین خلق را متهم کرد که «از طریق فعالیت بین‌المللی پیچیده‌ای» با حساب‌های بانکی خود در ترکیه، آلمان، فرانسه، بلژیک، نروژ، سوئد، اردن، و امارات متحده عربی «پول‌شویی می‌کند».<sup>۵</sup> همین‌طور هم «کمسیون خیریه بریتانیا» یک سازمان خیریه ی ساختگی به نام «کمک ایران» (Iran Aid) که به نام مجاهدین خلق ثبت شده بود و سالانه بیش از پنج میلیون پوند جمع آوری می‌کرد را منحل کرد زیرا «ارتباط قابل اثباتی بین آنچه مردم بریتانیا کمک می‌کردند و فعالیت خیرخواهانه در ایران» نمی‌شد تعیین کرد.<sup>۶</sup>

۱- راند؛ انستیتو ملی تحقیقات دفاعی. همان‌جا. ص. ۶۴.

۲- انجمن ایرانی — امریکایی ویرجینیای شمالی در این فاصله منحل شد.

۳- اعضای مجاهدین خلق مدت‌ها در این باره بحث می‌کردند که «شورای ملی مقاومت ایران» سازمانی جدا شده از مجاهدین خلق است، ولی تحقیق همه جانبه اف. بی. آی که در سال ۲۰۰۴ منتشر شد، به این نتیجه‌گیری رسید که این شورا نه سازمانی جدا بلکه بخش جدایی‌ناپذیر مجاهدین خلق است. نگاه کنید به:

The Huffington Post, by Christina Wilkie, „Mujahideen-e Khalq: Former U.S. Officials Make Millions Advocating For Terrorist Organization”, 08/08/2011, Updated December 06, 2017; [https://www.huffpost.com/entry/mek-lobbying\\_n\\_913233](https://www.huffpost.com/entry/mek-lobbying_n_913233).

۴- دفتر اف بی آی علاوه بر انجمن ایرانی — امریکایی شمال ویرجینیا، انجمن‌های ایرانی — امریکایی دیگری در جنوب فلوریدا، تکزاس و کلرادو را شناسایی کرده است که برای مجاهدین خلق لابی‌گری می‌کنند. نگاه کنید به: The Guardian, Chris McGreal in Washington, „Iranian exiles, DC lobbyists and the campaign to delist the MEK”, 21 September 2012, <https://www.theguardian.com/world/2012/sep/21/iranian-exiles-lobbyists-delist-mek>

۵- رجوع کنید به:

The Guardian, Chris McGreal in Washington, „Iranian exiles, DC lobbyists and the campaign to delist the MEK”, همان‌جا

۶- رجوع کنید به:

U.S. Department of Justice, Federal Bureau of Investigation, „Mujahedin-e Khalq (MEK), Criminal Investigation, Los Angeles, California 90024, November 29, 2004; <https://www.aei.org/wp-content/uploads/2014/05/FBI%20-%20REPORT.pdf>

۷- رجوع کنید به:

Baldwin, Tom, „Millions Lost in Iranian Charity Black Hole”, Times (London), September 15, 2000.

FBI اداره پلیس جنایی فدرال آلمان را در جریان تحقیقات خود علیه مجاهدین خلق در ایالات متحده قرار داد و آلمان فدرال هم تحقیقاتی علیه مجاهدین خلق انجام داد.<sup>۱</sup> پس از بررسی‌های چندی به اصطلاح خانه‌ها و محل‌هایی که فرزندان هواداران مجاهدین خلق در آن‌ها نگهداری می‌شدند<sup>۲</sup> و سال‌های سال کمک مالی دولتی و مدد معاش فرزند دریافت می‌کردند بسته شد. مجاهدین به داشتن نیات فریب‌کارانه متهم شدند چون آن‌ها به ناحق بین پنج تا ده میلیون دلار امریکایی کمک دولتی دریافت کرده بودند. این کودکان در آغاز جنگ خلیج به اروپا فرستاده شدند.<sup>۳</sup>

روش دیگر بهبود وضعیت مالی سازمان از این قرار بود که مجاهدین خلق منابع مالی خود که عمدتاً از صدام حسین گرفته بودند (۱۹۸۴—۲۰۰۳)<sup>۴</sup> را به تدریج در اموال غیر منقول از قبیل هتل و شرکت‌های بزرگ در سراسر جهان سرمایه‌گذاری کردند.<sup>۵</sup> از پرتو این سرمایه‌گذاری‌ها سازمان توانست طی سال‌ها وضعیت اقتصادی خود را به نحو چشمگیری بهبود بخشد.<sup>۶</sup> حدس زده می‌شود که این سازمان از کشورهای عربی نیز، مخصوصاً عربستان سعودی، کمک مالی دریافت می‌کند.<sup>۷</sup>

این واقعیت که مجاهدین خلق در مسابقه فوتبال بین ایران و ایالات متحده آمریکا در محدوده جام جهانی ۱۹۹۸ فیفا (۱) در لییون فرانسه در «Stade de Gerland» ۷۰۰۰ بلیط از ۴۲۰۰۰ بلیط را خریدند تا به کمک هواداران خود پرچم‌هایی با شعارهای ضد جمهوری اسلامی ایران به محل برگزاری بازی‌ها ببرند و برای مریم رجوی تبلیغ کنند، هم ثابت می‌کند که این سازمان باید بسیار ثروتمند باشد که از عهده چنین خریدهای عمده‌ای برمی‌آید.<sup>۸</sup>

۱- همان‌جا.

۲- به مناسبت بحران خلیج، مجاهدین خلق حدود پانصد تا ششصد کودک بین یک تا ۱۵ ساله را از طریق اردن به کشورهای اروپا و خارج فرستادند که به حمایت طرفداران مجاهدین خلق در آیند و از این طریق به عنوان والدین خردسالان از دولت محلی آلمان برای هر یک بچه کمک مالی دریافت کنند. بدین ترتیب دیگر کودکی در آن سال‌ها در اردوگاه‌های اشرف پیدا نمی‌شد.

۳- راند؛ انستیتو ملی تحقیقات دفاعی؛ همان‌جا؛ ص. ۵۹.

۴- پاره‌ای ناظرین براین باورند که مجاهدین خلق با آغاز جنگ ایران و عراق از سال ۱۹۸۲ کمک مالی از صدام حسین دریافت کرده بودند زیرا در آن زمان سازمان مجاهدین خلق خواه ناخواه به عنوان نیروی اپوزیسیون رژیم خمینی شناخته شده بود و بنابراین، صدام حسین بسیار علاقه داشت از آن‌ها حمایت کند.

۵- طبق اظهارات اعضای پیشین مجاهدین خلق که قبلاً در بخش‌های مالی مختلف اردوگاه‌های اشرف فعالیت داشتند، مجاهدین خلق در شهرهای بزرگ اروپا و در دوی صاحب هتل‌اند و شرکت‌هایی هم در اندونزی و مالزی دارند.

۶- اعضای سابق مجاهدین خلق گفتند که مجاهدین در شرکت سهامی هم سرمایه‌گذاری کرده‌اند و سودهای کلانی برده‌اند.

۷- رجوع کنید به:

The Guardian, Arron Merat, همان‌جا.

۸- رجوع کنید به:

به دلیل این‌که در سازمان مجاهدین خلق نه شفافیت وجود دارد و نه مدیریت مالی آن افشا می‌شود، نشان دادن تصویر دقیقی از ذخائر ارزی آن‌ها تقریباً غیر ممکن است. با این همه، واقعیت این است که مجاهدین خلق و شاخه‌های غیر نظامی آن‌ها شبکه‌ی مالی با شرکت‌های گوناگون در اروپا، آسیا، خاور نزدیک و آفریقا با ذخیره‌ای حدود چند میلیون دلار امریکایی در اختیار دارند.<sup>۱</sup>

## کمک‌های مالی مجاهدین خلق به حزب راست افراطی فوکس (Vox) در اسپانیا

روزنامه اسپانیایی «El Pais» در شماره ۲۱ ژانویه ۲۰۱۹ خود گزارش داده است که حزب دست راستی افراطی «Vox» که به کمک نماینده پارلمان کاتالانی، الخو ویدال کوادراس (Alejo Vidal-Quadra) (۲۰۰۹-۲۰۱۴) برای نخستین بار در ماه دسامبر ۲۰۱۸ با یازده درصد آرا به پارلمان آندالوزیا انتخاب شد<sup>۲</sup>، مبلغ ۹۷۱.۸۹۰ یورو پول دریافت کرده است.<sup>۳</sup> تامین کننده این پول مجاهدین خلق بودند که با اسم مستعار معمول «شورای ملی مقاومت» فعالیت خود را بمنظور گسترش نفوذ خود در اروپا آغاز کرده بودند.

طبق نظر شاهدان پایه ریزی این حزب بدون حمایت مالی هواداران «شورای مقاومت ملی» تقریباً غیر ممکن بوده است. روزنامه اسپانیایی «El Pais» افشا کرد که بین ماه دسامبر ۲۰۱۳ و آوریل ۲۰۱۴، دست کم، مبلغ ۹۷۱۸۹۰ هزار یورو به حساب این حزب اسپانیایی واریز شده است. پول‌هایی که از طرف اپوزیسیون ایرانی واریز می‌شد را بخش بخش کردند. هیچ بخشی از این کمک‌ها بیشتر از ۲۰۰۰ یورو نبود و این پول‌ها به ۱۵ کشور مختلف از جمله آلمان، سوئیس، ایتالیا، کانادا و ایالات متحده فرستاده شد.<sup>۴</sup>

---

FOURFORTWO, by Neil Billingham, 'USA vs Iran at France '98: the most politically charged game in World Cup history'; <https://www.fourfourtwo.com/features/usa-vs-iran-france-98-most-politically-charged-game-world-cup-history#87L720H0abh&pzFj>; 99

۱- رجوع کنید به:

Wilfried Buchta: Who Rules Iran? The Structure of Power in the Islamic Republic. Washington Inst., 2000, ISBN 0-944029-36-1, page 104.

۲- رجوع کنید به مجله آلمانی اشپیگل:

DER SPIEGEL Politik, von Raniah Salloun und Christoph Sydow, „Iranische Regimegegner sponserten Vox-Partei - 971.890 Euro für Spaniens Ultrarechte“, vom 23.01.2019; <https://www.spiegel.de/politik/ausland/vox-regimegegner-aus-iran-finanzierten-rechtsextreme-partei-in-spanien-a-1249565.html>

۳- رجوع کنید به:

El Pas, Joaquin Gil y Jos Mara Irujo: «Vox se fund con un millón de euros del exilio iraní», 21. Januar 2019.

حالی که در آن زمان الخو ویدال کوادراس (Alejo Vidal Quadras) پذیرفت که «کمک‌ها از سوی حامیان شورای ملی مقاومت ایران بوده است» جانشین او و رئیس کنونی حزب، سانتیاگو ابسکال (Santiago Abscal) اعلام کرد هیچ پول ایرانی به حساب حزب واریز نشده و کمک‌ها از اشخاصی است که احتمالاً خارجی بوده‌اند. این پول‌ها ظاهراً باید به حزب نوینباد وُکس کمک کند که در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۴ در اشتراسبورگ به پارلمان وارد شوند، امری که نا موفق ماند.<sup>۱</sup> ویدال کوادراس پس از این شکست حزبی که خود بنیان گذاشته بود را ترک کرد و بدین ترتیب مجاهدین خلق کمک مالی خود را به حزب افراطی راست وُکس قطع کرد.

## پاداش و رشوه به سیاستمداران خارجی

از سال ۲۰۰۲ مجاهدین خلق تلاش کردند سیاستمداران آمریکایی و اروپایی را به طرفداری از خود جلب کنند. از طریق لابی‌گری و پرداخت پول بسیار زیاد به سیاستمداران آمریکایی توانستند در سال ۲۰۱۲ (۲۸ سپتامبر) نام خود را از فهرست سازمان‌های تروریست وزارت خارجه آمریکا حذف کنند. در حالی که دادن پول به سیاستمداران ایالات متحده به هدف حذف سازمان مجاهدین خلق از فهرست سازمان‌های تروریست وزارت خارجه ایالات متحده تا سال ۲۰۱۲ ادامه یافت، سازمان تلاش کرد افرادی از مقامات دولتی آمریکا را با دادن پول برای کارزارها و میتینگ‌های خود جذب کند.<sup>۲</sup>

مجاهدین خلق برای جذب سرمایه و لابی‌گری خود از روشی استفاده کردند که بر سه محور استوار بود، نخست بی‌اطلاعی نمایندگان از مجاهدین خلق و این که آن‌ها چه کسانی هستند، دوم پول‌هایی که صرف مبارزه انتخاباتی می‌کنند و سوم این نظر بسیار متداول که سیاستمداران ایالات متحده خواه و ناخواه از رژیم ایران خوششان نمی‌آید. از این رو، نمایندگان موظفند به هر کس که مخالف رژیم ایران است کمک کنند.<sup>۳</sup> فقدان دانش نهادینه

۱- ویدال کوادراس در سال ۲۰۰۹ مجاهدین خلق را در مقر اصلی آن زمانشان در اردوگاه اشرف در شمال بغداد ملاقات کرد.

۲- حزب راست افراطی وُکس در رای‌گیری در ماه مه ۲۰۱۴ با ۶،۱ رای نتوانست سه درصد آرای لازم را بدست آورد. نگاه کنید به مجله اشپیکل. همان‌جا.

۳- در ماه ژوئن سال ۲۰۱۲ نیوت گینگریج؛ (، سخنگوی سابق مجلس نمایندگان ایالات متحده و کاندید پیشین جمهوری خواه ریاست جمهوری برای ایراد سخنرانی در تظاهرات مجاهدین خلق به پاریس رفت. این سیاست مدار آمریکایی در مراسم خوش آمد گویی مجاهدین در برابر مریم رجوی تعظیم کرد و بهمین خاطر از سوی رسانه‌های ایالات متحده شدیداً مورد انتقاد قرار گرفت. نگاه کنید به:

The Atlantic, Max Fisher, „Here’s the Video of Newt Gingrich Bowing to the Leader of an Iranian Terrorist Group” July 2, 2012; <https://www.theatlantic.com/international/archive/2012/07/heres-the-video-of-newt-gingrich-bowing-to-the-leader-of-an-iranian-terrorist-group/259313/>

۴- رجوع کنید به:

The Intercept, Ali Gharib, Eli Clifton, همان‌جا.



در دولتمردان مستقر در «تپه کاپیتول» و نوسان در بین همکاران آن‌ها پیرامون مجاهدین خلق موقعیت مناسبی بود تا مجاهدین طرح‌های خود را پیش ببرند.<sup>۱</sup>

روزنامه گاردین، روزنامه معروف بریتانیا، و سازمان خبرگزاری «The Intercept»<sup>۲</sup> برنده جایزه، گزارش داده‌اند که چگونه مجاهدین خلق با پرداخت مبالغ گزاف پول به سیاستمداران و شرکت‌های لابی‌گری<sup>۳</sup> آمریکایی موفق شدند آن سازمان را از فهرست سازمان‌های تروریستی خارج کنند.<sup>۴</sup> تحقیقی که روزنامه گاردین (۲۰۱۲) درباره‌ی «مرکز سیاست پاسخگو»<sup>۵</sup> انجام داد، نشان داد که انتقال دائمی پول از طریق سازمان‌های ایرانی – آمریکایی و انجمن‌ها به سیاستمداران آمریکایی و نمایندگان کنگره به هدف حذف نام

۱- هواداران مجاهدین خلق همکاران جوان نمایندگان کنگره که هیچ اطلاعاتی از مجاهدین خلق نداشتند را در دفاترشان منتظر می‌مانند تا نماینده به دفترش وارد شود و آن‌ها با وسایلی که با خود داشتند او را غافلگیر کنند. نگاه کنید به:

همان‌جا، The Intercept, Ali Gharib, Eli Clifton,

۲- اینترنت‌سپت یک سازمان خبرگزاری است که برنده جایزه بوده و وظیفه خود میداند که «قدرتمندان» را از طریق روزنامه نگاری جنجالی و بی‌باکانه به پاسخگو بودن وادارد. تحقیقات و تحلیل‌ها به سیاست، جنگ، مراقبت، فساد، محیط زیست، تکنولوژی، وکیل جنایی و رسانه‌ها مربوطند. این سازمان خبرگذاری بر روزنامه نگارانش آزادی تحریر و حمایت قانونی‌ای را عرضه می‌کند که جهت افشای موارد فساد و بی‌عدالتی لازم دارند. آن‌هم هر زمان که با آن روبرو می‌شوند. مقایسه کنید با:

<https://theintercept.com/about/>

۳- تعدادی از اعضای کنگره ایالات متحده از جمله رئیس کمیسیون امور خارجه مجلس نمایندگان، ایلینا رس – لهتینن؛ دست کم بیست هزار دلار کمک مالی از «گروه‌های آمریکایی – ایرانی» جهت کارزار حذف نام مجاهدین خلق از فهرست سازمان‌های تروریست دریافت کرده است. نماینده کنگره، باب فینلر؛ چهارده هزار دلار برای سفرش به پاریس دریافت کرده تا به عنوان سخنران مهمان در تظاهرات مجاهدین خلق شرکت کند. نماینده تکراس کنگره ایالات متحده؛ تد پو؛ رئیس کمیته سرویس اطلاعات مخفی مجلس نمایندگان ایالات متحده، مایک روجرز؛ نماینده کنگره و رئیس کمیته فرعی کمیسیون امور خارجه، دانا رورباخر؛ نیز مبالغی دلار آمریکایی دریافت کردند تا برای حذف نام مجاهدین خلق از فهرست وزارت خارجه ایالات متحده اقدام کنند. استاندار پنسیلوانیا، اد رندل؛ برای سخنرانی هایش در مراسم عمومی به هدف حذف سازمان مجاهدین خلق ایران از فهرست سازمان‌های تروریست صد و پنجاه هزار دلار پول دریافت کرد. رؤسای پیشین سیا؛ جیمز وولزی و پورتر گس هم در فهرست مجاهدین خلق قرار دارند. هر دو را به پاریس و بروکسل بردند تا شرکای اروپایی خود را متقاعد کنند که سازمان مجاهدین خلق سازمان تروریستی نیست. نگاه کنید به:

The Guardian, Chris McGreal in Washington, 'Iranian exiles, DC lobbyists and the campaign to delist the MEK'. <https://www.theguardian.com/world/2012/sep/21/iranian-exiles-lobbyists-delist-mek> & The Guardian, Chris McGreal, 'MEK decision: multimillion-dollar campaign led to removal from terror list', 21 September 2012; <https://www.theguardian.com/world/2012/sep/21/iran-mek-group-removed-us-terrorism-list>

۴- همان‌جا.

۵- «مرکز سیاست پاسخگو» سازمانی بی‌طرف، مستقل و غیرانتفاعی است که خود را گروهی پژوهنده میداند، گروهی که اطلاعاتی را گردآوری می‌کند که نشان دهنده‌ی مقدار پول غیرقانونی‌ای است که به حساب سیاست ایالات متحده واریز شده است. مقایسه کنید با:

<http://www.opensecrets.org>

مجاهدین خلق از فهرست سازمان‌های تروریست، ادامه داشته است.<sup>۱</sup> از آنجائیکه پرداخت مستقیم پول به سیاستمداران ایالات متحده ممنوع بوده و هست، بخصوص این‌که مجاهدین خلق در آن زمان سازمانی تروریست رده بندی شده بود، آن‌ها از شرکت‌های لابی‌گری و دفاتر حقوقی برای پرداخت پول به نمایندگان کنگره استفاده می‌کردند.<sup>۲</sup> همین‌طور هم مجاهدین خلق در انتخابات ایالات متحده تلاش کردند از طریق انجمن‌های ایرانی - امریکایی برای سیاستمداران امریکایی کمک مالی بفرستند.<sup>۳</sup> تعداد اتحادیه‌ها و انجمن‌های ایرانی - امریکایی ساکن در ایالات متحده که چنین مبالغی را به کارمندان عالی‌رتبه و نمایندگان کنگره می‌پردازند بیست گروه برآورد شده است.<sup>۴</sup> منابع اولیه پول‌های گزاف را به ندرت می‌توان تعیین کرد، چون گروه‌های سیاسی که کمک یا از شرکت‌های لابی‌گری حمایت مالی می‌کنند، مجبور نیستند توضیح دهند که کمک‌ها را از کجا دریافت کرده‌اند.<sup>۵</sup> روزنامه گاردین نقل می‌کند که تعدادی ایرانی هم مبالغ گزافی برای لابی‌گرهای پرداخته‌اند.<sup>۶</sup> تحقیقات روزنامه گاردین هم چنین نشان می‌دهد که مقامات ارشد ایالات متحده مبالغ زیادی برای موضع‌گیری رسمی جهت حذف نام مجاهدین خلق از فهرست سازمان‌های

---

۱- برای نمونه در مجموع مبلغ یک و نیم میلیون دلار به سه شرکت درجه یک لابی‌گری برای کارزار حذف نام مجاهدین خلق از فهرست تروریستی وزارت خارجه ایالات متحده و حمایت از اعضای این سازمان در «اردوگاه اشرف» پرداخته شده است. این سه شرکت حقوقی عبارتند از:

DLA Piper; Akin Gump Strauss Hauer & Feld; DiGenova & Toensing;

رجوع کنید به: همان‌جا Chris McGreal, The Guardian.

۲- همان‌جا

۳- رجوع کنید به:

The Intercept, Ali Gharib, Eli Clifton, همان‌جا

۴- رجوع کنید به:

The Guardian, Chris McGreal همان‌جا

۵- همان‌جا

۶- سعید قائمی، رئیس گروه ایرانی - امریکایی در کلرادو، به شرکت لابی‌گری دال آپای پر در واشنگتن مبلغ نهصد هزار دلار پول پرداخته است. علی سود جانی، رئیس گروه ایرانی - امریکایی در تگزاس، طی مدت پنج سال تقریباً صد هزار دلار به لابی‌گران پرداخته است. رئیس گروه ایرانی - امریکایی در شمال کالیفرنیا، احمد معینی منش، مبلغ چهار صد هزار دلار به شرکت لابی‌گری

Akin Gump Strauss Hauer & Feld

پرداخته است. رئیس انجمن «دمکراسی در ایران» در کالیفرنیا، ناصر شریف، یکی از حامیان مشهور مجاهدین خلق است که همواره پول برای سیاستمداران امریکایی تدارک می‌بیند. علی سودجانی در پاسخ به این سوال که آیا این پول‌ها برای سازمان مجاهدین فرستاده می‌شود، گفت که آن‌ها مجاهدین خلق را حمایت نمی‌کنند بلکه پول‌ها برای «آزادی بیان، عدالت و آزادی» در ایران مصرف می‌شود. نگاه کنید همان‌جا. به نوشته:

The Guardian, Chris McGreal.

تروریستی دریافت کرده‌اند.<sup>۱</sup> همین‌طور هم سیاستمداران امریکایی دیگری<sup>۲</sup> که در کابینه رئیس‌جمهور بوش و اوپاما خدمت کرده‌اند در فهرست حقوق‌بگیران مجاهدین خلق قرار دارند.<sup>۳</sup> کارزار مالی مجاهدین خلق سرانجام به آنجا منتهی شد که صد عضو کنگره تصمیم گرفتند از دولت اوپاما بخواهند که مجاهدین خلق را از فهرست سازمان‌های (تروریستی) حذف کند.<sup>۴</sup> علاوه بر سیاستمداران و کارمندان پیشین، روزنامه‌ها و انتشارات آن‌لاینی (On Line) هم که هدفشان تغییر وجهه سازمان به عنوان گروه تروریستی بود به لحاظ مالی حمایت شدند.<sup>۵</sup>

طبق گزارش روزنامه «فارین پلیسی» حامیان امریکایی مجاهدین خلق بخاطر شرکت‌شان در کارزارهای سالانه مجاهدین پاداش خوبی می‌گرفتند، یعنی تا ۵۰۰۰۰ دلار برای هر سخنرانی.<sup>۶</sup> یک کارمند ارشد پیشین وزارت خارجه امریکا گفت که مجاهدین خلق به سخنرانان خیره برای هر سخنرانی ۲۰۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰ هزار دلار در محل اصلی سازمان در پاریس پاداش می‌دهند. تخمین زده می‌شود که جان بولتون (John Bolton)

---

۱- از جمله رئیس پیشین کل ستاد ارتش ایالات متحده، ژنرال هگ شلتن؛ رئیس سابق اف بی آی؛ لوئیس فریه؛ و مایکل بی مسکاسی؛ که به عنوان دادستان کل موارد مربوط به تروریسم را رسیدگی می‌کند، هر یک تا چهل هزار دلار جهت موضع‌گیری رسمی برای حذف نام مجاهدین خلق از فهرست سازمان‌های تروریست دریافت کردند. این نوع پول پرداختن‌ها زمینه‌ساز آن شد که وزارت مالیه ایالات متحده علیه شلتن، فریه، مسکسی و رندل به بررسی این موضوع بپردازد که آیا آن‌ها قانون «حمایت مالی از یک گروه تروریستی» را رعایت یا زیر پا گذاشته‌اند. نگاه کنید همان‌جا، به نوشته:

The Guardian, Chris McGreal

۲- بنا به نوشته روزنامه امریکن سپکتاتور که رئیس آن کنت ار. تیمرمن؛ یکی از اعضای سابق حزب جمهوری خواهان است؛ طی سه سال مبلغ ۲۱۵۰۰۰ دلار به شش عضو کنگره ایالات متحده که برای مجاهدین خلق تبلیغ می‌کردند، پرداخت شده است. نگاه کنید به:

[http://www.iran.org/tib/krt/tas\\_mek.htm](http://www.iran.org/tib/krt/tas_mek.htm)

۳- از جمله تام ریچ؛ نخستین رئیس امنیت داخلی در کابینه رئیس‌جمهور، جورج دبلیو بوش، نخستین مشاور امنیت ملی رئیس‌جمهور باراک اوپاما، ژنرال جیمس ال جونز؛ دمکرات‌هایی چون استاندار سابق ورمونت؛ هووارد دین؛ حتی کارمند عالی‌رتبه ضد تروریسم پیشین بخش دولتی، دل ال دیلی؛ کلارنس پیچ؛ ستون‌نویس روزنامه شیکاگو تریبون، بخاطر سخنرانی‌اش در یک تظاهرات مبلغ ۲۰۰۰۰ دلار دریافت کرد. نگاه کنید به:

The New York Times, by Scott Shane, "For Obscure Iranian Exile Group, Broad Support in U.S." November 26, 2011; <https://www.nytimes.com/2011/11/27/us/politics/lobbying-support-for-iranian-exile-group-crosses-party-lines.html?pagewanted=all>

۴- رجوع کنید به:

The Guardian, Chris McGreal, همان‌جا

۵- رجوع کنید به:

The Atlantic, Max Fisher, همان‌جا

۶- رجوع کنید به:

Foreign Policy, by Rhys Dubin and Dan De Luce, "Bolton's Ascent Gives Iranian Group a New Lease on Life", April 30, 2018; <https://foreignpolicy.com/2018/04/30/bolton-iran-mek-terrorism-trump/>.

که چندین بار به هدف حمایت از مجاهدین خلق در مراسم آن‌ها شرکت داشته، ۱۸۰۰۰۰ دلار دریافت کرده است. او طبق پرسش‌نامه‌های مالیاتی برای فقط یک بار حضور در تظاهراتی که مجاهدین خلق تحت نام «ایران آزاد» در پاریس در سال ۲۰۱۷ برگزار کردند، ۴۰۰۰۰ هزار دلار پول دریافت کرد.<sup>۱</sup>

وب سایت اینترسیت (The Intercept) نیز برای اثبات جریان پولی که به حساب نمایندگان و سیاستمداران ایالات متحده واریز شده، تحقیقاتی انجام داده است. این وب سایت به این نتیجه رسیده است که از سال ۲۰۰۹ به بعد هواداران مجاهدین خلق حدود ۳۳۰۰۰۰ دلار برای انتخابات امریکا پول واریز کرده‌اند.<sup>۲</sup> سازمان خبری کریستین ساینس مانیور (Christian Science Monitor) توانست با تحقیقات خود به شیوه‌های گزینش سخن‌گویان میهمان پی‌برد. سیاستمداران امریکایی قاعدتا از طریق «نگاه‌های سخنرانی»<sup>۳</sup> که با آن‌ها تماس می‌گیرند و به آن‌ها می‌گویند که برای بیست دقیقه سخنرانی<sup>۴</sup> بیست تا چهل هزار دلار امریکایی دریافت می‌کنند.<sup>۵</sup> یک تیم با سیاستمدار تماس می‌گیرد تا به سخنران بگوید سخنرانی‌اش چه باید باشد.<sup>۶</sup> طبق گزارش سازمان

۱- رجوع کنید به:

The Guardian, Arron Merat, همان‌جا

۲- از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵ سناتور پیشین ایالات متحده و رئیس کمیسیون سنا برای امور خارجه، روبرت مندز؛ بیش از ۲۵۰۰۰ هزار دلار به عنوان کمک مالی در ارتباط با مجاهدین خلق دریافت کرد. سناتور پیشین ایالات متحده، روبرت تورپچلی؛ و دمکراتی از نیوجرسی، طبق اظهارات «کمیسیون انتخابات فدرال» از ماه آوریل سال ۱۹۹۳ تا ماه نوامبر سال ۱۹۹۶ در مجموع ۱۳۶۰۰۰ دلار بخاطر حمایتشان از مجاهدین خلق دریافت کردند. در مصاحبه با روزنامه نیوزویک در سال ۲۰۰۰ همکاران تورپچلی این مبلغ را مبالغه‌آمیز نامیدند. نگاه کنید همان‌جا به نوشته:

The Intercept, Ali Gharib, Eli Clifton, همان‌جا

۳- تقریباً همدی سخنرانان را یکی از سه دفتر بزرگ سخنرانی نمایندگی می‌کند:

Leading Authorities; Washington Speakers Bureau (WSB); and International Speakers Bureau (ISB)

رجوع کنید به:

The Huffington Post, by Christina Wilkie, „Mujahideen-e Khalq: Former U.S. Officials Make Millions Advocating For Terrorist Organization“, 08/08/2011, Updated December 06, 2017; [https://www.huffpost.com/entry/mek-lobbying\\_n\\_913233](https://www.huffpost.com/entry/mek-lobbying_n_913233)

۴- استاندار پیشین پنسیلوانیا، اد رندل در یکی از مراسم مجاهدین خلق سخنرانی کرد و برای ده دقیقه صحبتش ۲۰۰۰۰ هزار دلار پول دریافت کرد. نگاه کنید به:

The Christian Science Monitor, همان‌جا

۵- بیل ریچاردسن، وزیر انرژی سابق، ژنرال پتر پیس، رئیس پیشین رؤسای ستاد مشترک، وسلی کلارک، فرمانده عالی ناتو در اروپا و جیمز جونز مشاور سابق امنیت ملی رئیس جمهور، باراک اوباما. نگاه کنید به:

The Christian Science Monitor, by Scott Peterson, „Iranian group's big-money push to get off US terrorist list“, August 8, 2011; <https://www.csmonitor.com/World/Middle-East/2011/0808/Iranian-group-s-big-money-push-to-get-off-US-terrorist-list%28page%29/3>

۶- چنین قرار دادهایی در صورتیکه سخنرانی‌های بیشتری مورد نظر باشد، به مبلغ ۱۰۰۰۰۰ هزار دلار هم افزایش پیدا می‌کند. نگاه کنید به:

خبری کریستین ساینس مانیتور برای یک صفحه آگهی در روزنامه «نیویورک تایمز» یا روزنامه «واشنگتن پست» جهت اعلام خبر میتینگ‌هایی که در آن سیاستمداران ارشد ایالات متحده شرکت می‌کنند تا ۱۷۵۰۰۰ دلار پرداخته می‌شود<sup>۱</sup>. بدیهی است که چنین میتینگ‌هایی در هتل‌های معروف در پاریس، بروکسل یا برلین برگزار می‌شود<sup>۲</sup>. روزنامه‌ی جدید و خبری هافینگتن پست (The Huffington Post) توانست سیاستمداران دیگری را شناسایی کند<sup>۳</sup> که از باصطلاح هواداران ایرانی — امریکایی مجاهدین خلق بخاطر حمایتشان از این سازمان پاداش گرفتند<sup>۴</sup>. طبق گزارش روزنامه‌ی «Wall Street Journal» سیاستمداران امریکایی که در میتینگ‌های مجاهدین خلق شرکت می‌کنند بین ۲۵ تا ۴۰ هزار دلار پاداش در نظر گرفته می‌شود<sup>۵</sup>.

---

The Christian Science Monitor, by Scott Peterson, همان‌جا.

۱- همان‌جا.

۲- کنفرانس‌هایی که در آن زمان با سیاستمداران برگزار می‌شد، توسط موسسه حقوقی

Executive Action LLC

اداره می‌شد که نیل لیوینگستون، مدیر عامل آن موسسه است. او یکی از اعضای «کمیته سیاست‌گذاری ایران» است که مالک آن مجاهدین خلق‌اند. این موسسه حقوقی طی سالیان گذشته گزارش‌هایی را به نفع مجاهدین خلق تهیه کرده است که بین شرکت‌کنندگان در تجمعات توزیع شده است. رجوع کنید به:

The Christian Science Monitor, همان‌جا

۳- برای نمونه خانم الن لن چائو؛ که وزیر راه و ترابری دولت ترامپ از سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۱ و وزیر کار از ۲۰۰۹ تا ۲۰۰۹ در دولت بوش بود، در سال ۲۰۱۵ برای پنج دقیقه سخنرانی مبلغ ۵۰۰۰۰ دلار دریافت کرد. نگاه کنید به:

The Intercept, Mehdi Hasan, «HERE'S WHY WASHINGTON HAWKS LOVE THIS CULTISH IRANIAN EXILE GROUP - The MEK, an ex-terrorist group pushing regime change in Iran, aligns with D.C.'s most hawkish denizens — and also cuts fat checks for them». July 7, 2017; <https://theintercept.com/2017/07/07/mek-iran-rajavi-cult-saudi-gingrich-terrorists-trump/>.

ژنرال سابق نیروی دریایی و فرمانده کل ستاد مرکزی ایالات متحده، آنتونی چارلز زینی؛ برای هشت دقیقه سخنرانی در تظاهرات مجاهدین خلق مبلغی بین ۲۰۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰ دلار امریکایی دریافت کرد. نگاه کنید همان‌جا. به نوشته:

The Huffington Post, by Christina Wilkie,

مایکل برنارد موکاسی؛ قاضی فدرال، که از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹ به عنوان هشتاد و یکمین دادستان کل ایالات متحده انجام وظیفه می‌کرد در مصاحبه‌ای اظهار داشت که برای «دستمزد سخنرانیش» ۱۵ تا بیست هزار دلار خواسته است. نگاه کنید به:

The New York Times, by Scott Shane, «For Obscure Iranian Exile Group, Broad Support in U.S.» November 26, 2011.

۴- استاندار پیشین نیویورک، رودی جولیانی؛ رئیس سابق کاخ سفید زمان رئیس جمهور بوش، اندی کار؛ استاندار سابق ورمونت؛ هوارد دین؛ و کارمند دولت، پاتریک کندی. نگاه کنید به:

The Huffington Post, Christina Wilkie, همان‌جا

۵- رجوع کنید به:

The Wall Street Journal, by Keith Johnson, Jay Solomon and Scott Greenberg, «Banned Terror Group Seeks U.S. Rebirth». Updated May 13, 2011; <https://www.wsj.com/articles/SB10001424052748704810504576307102942382660>

تعظیم کردن نیوتن لروی گینگریچ (Newton Leroy Gingrich)، سخنگوی سابق حزب جمهوری خواه، در مجلس نمایندگان ایالات متحده؛ جلوی مریم رجوی<sup>۱</sup> در ماه ژوئیه ۲۰۱۲ و همینطور حضور نمایندگان ارشد سیاست امریکا، کسانی چون جولیان<sup>۲</sup>، بولتون<sup>۳</sup> و لیبرمن (Lieberman) در کارزارهای مجاهدین خلق<sup>۴</sup> باعث خشم زیادی در ایالات متحده شد. بسیاری از ناظران این سؤال را مطرح کردند که این افراد چقدر هویت خود را به مجاهدین خلق ارزان فروخته اند.<sup>۵</sup>

همچنین سیاستمداران بریتانیایی از جمله باب بلکمن (Bob Blackman) و متیو اوفورد (Matthew Offord) محافظه کار و روجر گادسیف (Roger Godsiff) توبی پرکینس (Toby Perkins) از مجاهدین خلق حمایت کردند. نماینده محافظه کار و وزیر سابق، ترزا ویلیرز، (Theresa Villiers) در میتینگ‌های سالانه مجاهدین خلق در پاریس در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ شرکت کرد. نماینده محافظه کار سانتند وست (Southend West)، دیوید امس (David Amess)، حتی برای شرکت در میتینگ مجاهدین خلق جهت سخنرانی و پشتیبانی از آن‌ها به ایالات متحده سفر کرد.<sup>۶</sup> در سال

۱- رجوع کنید به:

The Atlantic, Max Fisher, „Here's the Video of Newt Gingrich Bowing to the Leader of an Iranian Terrorist Group” July 2, 2012; <https://www.theatlantic.com/international/archives/2012/07/heres-the-video-of-newt-gingrich-bowing-to-the-leader-of-an-iranian-terrorist-group/259313/>

۲- رودلف ویلیام لوییز «رودی» جولیان<sup>۲</sup> سوم؛ وکیل مدافع و سیاست مدار حزب جمهوری خواه امریکاست. او از اول ژانویه سال ۱۹۹۴ تا ۳۱ ماه دسامبر سال ۲۰۰۱ صد و هفتمین شهردار نیویورک بود. او طی ریاست جمهوری ترامپ در سال ۲۰۱۸ مشاور حقوقی او بود. مقایسه کنید با:

[https://de.wikipedia.org/wiki/Rudy\\_Giuliani](https://de.wikipedia.org/wiki/Rudy_Giuliani).

۳- جان روبرت بولتن متولد سال ۱۹۴۸ تا ۹ آوریل سال ۲۰۱۸ تا زمان کناره‌گیری در ۱۰ سپتامبر سال ۲۰۱۹ مشاور امنیتی ملی رئیس جمهور، دونالد ترامپ، بود. جان بولتن، یکی از معماران جنگ عراق در سال ۲۰۰۳ و از اوت ۲۰۰۵ تا دسامبر ۲۰۰۶ سفیر ایالات متحده در سازمان ملل بود. مقایسه کنید با:

[https://de.wikipedia.org/wiki/John\\_R.\\_Bolton](https://de.wikipedia.org/wiki/John_R._Bolton).

۴- از جمله کسانی که در تظاهرات بزرگ در سال ۲۰۱۶ در پاریس شرکت کردند: جان بولتن، بیل ریچاردسن؛ سفیر سابق ایالات متحده، میشل موکاسی؛ دادستان کل، فرانس تانسند؛ مشاور سابق امنیت داخلی، و هوارد دین؛ استاندار سابق ورمونت؛ و استاندار سابق نیویورک، رودی جولیان<sup>۲</sup> بودند. رجوع شود به:

[https://ne-np.facebook.com/bbcpersian/videos/10154046769122713/?video\\_source=permalink](https://ne-np.facebook.com/bbcpersian/videos/10154046769122713/?video_source=permalink)

۵- رجوع کنید به:

The Intercept, Mehdi Hasan, „HERE'S WHY WASHINGTON HAWKS LOVE THIS CULTISH IRANIAN EXILE GROUP - The MEK, an ex-terrorist group pushing regime change in Iran, aligns with D.C.'s most hawkish denizens — and also cuts fats checks for them”. July 7, 2017; <https://theintercept.com/2017/07/07/mek-iran-rajavi-cult-saudi-gingrich-terrorists-trump/>

۶- رجوع کنید به:

The Guardian, Arron Merat, همان جا.

۲۰۱۸ مایک هنکک (Mike Hancock) که بخاطر رفتار اشتباه خود در مقابل یک رای‌دهنده اقرار و از حزب لیبرال دمکرات کناره‌گیری کرده بود و میشل توماس (Michelle Thomas) که در سال ۲۰۱۵ مجبور شد بخاطر معامله‌ی ملکی مورد مشاجره ای از وکالت خود در پارلمان بریتانیا صرف نظر کند و اسقف پیشین آکسفورد، جان پریچارد (John Pritchard) در میتینگ‌های مجاهدین خلق شرکت کردند.<sup>۱</sup> انکار نمی‌توان کرد که شرکت سیاستمداران ارشد ایالات متحده یا اروپا در بین اعضای حاضر مجاهدین خلق حس امیدواری و اطمینان به این‌که رژیم در آینده نزدیک سقوط کند بوجود می‌آورد.<sup>۲</sup> این واقعیت که اعضای مجاهدین خلق نمی‌دانند که حضور این رهبران فقط با دستمزدهای کلان ممکن شده شاهد دیگری است بر این‌که مجاهدین اعضای خود را فریب می‌دهند و با شیوه‌های نادرست کار می‌کنند.

## همکاری با سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه

پس از حذف نام مجاهدین از فهرست سازمان‌های تروریست، نظر برخی از کشورهای غربی و دولت‌های عربی و همین‌طور اسرائیل به این سازمان جلب شد. آن‌ها امیدوار بودند که این سازمان از طریق هواداران خود در ایران بتواند اطلاعات محرمانه در اختیار آن‌ها قرار دهد. از این‌روست که مجاهدین خلق متهم می‌شوند سازمان‌های امنیتی خارجی از آن‌ها سوء استفاده کرده تا عملیاتی در خاک ایران انجام داده و اطلاعات مهمی در باره برنامه‌ی اتمی ایران، عملیات نظامی سپاه پاسداران و نیز ارتش در اختیار آنان بگذارند.<sup>۳</sup> طبق گزارشات خبرگزاری‌های امریکایی بوش، رئیس‌جمهور سابق، دستور «عملیات

۱-۲۳۵- همان‌جا

۲-۳۳۶- رجوع کنید به:

Siehe The New York Times: "M.E.K.: 'The Group John Bolton Wants to Rule Iran'", 2018/05/07; <https://www.nytimes.com/2018/05/07/world/middleeast/john-bolton-regime-change-iran.html>; Observer, Davis Richardson, "What John Bolton's Iranian Regime Change Looks like", 05/22/19, <https://observer.com/2019/05/john-bolton-mek-iranian-regime-change/>; The Intercept, Robert Mackey, "Here's John Bolton Promising Regime Change in Iran by the End of 2018"; 7 May 2018, <https://www.nytimes.com/2018/05/07/world/middleeast/john-bolton-regime-change-iran.html>; The Guardian, Rudy Giuliani calls for Iran regime change at rally linked to extreme group - Trump lawyer speaks at Paris event staged by MeK, once listed as terrorist organization and widely seen as a personality cult, 30 June 2018, <https://www.theguardian.com/us-news/2018/jun/30/rudy-giuliani-mek-iran-paris-rally> & Free Iran rally 2019 - Day 3, Main event, July 13, 2019; "Key remarks by Mayor Rudy Giuliani in Free Iran International Conference", PMOI/MEK Free Iran Conference: Opposition rally in Ashraf 3, Albania <https://english.mojahedin.org/i/rudy-giuliani-free-iran-2019-ashraf-3-albania>.

۳-۳۳۷- رجوع کنید به:

همان‌جا, Bahman Nirumand, Die Tageszeitung (taz).

مخفی» در ایران را صادر کرده بود.<sup>۱</sup>

## حضور رئیس سرویس اطلاعاتی عربستان سعودی، شاهزاده بن فیصل آل سعود

(Turki bin Faisal al Saud)، در روز نهم ماه ژوئیه سال ۲۰۱۶ در پاریس به مناسبت میتینگ بزرگ مجاهدین خلق<sup>۲</sup> — که در آن مهمانان بین‌المللی زیادی شرکت داشتند — و سخنرانی او دلیل دیگری است بر این‌که مجاهدین خلق خود را در خدمت سازمان‌های اطلاعاتی خارجی قرار داده‌اند.<sup>۳</sup> در این رابطه موضع‌گیری کلر لویز (Clare Lopez)، نایب رئیس سیاست و برنامه «مرکز خط مشی امنیتی» (CSP) و نایب رئیس



Source: <https://iranpress.com/content/5886/saudi-arabia-supports-mko-terror-group>  
& [https://www.youtube.com/watch?v=C-Z1fav\\_OVk](https://www.youtube.com/watch?v=C-Z1fav_OVk)

«نشست اطلاعاتی، عضو ارشد پروژه های کلاریون» (Clarion-Projekts) ایالات  
متحده، در خصوص ورود غیر منتظره شاهزاده ترکی بن فیصل آل سعود (Turki bin

۱ - رجوع کنید به:

The Guardian, Arron Merat. همان جا.

۲- شاهزاده بن فیصل آل سعود در همایش مجاهدین خلق که در ۱ ژوئیه ۲۰۱۷ در پاریس تشکیل شد نیز حضور داشت.

۳- تصویری از مریم رجوی که جلوی تریبون سخنرانی به شاهزاده عربستان سعودی، ترکی بن فیصل آل سعود؛  
خوش آمد می گوید. مقایسه کنید با:

<https://iranpress.com/content/5886/saudi-arabia-supports-mko-terror-group>



Faisal al Saud) در میتینگ مجاهدین خلق در پاریس اهمیت داشت. او (کلارا لویز) گفت «اگرچه بن فیصل در این باره اشکارا صحبتی نکرد اما می‌توان انتظار داشت که اتحاد جدید بین «شورای ملی مقاومت ایران» و کمک مالی ریاض (به آن‌ها) تبادل اطلاعات و همکاری احتمالی در عملیاتی را در برداشته باشد که هدف آن سرنگونی رژیم کنونی در تهران است» افزون براین، او تایید کرد که «حمایت رسمی دولت ریاض از بزرگترین، مورد اعتماد ترین و متشکل ترین جنبش اپوزیسیون ایرانی در خاورمیانه اثرات خود را خواهد داشت»<sup>۱</sup>.

بین سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۱۲ پنج دانشمند اتمی ایران با سم یا گلوله موتور سواران کشته شدند. در سال ۲۰۱۲ خبرگزاری امریکایی NBC، به استناد دو کارمند امریکایی که نامشان برده نشده، گزارش داد که حملات علیه دانشمندان اتمی را سازمان امنیت اسرائیل برنامه ریزی کرده است و «عوامل» مجاهدین خلق در ایران آن‌را انجام داده‌اند. سخنگوی سازمان مجاهدین خلق این ادعا را «ادعای غلطی نامید که رژیم ملایان منبع اصلی آن بوده است»<sup>۲</sup>.

در حالی که مجاهدین ارتباط با اسرائیل را رد می‌کنند<sup>۳</sup>، در روزنامه‌های اسرائیلی گزارش می‌شود که «مخالفین ایرانی» را اسرائیل آموزش می‌دهد<sup>۴</sup> و هدف تخریب برنامه اتمی ایران و نابودی دانشمندان آن است<sup>۵</sup>. برای توجیه این امر به این اشاره می‌شود که اسرائیل از هر وسیله قابل تصویری استفاده می‌کند تا «قصد نسل‌کشی» رژیم خمینی را خنثی کند: «مجاهدین خلق ممکن است متحدین جالبی نباشند، اما با زیر ساخت‌هایی که دارند و حمایتی که در داخل کشور از آن‌ها می‌شود، سلاح ایده‌آلی علیه آیت‌الله‌ها هستند»<sup>۶</sup>. همین‌طور هم روزنامه بریتانیایی معروف Independent در مقاله‌ای در باره کشتار دانشمندان فیزیک اتمی ایرانی نوشت که مفسرین اسرائیلی پیوند بین مجاهدین خلق و ارتش اسرائیل را تایید کرده بودند<sup>۷</sup>. روزنامه بریتانیایی معروف Guardian اشاره

۱ - رجوع کنید به:

Lobe Log, by Eli Clifton, همان‌جا

۲ - همان‌جا

۳ - رجوع کنید به:

Commentary, by Jonathan S. Tobin, 'Israel's Iranian Allies of Convenience', February 09, 2012; <https://www.commentarymagazine.com/jonathan-tobin/iran-israel-peoples-mu-hahedin-terror-nuclear/>

۴ - رجوع کنید به:

New York Post, by Post Staff Report, 'Loose lips', February 10, 2012; <https://nypost.com/2012/02/10/loose-lips-2/>

۵ - رجوع کنید به:

Commentary, by Michael Rubin, 'Re: Israel's Iranian Allies of Convenience', February 13, 2012; <https://www.commentarymagazine.com/michael-rubin/israel-iran-allies/>

۶ - همان‌جا

۷ - رجوع کنید به:

کرده است که دلیل اصلی این که نام مجاهدین خلق از فهرست سازمان‌های تروریست وزارت خارجه حذف شد نه پول دادن به سیاستمداران امریکایی و اسرائیلی بلکه فقط در «اتحاد» با اسرائیل بود.

## فعالیت‌های جمهوری اسلامی ایران علیه مجاهدین خلق در خارج

سال‌هاست که دولت ایران اعضای مجاهدین خلق را در خارج هدف حملات خود قرار می‌داده است. روز ۳۰ ژوئن سال ۲۰۱۸ پلیس بلژیک یک زوج ایرانی (امیر سادونی و نظیمه نامی - Amir Saadouni and Nazimeh Naami) را در مرز بین بلژیک و فرانسه دستگیر کرد. آن‌ها نیم کیلو مواد منفجره TATP و دستگاه‌های احتراق مربوط به آن را همراه داشتند. هدف انفجار این مواد، میتینگ مجاهدین خلق<sup>۲</sup> در سال ۲۰۱۸ بود. این میتینگ در ویلپینت (Villpinte) در نزدیکی پاریس برگزار می‌شد. هم زمان هم دیپلمات رسمی ایرانی، اسدالله اسدی، ۴۹ ساله (Assadollah Assadi) که در سفارت جمهوری اسلامی ایران در وین، اتریش؛ کار می‌کرد؛ روز اول ژوئیه سال ۲۰۱۸ از سوی پلیس آلمان دستگیر شد. او مقدار ۵۵۰ کیلو گرم مواد منفجره که در چمدان همراه خود از تهران به وین حمل کرده بود تا به زوج دستگیر شده در بلژیک تحویل دهد.<sup>۳</sup> طبق گفته مقامات آلمانی اسدالله اسدی مامور وزارت اطلاعات و امنیت ایران بوده و مأموریت «مبارزه با اپوزیسیون در داخل و خارج ایران» را بعهده داشته است. اسدی به این زوج دستور داد که بمب را چگونه منفجر کنند. هم‌دست دیگر اسدی، مهرداد عارفانی (Mehraddad Arefani)، که شهروند ایران بود و قرار بود زوج مذکور را تا ویلپینت همراهی کند نیز دستگیر شد.

روز ۲۷ نوامبر سال ۲۰۲۰ علیه زوج مذکور، دیپلمات ایرانی و یک فرد دیگر بخاطر «اقدام به ترور و مشارکت در فعالیت‌های یک گروه تروریستی» شکایت شد. اسدی، دیپلمات ایرانی، در روز چهارم فوریه ۲۰۲۱ به بیست سال زندان، سادونی به ۱۸ سال، همسرش، نامی، به ۱۵ سال و عارفانی به ۱۷ سال زندان محکوم شدند.<sup>۴</sup> این نخستین

The Independent, Patrick Cockburn, "Just who has been killing Iran's nuclear scientists", 05 October 2013; <https://www.independent.co.uk/voices/comment/just-who-has-been-killing-iran-s-nuclear-scientists-8861232.html>

۱ - رجوع کنید به:

The Guardian, Glenn Greenwald, "Five lessons from the de-listing of MEK as a terrorist group", 2013; <https://www.theguardian.com/commentisfree/2012/sep/23/iran-usa>

۲ - در مراسم سالانه مجاهدین خلق که در سال ۲۰۱۸ اجرا شد؛ چند هزار نفر شرکت کردند، از جمله وکیل مدافع دنالد ترامپ؛ رودی جولیبانی؛ نماینده پیشین کنگره، نوبت گین گریچ؛ نخست وزیر سابق کانادا؛ استفن هارپر و نامزد ریاست جمهوری پیشین کلمبیا؛ واینگرید بتانکورت.

۳ - اسدی مبلغ ۲۲۰۰۰ یورو هم در پاکتی همراه داشت.

۴ - رجوع کنید به:

باری بود که یک دیپلمات ایرانی بخاطر فعالیت تروریستی در اروپا زندانی و محکوم می‌شد. این خود یاد آور قتل دکتر عبدالرحمان قاسملو و دو کرد دیگر در وین در ۱۳ ماه ژوئیه سال ۱۹۸۹ بود. قاتلان قاسملو توانستند بدون هیچ مانعی به ایران باز گردند.<sup>۱</sup> رای دادگاه علیه اسدی را می‌توان موردی بی سابقه در تاریخ دیپلماسی و دادگستری ارزیابی کرد چون اسدی در مرخصی و در خاک آلمان بود و مصونیتش فقط در اتریش اعتبار داشت. دادستان بلژیک وضعیت اسدی را به این معنا تفسیر کرد که یک دیپلمات بخاطر «فعالیت‌های جنایت کارانه اش» نمی‌تواند مصونیت داشته باشد<sup>۲</sup> در این رابطه دولت آلبانی در ماه دسامبر ۲۰۱۸ دو دیپلمات ایرانی را به دلیل مشارکت احتمالی در فعالیت‌های تروریستی از کشورش اخراج کرد.

در ماه اکتبر سال ۲۰۱۸ دولت فرانسه رسماً ایران را بخاطر بمب‌گذاری نافرجام علیه مجاهدین خلق در ویلینت که ممکن بود هم‌اکنون راه بیاندازد مقصر دانست.<sup>۳</sup>

در ماه ژانویه ۲۰۲۰ احمد رضا محمدی دوست دار (Ahmadreza Mohammadi Doostdar)، شهروند ایرانی — امریکایی، از سوی دادگاهی در ایالات متحده به ۳۸ ماه زندان محکوم شد، او متهم شده بود که اعضای مجاهدین خلق را در امریکا کنترل می‌کرده و گزارش فعالیت‌های آن‌ها را برای سازمان امنیت ایران می‌فرستاده است.<sup>۴</sup> گزارش «کتابخانه کنگره بخش تحقیقات فدرال» در سال ۲۰۱۲ از این قرار بود که سازمان امنیت ایران چگونه اعضای سابق مجاهدین خلق را عضو گیری می‌کند تا کارزار اطلاعات نادرست علیه این سازمان براه اندازد.<sup>۵</sup> همچنین روشن است که وزارت اطلاعات و امنیت ایران غیر ایرانی‌ها

France 24, „Iran diplomat given 20 years for Paris bomb plot“, 04/02/2021, <https://www.france24.com/en/live-news/20210204-iran-diplomat-given-20-years-for-paris-bomb-plot> & BBC News, „France bomb plot: Iran diplomat Assadollah Assadi sentenced to 20 years“, 4 February 2021; <https://www.bbc.com/news/world-europe-55931633>

۱ - صحرا رودی، حاج مصطفی مصطفوی و امیر منصور بزرگیان اصل از طرف رژیم ایران و تحت پوشش سفارت ایران در وین ماموریت قتل دکتر عبدالرحمان قاسملو، رهبر کردها را بعهده گرفتند. آن‌ها توانستند بدون هیچ مانعی به کشور خود، ایران، بازگردند (جزئیات ترور عبدالرحمان قاسملو و همراهانش در ۱۳ ماه ژوئیه سال ۱۹۸۹ در کتاب اتوبیوگرافی به زبان آلمانی درج شده است).

۲ - رجوع کنید به:

The Atlantic Council, by Sarah Kay, „The Iran terror trial verdict could forever change terror trials in Europe“, 5 May 2021; <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/iransource/the-iran-terror-trial-verdict-could-forever-change-terror-trials-in-europe/>.

۳ - رجوع کنید به:

France 24, همان جا،

۴ - رجوع کنید به:

Voice of America, by Michael Lipin, Sirwan Kajjo, „Iran Silent on 12 Iranians Detained by US Despite Pledge to Swap Prisoners Again“, Updated April 28, 2020; [https://www.voanews.com/a/middle-east-voa-news-iran\\_iran-silent-12-iranians-detained-us-despite-pledge-swap-prisoners-again/6188311.html](https://www.voanews.com/a/middle-east-voa-news-iran_iran-silent-12-iranians-detained-us-despite-pledge-swap-prisoners-again/6188311.html)

۵ - رجوع کنید به:

The Federal Research Division, Library of Congress under an Interagency Agreement with

را به هدف راه‌اندازی کارزاری علیه مجاهدین خلق در خارج عضوگیری می‌کند.<sup>۱</sup>

---

the Combating Terrorism Technical Support Office's Irregular Warfare Support Program, 'Iran's Ministry of Intelligence and Security: A Profile', December 2012, page 26.

۱ - رجوع کنید به:

Struan Stevenson, 'Iran Intelligence Ministry - a report by The Pentagon and The Library of Congress' 10 January 2013; <https://web.archive.org/web/20190523063747> <https://www.struanstevenson.com/about/parliament/reports/iran-intelligence-ministry-report-pentagon-and-library-congress>.

## ۴. مجاهدین خلق و آینده

### مجاهدین خلق به مثابه ساختاری فرقه‌ای

در حالی که مجاهدین خلق در دهه‌ی هفتاد بین نسل جوان ایرانی بسیار محبوبیت داشتند و در وضعیتی بودند که پس از انقلاب می‌توانستند ۵۰۰ هزار نفر از سمپات‌ها و هواداران خود را به خیابان‌ها فرا بخوانند، زمانی که مسعود رجوی در پاریس سعی کرد از این سازمان نوعی فرقه در خور پرستش بسازد و کیش شخصیت خود را تقویت کند، محبوبیت سازمان کاهش یافت. پس از آنکه او از همسر دومش، فیروزه بنی‌صدر، جدا شد با زن سومش، مریم عضدانلو ( بعد تر، مریم رجوی ) همسر هم رزمش، مهدی ابریشمچی، ازدواج کرد. مهدی ابریشمچی هنوز شوهر مریم عضدانلو بود، اما به دلیل توصیه‌های مسعود رجوی مجبور شد زنش را « در اختیار » گذارد.<sup>۱</sup> این ازدواج<sup>۲</sup> به عنوان « جهش انقلابی » توصیف شد.<sup>۳</sup> برای توجیه این ازدواج استدلال برابری زنان در سازمان ارائه شد. مریم رجوی<sup>۴</sup> می‌بایست در کنار مسعود به عنوان رهبر همپراز قلمداد می‌شد.<sup>۵</sup> به عنوان بخشی از «انقلاب ایدئولوژیک» به همه‌ی زن و شوهرها توصیه شد که از هم

۱ - رجوع کنید به راند؛ انستیتوی ملی تحقیقات دفاعی؛ همان‌جا؛ ص. ۶۰

۲ - پوران بازرگان، بیوه محمد حنیف‌نژاد، بنیانگذار سازمان مجاهدین خلق و نخستین زن مجاهد در نامه‌ی سرگشاده‌ای نوشت که زناشویی از جنبه‌آرمانهای مجاهدین پیشین توهین تلقی می‌شود. او طلاق و ازدواج با همسر یک دوست صمیمی را در تاریخ مجاهدین خلق بی سابقه میدانند.

۳ - از ماه آوریل تا ماه مه ۱۹۸۵ ازدواج مسعود و مریم رجوی در « مجاهد »، بولتن مجاهدین خلق، ستایش می‌شد.

۴ - از آن جاکه زنان ایرانی پس از ازدواج نام خود را همچنان حفظ می‌کنند، بسیاری از این‌که مریم عضدانلو نام خانوادگی‌اش را کنار گذاشت و نام رجوی را برگزید از او انتقاد کردند. بدین ترتیب بحث تساوی زنان در مورد مریم رجوی مورد تردید قرار گرفت.

۵ - راند؛ انستیتوی ملی تحقیقات دفاعی؛ همان‌جا؛ ص. ۶۷-۶۸

جدا شوند<sup>۱</sup> و فرزندان‌شان را برای فرزند خواندگی در اختیار بگذارند<sup>۲</sup> و در بی‌همسری زندگی کنند. پس از این طلاق اجباری، زن و شوهرها می‌بایست انگشترهایشان را در ظرفی بگذارند و از علاقه به یک دیگر صرف نظر کنند<sup>۳</sup>. این قوانین، اما، نه برای زناشویی رجوی صادق بود و نه رهبر مجاهدین خلق مجبور بود زندگی مجردی داشته باشد. از این زمان به بعد مسعود رجوی به عنوان رهبر مادام‌العمر قلمداد شد و همه چیز بر محور او در جریان بود. او هم‌زمان هم رهبر بود و هم نجات‌بخش.

تخلیل، ستایش و قهرمان پرستی مسعود رجوی جای همه آرمانها و هدف‌های سیاسی را گرفت که جوانان دهه‌ی ۷۰ و ۸۰ داشتند. افزون بر این، قوانین سخت‌جدیدی در سازمان به اجرا گذاشته شد. مقررات جدید در سازمان مجاهدین خلق فداکاری مذهبی، نشست رسمی توبه‌کاری<sup>۴</sup>، نشست انتقاد از خود، خودتقریری و جدایی جنسیتی<sup>۵</sup> بود. رهبر مجاهدین خلق از اعضا خواست که ایدئولوژی سازمان را مطالعه کنند و در نشست‌های تلقین عقیده که از طریق آمیزه‌ای از تبلیغ و تاکتیک ترس مشخص می‌شود، شرکت کنند. اعضای این سازمان باید فیلم‌های سخنرانی‌های رجوی و تظاهرات خیابانی مختلف را در سراسر اروپا ببینند<sup>۷</sup>. رهبر مجاهدین خلق «نشست‌های» روزانه، هفتگی و ماهانه دارد. این نشست‌ها شامل اعترافات رسمی اجباری است تا افکار و رفتار انحرافی از اعضا زدوده شود. تصور می‌شود که آن‌ها یکپارچگی گروهی را تضعیف می‌کنند. اعضا موظفند در باره افکار و رویاهای شبانه خود، مخصوصاً افکار و آرزوهای<sup>۸</sup> جنسی خود (که طبعاً ممنوع است) و همین‌طور مشاهدات مربوط به همکاران خود یادداشت‌های روزانه تهیه کنند. باید روزنامه‌هایشان را به مافوق‌های خود نشان دهند. در

۱ - فرمان از این قرار است: ما در حال جنگ هستیم و سربازان — زن و مرد — اجازه زن یا شوهر گرفتن ندارند. رجوع کنید به:

The New York Times, Elizabeth Rubin, 13 July 2003, همان‌جا.

۲ - رجوع کنید به:

Zeit Online, Michael Moenninger, „Die Gtfin des Widerstandes“, 9. November 2006; [https://www.zeit.de/2006/46/Die\\_Goettin\\_des\\_Widerstands/komplettansicht](https://www.zeit.de/2006/46/Die_Goettin_des_Widerstands/komplettansicht).

۳ - راند؛ موسسه ملی تحقیقات دفاعی؛ همان‌جا؛ ص. ۷۱.

۴ - نشست اعتراف به گناه به عنوان نوعی «پاکسازی ایدئولوژیک» نگریسته می‌شود. در این نشست‌ها هر عضوی درباره‌ی آرزوهای جنسی، رویاها و اندیشه‌اش بی‌پرده صحبت می‌کند. راند؛ موسسه ملی تحقیقات دفاعی؛ همان‌جا.  
۵ - جداسازی جنسی از کودکی آغاز می‌شود. دختران اجازه ندارند با پسران صحبت کنند. اگر در چنین وضعیتی دیده شوند، شدیداً مجازات می‌شوند. رجوع کنید به:

The New York Times, Elizabeth Rubin, *ibid.*, page 11

۶ - حتی پمپ بنزین‌ها در اردوگاه اشرف برای زنان و مردان در ساعت‌های متفاوتی باز است. رجوع کنید به: راند؛ موسسه ملی تحقیقات دفاعی؛ همان‌جا؛ ص. ۷۲.

۷ - همان‌جا

۸ - بی‌بی‌سی فارسی در ۱۳ نوامبر ۲۰۱۹ برنامه مفصلی تحت عنوان «مجاهدین خلق، گروهی که اعضایش نباید به سکس فکر کنند» داشت. مقایسه کنید با:

<https://www.youtube.com/watch?v=faHKxKI-ZrI>

نشست‌های بزرگ اعضاء اغلب مجبورند گزارشات خود را نشان دهند و از خود انتقاد کنند.<sup>۱</sup>

هیچ کس حق ندارد از مسعود و مریم رجوی انتقاد کند و هرکس باید به طور معمول در نشست‌های انتقاد از خود شرکت کند. اگر نشانی از مقاومت در کسی دیده شود باید به او به چشم کسی که به حد کافی انقلابی نیست نگریسته شود و بنابر این باید تعلیمات ایدئولوژیک او ادامه پیدا کند. به اعضا همواره یادآوری می‌شود که هر فرد باید احساسات و عواطف خود را به مسعود به عنوان رهبر بگوید که البته با ایران هم‌تراز معنی می‌دهد. عشق به خانواده رجوی باید جای عشق به زن و شوهر و فامیل را بگیرد.<sup>۲</sup> طبق اظهارات اعضای زن سازمان، مریم رجوی، همسر رجوی، شب‌هایی را با اعضای برگزیده زن ترتیب می‌داد که بعدا اجازه داشتند شب را با رهبر به عنوان بالاترین افتخار بگذرانند.<sup>۳</sup>

طبق اظهارات هواداران و اعضای پیشین مجاهدین خلق در مورد اعضایی که مقررات سازمان را رعایت نمی‌کردند<sup>۴</sup> مجازات تعیین می‌شد. مجازات نا سپاسان و کسانی که قوانین ذکر شده را در اردوگاه اشرف رعایت نمی‌کردند از زندان انفرادی تا شکنجه<sup>۵</sup> را شامل می‌شد. پس از آنکه مجاهدین خلق هواداران جدید خود را بعد از ضبط مدارک شخصیشان به طرز غیر قانونی به عراق بردند، رهبری توانست اعضای سرکش را بخاطر داشتن پاسپورت‌های غیر قانونی در عراق با تحت تعقیب قرار گرفتن تهدید کند، امری که سال‌ها زندان در یکی از زندان‌های عراق معنی می‌داد.<sup>۶</sup>

## مجاهدین خلق امروزی

مجاهدین خلق امروزی که طی گذشت زمان به سازمانی مرموز، غیر دموکراتیک و فرقه‌ای تحول یافته است از آرمانها و تصورات آغازین بنیانگذاران خود، کسانی چون

۱ - راند؛ موسسه ملی تحقیقات دفاعی؛ همان‌جا؛ ص. ۷۲

۲ - همان‌جا؛ ص. ۶۸.

۳ - مصاحبه‌های فراوانی با اعضای زن مجاهدین خلق در دست است که از مشاهدات عینی خود از چنین مراسم شبانه

ای روایت می‌کنند. مقایسه کنید با: افشاگری رسوایی‌های جنسی مسعود رجوی؛

<https://www.youtube.com/watch?v=G3fdOcahIEE> & <https://www.youtube.com/watch?v=-t-603cTmPk>.

۴ - رد استراتژی و تاکتیک سازمان، گوش کردن به رادیوهای بیگانه، تبادل نظر در باره مسائل سیاسی با دیگر اعضای سازمان، شرکت نکردن در نشست‌های اجباری، تلفن شخصی داشتن، شرکت نکردن در تمرین‌های نظامی، امتناع از پذیرش «طلاق‌های اجباری»، اندیشه‌های جنسی داشتن، ارتباط گیری با دوستان یا وابستگان فامیلی، سیگار کشیدن، قصد ترک مجاهدین خلق. نگاه کنید به راند؛ انستیتوی ملی تحقیقات دفاعی؛ ص. ۷۴.

۵ - همان‌جا

۶ - همان‌جا

محمد حنیف نژاد، علی اصغر بدیع زادگان، سعید محسن و تراب حق شناس بسیار فاصله گرفته است. رهبری کنونی سازمان هیچ وجه مشترکی با اهداف و ایدئولوژی پیشینان خود ندارد<sup>۱</sup>. بنیان‌گذاران مجاهدین خلق هرگز خواب آن‌را هم ندیده بودند که جانشینان آن‌ها دست در دست سیاستمداران نو محافظه‌کار ایالات متحده، با کسانانی چون بولتن (Bolton) و گین گریچ (Gingrich) همراه شوند و حتی برای حضور آن‌ها با دست و دل بازی پادشاه دهند و سازمان را به بازیچه دست قدرت‌های منطقه‌ای چون اسرائیل و عربستان سعودی تبدیل کنند. آرمانهای نسل ایرانی دهه‌ی شصت به سادگی کنار گذاشته شد.

پس از آنکه مسعود و مریم رجوی رهبری سازمان را به دست گرفتند، مجاهدین خلق که ایدئولوژی شان تا به امروز آمیزه‌ای از اسلام‌پسند و استالینیسم باقی مانده است، به فرقه‌ای تبدیل شد که از اعضا اطاعت کور کورانه، فداکاری نامحدود و تسلیم بی حد و مرز می‌طلبد<sup>۲</sup>. کنترل اقتدارمدارانه، سرکوب احساسات جنسی، انزوای عاطفی و امکان محدود کناره‌گیری (از سازمان) به اولویت اصلی این سازمان فرقه‌ای تبدیل شد<sup>۳</sup>.

این سازمان که بیش از چهل سال است در تبعید زندگی می‌کند، فرسوده شده و نادرند جوانانی که مایل باشند به آن بپیوندند<sup>۴</sup>. بسیاری از هواداران جوان با سازمان فاصله گرفته‌اند چون سازمان هیچ آینده‌ی بهتری نمی‌تواند برای آن‌ها رقم بزند. مجاهدین خلق علی‌رغم چهل سال زندگی در تبعید نتوانسته‌اند نسل خود را برای آزادی و دمکراسی در ایران آموزش دهند. سازمانی که جهت‌گیری اسلامی دارد و فقط متکی به فرقه رجوی است، قادر نبوده است تنوع عقیده، گوناگونی و کثرت گرای در سازمان را بپذیرد، امری که می‌تواند پیش‌شرط اساسی یک نظام دمکراتیک در ایران آینده باشد.

واقع بینانه بنگریم، مجاهدین خلق در وضعیتی نیستند که مردم را برای سرنگونی رژیم بسیج کنند<sup>۵</sup>. در عین حال مجاهدین در جبهه‌های گوناگون جنگیده و هم‌زمان زمین سوخته برجای گذاشته‌اند. اگر امری باشد که همه ایرانیان با تعلقات گوناگون را متحد کند، عبارت از تنفر مشترک از فرقه‌ای است که طی جنگی علیه میهن خود که مرگ ۵۰۰ هزار نفر را موجب شد، جانب عراق را گرفت. سازمانی که زمانی پرطرفدار و مایه امید

۱ - این مخصوصاً به « مبارزه ضد امپریالیستی » آن زمان علیه ایالات متحده مربوط است.

۲ - رجوع کنید به:

همان‌جا، Bahman Nirumand, TAZ,

۳ - رجوع کنید به:

همان‌جا، Arron Merat, The Guardian,

۴ - بسیاری از کسانی که تقاضای پناهندگی می‌کنند در تظاهرات مجاهدین خلق شرکت و از خود عکس می‌گیرند تا موقعیت پناهندگی را پیدا کنند:

refugie sur place

این عکس گرفتن البته فقط فرصت بی نظیری است برای نشان دادن خود در ملاء عام با مجاهدین خلق.

۵ - رجوع کنید به:

همان‌جا، Inside Arabia, Voice of the Arab People, by Sina Azodi and Giorgio Cafiero,



جوانان ایرانی بود، در همدستی با نیروهای محافظه کار ایالات متحده و اروپا مظنون به آن است که اطلاعات امنیتی محرمانه را در اختیار ایالات متحده، اسرائیل و کشورهای عربی همسایه قرار میدهد.

رهبری امروزین مجاهدین خلق که نه انتخاب شده و نه به اعضای خود پاسخگوست، بخاطر تکبر و فقدان تنوع از گفتگوی سازنده با دیگر قدرت‌های سیاسی کشور ناتوان است، مخصوصاً این‌که، هر نوع بحث سیاسی در سازمان را ممنوع کرده است.

رهبر مجاهدین خلق همواره تلاش می‌کند به دنیا نشان دهد قادر است میتینگ‌های سالانه خود را با پنج هزار هوادار سازماندهی کند. اما حقیقت امر این است که این به اصطلاح «هواداران» در واقع اهل کشورهای چپ‌رمانی و بلغارستان اند که در ازاء پول با اتوبوس به پاریس منتقل می‌شوند تا در میتینگ مجاهدین با پرچم ایران در دست، مردم ایران را نمایندگی کنند<sup>۱</sup>.

شکی نیست که مجاهدین خلق در بین اپوزیسیون ایرانی تنها سازمان متشکل و دارای وضعیت مالی وزیر ساخت‌های کافی است که از سوی جمهوری اسلامی تا حدودی جدی گرفته می‌شود. با این وجود، به دلیل ساختار فرقه‌ای، سکتاریستی و مشکوک در بین توده‌ی وسیع مردم پذیرش چندانی ندارند.

## چشم‌اندازهای آتی

احتمالاً مجاهدین خلق مدت زیادی در آلبانی باقی می‌مانند، امری که البته می‌تواند در دراز مدت برای دولت آلبانی مساله ساز باشد زیرا بر اردوگاه اشرف ۳ کنترلی ندارد و بدین ترتیب هر نوع عمل خلاف و سزاوار مجازاتی پنهان می‌ماند. علی‌رغم تبلیغات گسترده در اینترنت منظور تشویق جوانان به پیوستن به سازمان، موفقیت چنین تبلیغی بی‌پاسخ می‌ماند. جوانان امروزی که سال‌هاست با وعده‌های توخالی رهبری مجاهدین خلق مبنی بر سقوط قریب الوقوع رژیم روبرو بوده‌اند، دیگر قانع نمی‌شوند.

مجاهدین خلق علی‌رغم داشتن ۲۰۰ دفتر در سراسر جهان، در دراز مدت اهمیت سیاسی خود را از دست می‌دهند، اما به لحاظ اقتصادی می‌توانند «برنامه سیاسی» منزوی خود را پیش برند زیرا آن‌ها تشکیلات اقتصادی خود که دارای روابط اقتصادی در اروپا، آسیا، خاور نزدیک و افریقا است را گسترش داده و بدین ترتیب، میلیون‌ها دلار در اختیار دارند تا آینده‌ی خود را تضمین کنند.

به لحاظ سیاست خارجی، مجاهدین خلق آن‌گونه که در دوران زمامداری ترامپ از طریق بولتون (Bolton)، جولیان (Giuliani) ۲ و ال ال. چائو (Elaine L. Chao) طریق بولتون

۱ - این شرکت کنندگان را معمولاً سه روز در هتل‌های ارزان قیمت نگه میدارند و غذا و خوراکیشان را تأمین می‌کنند.

۲ - رجوع کنید به:

به کاخ سفید دسترسی داشتند را ندارند. در دولت جدید بایدن (Biden) برای مجاهدین خلق بسیار مشکل تر است که کسی در کاخ سفید برای آن‌ها گوش شنوایی داشته باشد، مخصوصاً این‌که آن‌ها بیش از حد به حزب جمهوری خواه تکیه کرده بودند.

مجاهدین خلق همچنان به خدمت خود به عنوان یک «شبکه خبرگزاری مفید» ادامه خواهند داد، اما هرگز به مثابه یک سازمان جدی که روزی در تهران بتواند قدرت را به دست بگیرد جدی گرفته نمی‌شود.<sup>۱</sup> آرزوی مجاهدین خلق به این‌که در سیاست رسمی ایران در EU یا ایالات متحده دخالت داده شوند همان اندازه غیر قابل تحقق است که آرزوی این‌که در ایران به عنوان شبکه ای حقیقی شناخته شوند. با این حال، پاره‌ای از سیاست مداران امریکایی و اروپایی از مجاهدین خلق به عنوان «ابزاری سیاسی» در کنار گزینش‌های زیاد دیگر برای تحریک ایران استفاده خواهند کرد.<sup>۲</sup> همین‌طور هم دولت‌هایی چون اسرائیل و عربستان سعودی از مجاهدین خلق مادام که سیاستشان با برنامه کاری مجاهدین هم‌آهنگی داشته باشد، پشتیبانی خواهند کرد.

از آن‌جا که ایدئولوژی و ساختار سازمان مجاهدین خلق نه دمکراتیک است و نه کثرت‌گرا مردم ایران انتظار ندارند از طریق آن‌ها بتوان تغییر دموکراتیک در ایران بوجود آورد. در ایران زمانی به یقین جنبش دموکراتیک قابل دوامی بوجود خواهد آمد، اما بدون مجاهدین خلق کنونی.

---

Politico Magazine, DANIEL BENJAMIN, „Giuliani Took Money From a Group That Killed Americans. Does Trump Care“, 23 November 2016;  
<https://www.politico.com/magazine/story/2016/11/giuliani-mek-terrorist-group-money-bolton-iran-214479/>

۱ - رجوع کنید به:

Foreign Policy, by Rhys Dubin and Dan De Luce, همان‌جا

۲ - همان‌جا

---

**همایون علیزاده** تحصیلات خود را در علوم سیاسی (دکتر) و حقوق در دانشگاه وین، اتریش (۱۹۷۵-۱۹۸۱) به اتمام و در سال ۱۹۸۳ از آکادمی دیپلماتیک وزارت امور خارجه اتریش فارغ التحصیل شد. از سال ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۵ علیزاده در وزارت کشور فدرال اتریش مشغول به کار بود و از سال ۱۹۸۹ به عنوان معاون بخش پناهندگانی و مهاجرت فعالیت داشت. از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۴ علیزاده به عنوان نماینده کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد در آفریقا؛ آسیا و ژنو؛ سوئیس؛ مشغول بکار بود. از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶، او مسئول بخش پناهندگی دوبلین در وزارت کشور اتریش بود. از سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۸، وی از طرف وزارت کشور اتریش به دفتر پناهندگی اروپا منصوب شد و به عنوان یک کارشناس ملی در سیسیل، ایتالیا، برای مقابله با بحران پناهندگان در دریای مدیترانه فعالیت داشت.

---

برای اطلاعات بیشتر به وبسایت  
www.alizadeh.eu مراجعه کنید.

